

# تیسیر الشاغلین

## فارسی مخطوطہ

از: مخروم الکل شیخ سید ابوالحسن جمال الدین موسیٰ پاک شہید گیلانی

[www.musapakshaheed.com](http://www.musapakshaheed.com)

کتب خانہ گیلانیہ اوچ شریف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اما بعد ميگويد اضعف عباد الله القوي فقير حقير مومنان بن حامد بن سيد  
عبد الرحمن الحنفي الجليلي که اين عاجز ضعیف لطیف در امضای  
وظائف اوقات شریف بر روش سلسله در ديشان کرامت  
حضرت قادريه از قسم عبادات و تقربات و ادعیه و اذکار و شغال  
از کتب معتبره از رواه ثقات از ذریات طبیبات که ابا عن جد  
سائله این بحضرت غوث الثقلین و قطب الخافقین شیخ شیوخ العلم  
مخبر الدین سید عبدالقادر الحنفي الجليلي رضی الله تعالی عنه مربوط است  
بشیر الشاعرين و به حرف استمالطیه یافته که مستند به آیه المود برین و ارشاد  
الساکنین و شاملکرت است بایست و هر باب چند فصل ترتیب یافته  
باب اول در بیان صلوة خمس و اذکار و ادعیه آن وقت صبح لاشتمل است  
بچند فصل فصل اول در بیان او را صبح و اذکار و ادعیه آن وقت نماز  
وست فجر و آنچه بدو تعلق دارد فصل دوم در بیان اذکار و ادعیه نماز فجر  
فصل سوم در بیان اذکار و ادعیه نماز ظهر فصل چهارم در بیان اذکار  
و ادعیه نماز عصر فصل پنجم در بیان اذکار و ادعیه نماز مغرب

تیسره

فصل ششم در بیان اذکار و ادعیه نماز عشا و ذکر خواب رفتن و  
وظایف این باب دوم در بابین غیر موقت و این باب ششم

فصل اول در بیان نماز اشراق و ادعیه آن فصل سوم در بیان نماز صبحی و

ادعیه آن فصل سیوم در بیان فی الزوال و ادعیه آن فصل چهارم در بیان

نماز او این و غیر آن فصل پنجم در بیان قیام شب و ذکر نماز تہجد و اذکار

و ادعیه آن و آنچه بدان تعلق دارد فصل ششم در بیان نماز تسبیح و

ادعیه آن باب سیوم در بیان اداب تلاوة قرآن مجید و بیان روز

اذکار بھر و شغل باطن و ذکر خفی و در بیان مراقبہ و طریق آن کہ در سلسلہ

عالیہ حضرت قادریہ است و اداب حضرت رسالت محمد مصطفی صلی

السد تعالی علیہ و آله وسلم و اداب مرید بانشیح و اداب حضرت شیخنا

وسیدنا و قبلتنا السید الشیخ محی الدین سید عبدالقادر الحسینی

البحیل رضی السد تعالی عنہ و اذکار متفرقہ شتمت برشش فصل نصل

اول در بیان اداب تلاوة قرآن مجید و ما تعلق بہ فصل دوم در بیان اذکار

بھر و اشغال باطن و طریق و روش آن فصل سیوم در بیان مراقبہ فصل

چهارم در بیان محبت و ادابینے از صوری و معنوی حضرت کائنات

خلاصہ موجودات صلی السد تعالی علیہ و علی آلہ و اصحابہ وسلم فصل پنجم

در بیان آداب مرید باشیخ و ما تعلق به فضل ششم در بیان انکار مخالفت  
 باب اول در بیان اذکار و ادعیه مملوّه و ما تعلق به که مشتمل بر شش  
 فضل فضل اول در بیان اذکار و اوراد صبح و نماز سنت و ما تعلق به  
 بدانکه در حقیقت سوال و دعا و سکوت و اساک ازان و تفصیل یکی بردیکری  
 قوم اخلاف بعضی دعا را بر سکوت فضیلت نهاده اند و برخی سکوت را بر دعا  
 مرجح کرده اند و در ضمن دعا نوعی از شکایت و عدم رضا بقضا و اراده خود در  
 اراده حق سبحانه و تعالی اختیار اندراج دیده ترک ادا الیه دانسته اند  
 لیکن اهل تحقیق مطلقاً هیچ یکی را بر دیگری ترجیح نکرده مگر بقیدی و آن اینست  
 که دعا را وقت خاصه که در آنوقت دعا بمراتب فضیلت دارد و آن  
 حالی بود که بنده در دل عیبی صفاق اشراجی و اسیناسی بدعامعاشه  
 و مشاهده کند و سکوت را نیز زمانیت یعنی در آن زمان سکوت فاضل  
 چه وقتیکه بنده در دل خود فیض و احتشاقی یا بد در باطن خود استغاثه  
 و حضوری بیند که دعا مخالف و محل وقت او بعد در آنوقت از سکوت  
 بمراحل و مراتب مرجح است چه اصل اینکار تذلل و تضرع و انکسار و اتیبال  
 و حضور دل است هر وقتی که حالتی که رونده را دست دهد باید که مطابق آن کار  
 کند چه از ورودن و چه از شغل و حضور جان آن ایدر ویش باهوش

بکوش تا از غم او بگریزی و بیاوش او بگریزی بلکه حاضر باش که دم پی  
 یار او نبر آید و اگر نه خود بگری از حسرت بر توجیه کشاید باید که آمد باشد  
 و رفت و خاست و نشست هر کجا و هر طوری که باشی ز بابت بندگی  
 خدا التماس کن تا رحمتها تر و تازه بی اندازه دم بدم بر تو نثار شود  
 خصوصاً نیم شب و آخر شب و وقت سحر با صداری که این وقت مخصوص  
 و روی نمایی مقصود پس باید که در صبح گاه بناله و آه بسیار و استغفار  
 و دعا در کار باشی و ادعیه بر او شن سلسله درویشان حضرت تارک است  
 و در خود سازی وقت صبح بگو اللهم بك اصبحنا و بك امسنا  
 و بك نحی و بك نموت و اليك النشور و نیز بگو رضیت  
 بالله رباً و بالاسلام دیناً و بمحمد صلی الله تعالی علیه  
 و سلم نبیاً و از سورت انعام آیت و در خود سازی و نمایی که اول  
 آیه آیت الحمد لله الذی خلق السموات و الارض و جعل الظلمات  
 و النور ثم الذین کفروا بهم یعدلون هو الذی  
 خلقکم من طین ثم قضی اجلا و اجل مسمى عنده  
 ثم انتم تموتون و هو الله فی السموات و فی الارض

يعلم سرهم وجبههم ويعلم ما تكسبون وآية فالق  
 الاصبح وجعل الليل سكنا والشمس والقمر حسباننا  
 ذلك تقدير العزيز العليم ويباركوا ويكوي اللهم بك  
 اصحنا وبك امسينا وبك نحى وبك نموت واليك  
 النشور اصحنا واصبح الملك لله والعظمة لله والكبرياء  
 لله والجبروت لله والسلطان لله والليل والنهار  
 وما سكن فيهما كله لله الواحد القهار اصحنا على  
 فطرة الاسلام وكلمة الاخلاص وعلى دين نبينا محمد  
 صلى الله عليه وسلم ومله ابينا ابراهيم خيفا مسلما  
 وما كان من المشركين وبس ازان بكوي على هذه الشهادة  
 نحى ونموت وعليها نبعث انشاء الله تعالى ونين  
 بكوي اللهم هذا خلق جديد فافتحه وعلى بطاعتك  
 واختمه لي بمغفرتك ورضوانك وارزقني فيه حسنة  
 وتقبلها مني وذكها وضعفها لي وما علمت فيه من  
 سيئة فاغفرها لي انك عفور رحيم وتكرت سبحانك

ربي الاعلى الوهاب وصبر ويا زده باركلمه لا اله الا الله  
 محمد رسول الله بر هر عدد شتر دم متصل كني صبر ويا زده بار  
 الله الله بكوي و هزار و يكبار بز يا و تي حرف ن يا الله يا الله  
 ورد خود نمائی و صد كرت در و دران محبوب عند اصلي الله عليه و اله و سلم  
 كه فتح رساله قادر است بخواند اللهم صل على محمد مع  
 الجود والكرم وعلى محمد وبارك وسلم و هر صباح و  
 از آن حضرت رهنی استماعه منقولت مداومت نمائی و طریق آن است  
 كه آیه الكرسي عظیم كیار خوانده بر دست راستی خود بر می و نیز آیه  
 مذكوره را يك كره خوانده بر دست چپ خود بر می و همچنان كره سیوم پیش  
 خود كرت چهارم جانب است و كرت پنجم جانب آسمان و بر فرق خود  
 و كرت ششم خوانده بر تمام اعضای خود بر می و مرتبه هفتم متصل بلوی  
 حصنت نفسي و روحي و جسدي و اولادي و اهلي  
 و مالي و ما احب و ما املك في خرائتي بسم الله الرحمن  
 الرحيم اقاها لا اله الا الله و محمد رسول الله مفاتيح  
 لاحول و لا قوة الا بالله العلي العظيم فسيكفيكم الله

وهو السميع العليم ورد الله الذين كفروا بغير ظلمهم  
 لم ينالوا حنرا وكفى الله للمؤمنين القتال وكان الله  
 قويا عزيزا خوانده جانب راست و طرف چپ و جانب قبل و ظهر خوف  
 دیده پس ازان پر دودت خود دیده دستها بر جميع اعضا و اندام  
 بکشد بجهه يا باقي وانت الكافي صد و يازده بار بخوان  
**فصل**  
 دوم در اوراد نماز فجر ابي طالب بايد که از برای هر نماز فرض تجديد وضو  
 سازي و بمطالعه معاني اسرار وضو در هر عضو ملاحظه کني و اعضاي  
 وضو را بتاني و از حضور شوي تا برکت نوز حضور بر اوقات منجرب  
 گرده چه حضور در نماز بانه حضور بود در وضو و وضو سه در نماز بقدر سهو  
 و غفلت باشد در وضو حد علم نگه داشتن و آب بخين و طريق و سهو  
 شیطان نکشي چه در خیرت للوضوء شياطين يقال له الوهان  
 فاتقوا الله وساوس الشيطان برا که نماز منون دو نوع است موقته  
 و غير موقته و آنحضرت<sup>لل</sup> و انرا حضرت اما موقته يا راتبه است يا غير راتبه  
 راتبه آنست که بر فرض مرتبه بود و غير راتبه آنکه بر فرض مرتبه نبود و راتبه  
 بعد فرض پنج اند دو رکعت راتبه صبح و شش رکعت راتبه ظهر چهار رکعت  
 راتبه عصر شش از فرض و نزد امام اعظم رحمه الله تعالى عليه اين چهار رکعت

از راتبه غیر موقتت و دو رکعت راتبه مغربت و بعد از فرض غشا دو رکعت  
راتبه غشا است بد آنکه چیز هر رکعت سنت فجر در خانه بگذاری بخوانی در رکعت  
اول بعد از فاتحه قل ایما الف فزون و در رکعت دوم سورت اخلاص پس از  
فراغ نماز هفتا کرت استغفر الله الذی کاله الا هو الی  
القیوم و اساله التوبه و رد خود سازی و نیت حیات قلب  
چهل و یکبار بخوانی یا حی یا قیوم یا کاله الا انت اسالك  
ان تجیی قلبی بنور معرفتک ابدایا الله و اگر کنی آن وقت بود  
سورت قافیکار بخوانی و الا مقتضای وقت هر چه توانی ازان اوراد  
خود سازی و باید که هر نماز که فرضی در مسجد جماعت گذارده باشی از  
فضایل و رغائب اقتدا سنه سینه آن سرور صلی الله علیه و اله و سلم پیروی باشی  
و باید که جمیع صلوات خصوصاً صلوات فرض بحضور قلب و خشوع میگذارد  
که غافل کامل است که همگی هفت همت و نیت او بر استعداد و تکمیل  
معروف بود و آن یکی نیت که در تلاوت قرآن مجید نیک حاضر باشی  
هر لفظ از قرآن مجید که از زبان بر آید بلا حظه میان آن از سر حضور و تپیر  
کنی مانظون زبان تو که ترجمه دل است خاکی نطق دل تو بود چه اگر نطق سان  
خاکی و ترجمان دل نبوی صلی بطریق مناجات با حق سجانه و تعالی مستحکم منبع

و نه مستمع بطریق فهم از و دیگر بیستی از هیئات صلوة باشی تا ذوق مشروع که لذت  
 آن بیستی دیگر کبکی الا در فرضی که در آن تطویل مستعذر باشد و از مهمام صلوة یکی است  
 که پیش از شروع در ن دل خود را از اشغال با مورد نیوی و هر چه پشت خاطر و  
 توزع باطن و تفرقه هموم بود فارغ و مجموع کردانی تا در صلوة حاضر باشی که چه  
 میکنی و چه میخواهی و مت و غفلت نباشی و فی الجمله هر چه میغیر مزاج باطن بود از  
 هیئت اعتدال جمعیت باید که قبل از صلوة انرا از ایل کردانی و باید که پیش از وقت  
 وضو ساخته باشی و مستعد آن شده دیگر در تقدیم سنت بر فرض اهماں جائز نندازی  
 تا اگر اثری از آثار رکود است و تفرقه بر خیزد و باطن صلاحیت صلوة و شاکتگی  
 مناجات یابد و راه بهوی لغات الهی در فرضیه متوسع گردد و بدانی که بدنام حضرت  
 حاضر خواهی شد و پیش کدام صاحب خواهی رفت بدانکه چنان چه اعیان  
 و جمود هر یکی را خاصیت مخصوص بدو که در دیگری نتوان یافت و همچنین در  
 صورت صلوة خاصیت است مخصوص بدو که در دیگری اذکار نتوان یافت بلکه  
 در تحت هر بیستی از هیئات صلوة حدایر است و حکم که در غیر آن نتوان یافت  
 و اهل و جردان بطریق ذوق حال لذت یابند و الله الموفق و الهادی  
 الی الرشاد و مان ایدر ویش حاضر باش بدانکه لفظ صلوة و اصل لغت موصوف  
 بازای معنی دعا و در شریعت باز آیی مجموع اذکار و هیئات چند قالی و قلبی

و فعلی یعنی حقیقت دعا بر و صغی که: تم و اعم بود است که بنده اجزای و عجم  
 قولاً و فعلاً و عملاً و حالاً پیش سید خود سجانه و تعالی از سر تضرع و اقبال  
 بخواند و عملی او کو یا زمانی گردد چنانچه هیچ ذره از ذرات و جمو ظاهر او پناه  
 از دعا تخلف نمند و نیز اشتقاق صلوة از صلیت یعنی مصلی حقیقی است  
 که در حالت صلوة بغلبه نوز شهود و محبوب و تلاش رسوم وجود از خلق  
 منفصل بود و بحق مصل چنانچه آن سرور کائنات علیه افضل الصلوات و اکمل  
 التیمات در معراج و اصل حضرت ربوبیت گشت و خواص امت خود را  
 بطریق وصول بحضرت غزاسمه کشود که الصلوة مع لجم المؤمنین  
 و كما قال الغوث الاعظم الصلوة صلیته بالله لجد <sup>لا تفصلا</sup>  
 عن غیره بد اگر چنین از نماز فجر فارغ شوی و سلام دهی پیش از آن پای <sup>خود را</sup>  
 از جنب التیمات دو تا کرده باشی بگوی ده گرت لا اله الا الله  
 و حده لا شریک له له الملك وله الحمد بحی می و عیبت  
 و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر  
 بخواند و هفتاد گرت سورت اخلاص را نشتاده گرت بخواند و سه گرت  
 سبحان الله و سه گرت و الحمد لله و سه گرت و الله اکبر  
 و یکبار لا اله الا الله و حده لا شریک له الملك وله الحمد

وهو على كل شيء قدير خواني وبقا و كرت كلمه استغفر الله را  
 تکرار کنی بعدہ در خلوت رفتہ مستقبل قبلہ نشسته بوظائف کہ تطبیق کردہ  
 کرومی و یکبار این دعا ورد کنی اللهم انی اعوذ بک باسمک  
 المخزون المکنون السلام المنزل القدوس الطاهر  
 الاطهر والمطهر یا دهر یا دهور یا دیهار یا ازل  
 یا ابد یا من لم یولد ولم یؤلد ولم یکن له کفو احد  
 یا هو یا منهو یا الاله الالهو یا من لا یعلم الالهو ما  
 هو الالهو یا من لا هو یعلم این هو الالهو یا کان یا کیتان  
 یا روح یا کائن قبل کون یا کائن بعد کون ایا شریها  
 اذ و نی اصباؤث یا حجله عظام الامور سبحانک  
 علی حاکم بعد علمک سبحانک من عفوک بعد قدر  
 فان تولوا فقل حسبی الله الاله الالهو علیه توکلت  
 وهو رب العرش العظیم لیس کمثله شیء وهو السميع  
 العظیم اللهم صل علی محمد و علی آل محمد بعد دکشور  
 کما صلیت علی ابرهیم و علی آل ابرهیم انک حمید مجید

وَلَوْ ذُوْنَهُ نَامٌ بِخَوَائِي لَبَسَمَ اللّٰهُ الرَّحْمٰنَ الرَّحِيْمَ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي  
لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ الْمَلِكُ الْقَدُوْسُ  
السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْغَفُوْرُ الْجَبَّارُ  
الْمُتَكَبِّرُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمَصُوْرُ الْغَفَّارُ  
الْقَهَّارُ الْوَهَّابُ الرِّزَّاقُ الْفَتَّاحُ الْعَلِيْمُ  
الْقَابِضُ الْبَاسِطُ الْخَافِضُ الرَّافِعُ الْمَعَزُّ  
الْمَذَلُّ السَّمِيْعُ الْبَصِيْرُ الْحَكْمُ الْعَدْلُ  
اللَّطِيْفُ الْخَبِيْرُ الْحَلِيْمُ الْعَظِيْمُ الْغَفُوْرُ  
الشَّكُوْرُ الْعَلِيْمُ الْكَبِيْرُ الْحَفِيْظُ الْمَقِيْتُ  
الْحَسِيْبُ الْجَلِيْلُ الْكَرِيْمُ الرَّقِيْبُ الْمَجِيْبُ  
الْوَاسِعُ الْحَكِيْمُ الْوَدُوْدُ الْمَجِيْدُ الْبَاعِثُ  
الشَّهِيدُ الْحَقُّ الْوَكِيْلُ الْقَوِي الْمَتِيْنُ  
الْوَلِيُّ الْحَمِيْدُ الْمَحْصِي الْمُبْدِي الْمَعِيْدُ  
الْمُحْيِي الْمَمِيْتُ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ الْوَاجِدُ

الأحد . الصمد . القادر . المقتدر . المقدم .  
المؤخر . الأول . الآخر . الظاهر . الباطن .  
الوالي . المتعالى . البر . الثواب المنعم  
المنتقم . العفو . الرؤف . مالك الملك . ذو  
الجلال . والأكرام . الرب . المقسط . الجامع  
الغنى . المغنى . بما نعم . الضار . النافع  
النور . الهادي . البديع . الباقي . الوارث  
الرشيد . الصبور الذي ليس كمثل شئ وهو  
السميع العليم غفرانك ربنا واليك المصير نعم المولي  
ونعم النصير محمد رسول الله السيد الصادق  
الأمين ورسول رب العالمين . وإنجادنا بخوانى  
اللهم انى اسئلك بحق هذه الاسماء كلها وبحقوقها  
وكرامتها وحقائقها وصدقها وتفسيرها وتعظيمها  
وتكريمها ان تعطى الخبز الدنيا وخير الآخرة وان تصرف عنا

شر الدنيا وشر الآخرة وان لا تسلط علينا من لا يحرمنا  
في الدنيا والآخرة احدا من خلقك يا ارحم الراحمين  
اللهم انا نسئلك ان لا تدع لنا ذنبا الا غفرته ولا  
هما الا فرحته ولا ديننا الا قضيته ولا فساد الا  
صلحته ولا شر الا صرفته ولا غما الا كشفته  
ولا قبيحا الا سترته ولا سقما الا شفيته ولا  
فقرا الا غنيته ولا عسرا الا يسره ولا نذرا الا  
وفيته ولا خطيئة الا كفرته ولا حسنة الا  
اصطفيتها ولا سيئة الا حوتيتها ولا فترة الا  
سروتها ولا كربة الا كشفتها ولا نعمة الا اتممتها  
ولا فضلا الا اسبغتها ولا قحطا الا رفعته  
ولا بلاء ولا وباء الا ارفعتها برحمتك يا ارحم  
وده كرت فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو  
عليه توكلت وهو رب العرش العظيم وده كرت  
اللهم اجرنا من النار ونيز كرت بسم الله خير الاسماء

بِسْمِ اللَّهِ رَبِّ الْأَرْضِ وَرَبِّ السَّمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي  
لَا يَضُرُّهُ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ  
السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَكَرَّتْ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ  
الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ  
الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ اهْدِنَا مِنْ عِنْدِكَ وَأَقْرِضْ عَلَيْنَا  
مِنْ فَضْلِكَ وَأَنْشُرْ عَلَيْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَنْزِلْ عَلَيْنَا  
مِنْ بَرَكَاتِكَ وَلَا تَنْسِنَا مِنْ ذِكْرِكَ وَخِنَانِ مِنْ غَدَا  
وَجِنْدِنَا مِنْ سَخَطِكَ وَكَرَّتْ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ  
عَدَدَ خَلْقِهِ وَرِضَاءِ نَفْسِهِ وَزِينَةِ عَرْشِهِ وَمَنْتَهَى  
عِلْمِهِ وَمَلَأِ سَمَوَاتِهِ وَمَدَادَ كَلِمَاتِهِ دَهْرَتْ اللَّهُ  
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ  
وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ  
وَاسْتَغْفِرُ اللَّهُ الْأَوَّلَ وَالْآخِرَ الظَّاهِرَ الْبَاطِنَ  
لَهُ الْمَلِكُ وَلَهُ الْحَمْدُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

وسكرت اللهم خلقتني وانت هديتني وانت تطعني  
وانت تسقينني وانت تميتني وانت تحييني وانت  
ربي لا رب لي سواك ولا اله الا انت استغفرك  
واتوب اليك ويكبر اللهم انت ربي لا اله الا انت  
خلقتني وانا عبدك وعلى عهدك ووعدك  
ما استطعت اعوذ بك من شر ما صنعت ابوء  
لك بنعمتك وابوء بذنبي فاغفر لي ذنوبي فانه  
لا يغفر الذنوب الا انت وتب علي انك انت  
التواب الرحيم اللهم اني ضعيف فكوني في رضاك  
ضعيفي واجعل الاسلام منتهي رغبتى وبلغنى  
وبشري برحمتك التي ارجو رحمتك وخذ لي  
بناصيتي واجعل لي ودا في صدور الذين امنوا  
وعهدا عندك يا ارحم الراحمين اللهم جنبنا منكرات  
الاعمال والاحلاف والاهواء والادواء وسكرت

اللهم اني اعوذ بك من ان اشرك بك شيئاً وانا اعلم  
واستغفرك لما لا اعلم به تبت عنه وسكرت اعوذ  
بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم رب اعوذ بك  
من همزات الشياطين واعوذ بك ان يحضرون وكرت

اللهم اني اعوذ بك من شر من يمشي على بطنه  
ومن شر من يمشي على رجلين ومن شر من يمشي على  
اربع مخلوق الله ما يشاء والله على كل شيء قدير  
وبعد هرماز خمس كيبا رسوت فاتحه وايتة اللرس و ايتة شهيد الله  
تا عند السد الاسلام وايتة قل اللهم مالك الملك تا بغير حاب وبروت  
بجاي ايتة شهد السد و قل اللهم وامن الرسول تا على الكافرين و كيبا ر  
جنبنا منكرات الاعمال والاخلاق والاحطاء والاهواء  
والادواء اللهم اني اعوذ بك من ان اشرك الى اخره  
وكرتة اللهم صل على محمد وعلى آل محمد وبارك وسلم  
اللهم يا ولي الاسلام واهله مسكنا يا اسلام و  
صلى الله تعالى على خير خلقه محمد واله واصحابه اجمعين

پس از آن مسعات عشر را پیش از بر آمدن آفتاب تهنیتی که مسعودی میگوید  
 و روح خود سازد و سورت فاتحه و سورت الناس و الفلق و انا خلاص  
 و الکافرون و آیته الکرسی هر یک از این سورت و آیته الکرسی با تسبیح  
 هفت کرد و سبحان الله و الحمد لله تا علی العظیم هفت کرد  
 و عدد ما علم الله و زنة ما علم الله و ملا ما علم الله  
 یکبار و اللهم صل علی محمد عبدک و نبيک و رسولک  
 النبی الامی و علی له و بارک و سلم و هفت کرد و اللهم  
 اغفر لی و لوالدین الی اخره و هفت کرد و اللهم رب الفع  
 لی و بهم عاجلا و اجلا فی الدنیا و الاخرة ما انت له  
 انک غفور رحیم جواد کریم بر روف الرحیم هفت کرد  
 بعد بگوئی سبحان الله الی ان سبحان اللحنان المنان  
 سبحان الله الشدید الازکان سبحان الله فی کل  
 مکان سبحان الله من لا یغشله شان عن شان  
 سبحان من ینذهب باللیل و یاتی بالنهار و بعد  
 از نماز عصر من ینذهب بالنهار و یاتی باللیل بگوید و یکبار  
 این دعا بخواند سبحان الله و محمدک علی حلمک بعد علمک

سبحان الله وحجارك على عفوك بعد قدرتك سبحان  
من له نطق خفي فسبحن الله حين تمسون وحين  
تصبحون وله الحمد في السموات والارض وعشيا و  
حين تظهرون يخرج الحي من الميت ويخرج الميت  
من الحي ويحيي الارض بعد موتها وكذلك تخرجون  
سبحن ربك رب العزم عما يصفون وسلام على المرسلين  
والحمد لله رب العالمين فالحمد لله رب السموات السبع  
ورب العرش العظيم وله الكبرياء في السموات والارض  
وهو العزيز الحكيم وميت ويبار يا جبار تكرر كنز ايزان  
يكبار بگويد اجبر قلبي يا جبار يا غفار اغفر ذنبي يا  
سار استر عيبي يا رحمن ارحم يا سلام سلمني  
يا تواب تب علي ويبار اللهم اعصمني بالاسلام  
قاعدا واعصمني بالاسلام راقد اولا شمت لي  
الاعداء عد واولا حاسدا اللهم اني اعوذ بك من

نفسه ومن شر غيري ومن كل دابة انت اخذ بناسيتهم  
اسالك الخير والخير بيدك ان ربي على صراط مستقيم  
بعده هفت كرت استغفر الله وهفت كرت الحسين  
تكرار كنز و كيار اللهم صل على محمد اذا ذكر الابار وصل  
على محمد ما اختلف الليل والنهار وصلوة لا ينقطع  
مددها ولا يحصى عددها صلوة تشمهن الهواء  
تملا الارض والسماء الاعلى صل عليه وعلى اله  
حتى ترصني لاحد لها ولا منتهى لها وصل عليه  
حتى لا يبقى من الرحمة شئ وبارك على محمد حتى  
لا يبقى من البركات شئ وسلم على محمد المنزل المقعد  
المقرب يوم القيمة حتى لا يبقى من السلام شئ  
وصل على محمد بعدد ما خلق من السلام وما  
يخلق الي يوم القيمة وصل على محمد بعدد ما قام  
وقعد اللهم اجعل يومنا يوم التوبة واجعل يومنا

يوم المغفرة واجعل يومنا يوم العتق من النار يا رب  
يا رب يا رب اللهم اجعل جلوسنا لك خالصا واجعل  
قيامنا لك خالصا واجعل سكوننا لك خالصا و  
اجعل كلامنا لك خالصا واجعل سلوكنا لك خالصا  
واخرج الرياء والشك من ديننا يا رب يا رب يا رب  
اللهم طهر قلوبنا من النفاق واعمالنا من الرياء  
والسنا من الكذب والغيبة وفرجنا من الزنا  
وبطوننا من الحرام وعيوننا من الخيانة وايدينا من  
السرقه والمظلمه فانك تعلم خائنه الاعين  
وما تخفى الصدور اللهم اني اعوذ بك من جهد  
البلاء ومن درك الشقاء انك سميع الدعاء اللهم  
اني اسئلك بجلالك وعظمتك وبنورك الذي  
لا يطفى ويغزتك التي لا ترام وبما اردت ان يكون  
فكان وبما امسكت به السموت والارض ان تزولا  
ولا يعلمه الا انت ان ترحمني ونسب علي انك انت

بسم الله الرحمن الرحيم استغفر الله استغفر الله استغفر  
الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم واتوب اليه اللهم  
اني استغفرك لما قدمت واخرت وما اسررت  
وما اعلنت وما اسرعت وما اسرقت انت اعلم  
به مني انت المقدم وانت المؤخر وانت على كل شيء  
قدير اللهم اني استغفرك من كل ذنب تبت اليك  
منه ثم عدت فيه واستغفرك لما اردت به  
وجهدت الكرم اذ انا لا واستغفرك لما وعدت  
ك به من نفسي ثم اخلفتك واستغفرك لما ادعيت  
اليه الهوي من قبل الرخص مما اشبهه على وهو حرام  
عندك واستغفرك من نعمتك التي انعمت بها  
علي فتقويت بها على معصيتك واستغفرك  
من الذنوب التي لا تعرفها غيرك ولم يطلع عليها  
سواك ولم يسمعها الا اهلها ولا يخرج منها الا عفو

واستغفرك من كل بين سلفت مني فخشيت فيها  
 عذابتها ما أخذت بها واستغفرك يا عالم الغيب  
 وتباعدت من كل سوء علمته في سواد الليل وبياض  
 نهار في كل خلاء وملاء وسر وعلاية وانت  
 تاضربها لي اذار تكبتها واتيت بها من العصيان  
 بما لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين  
 رب ففر واجتهدت خير الرحمن واستغفرك لكل  
 ذنبه اوجبت علي اداء الليل واطراف النهار فكنها  
 عما وسهوا او خطاء او نيا نا وانا مسؤل بها و  
 استغفرك لكل سنة من السن سيد المرسلين  
 محمد صلى الله عليه واله وسلم فتركها ففاه لرجل  
 وجهلاوتها وناوقلة مبالاة وانا معاتب بها  
 واستغفرك لا اله الا انت وحدك لا شريك لك  
 سبحانك رب العالمين يا رب العالمين لك الحمد ولتأ

لك المجد والبقاء لك الجود والعطاء وانت حسينا  
 ونعم الوكيل ونعم المولي ونعم النصير وبأيدك ختام  
 دعاء مذكوره بدرود اللهم صل على محمد اذا ذكر الا برار الخير  
 تكرر نمايد و اگر بعزز از سبغات عشرت شود بجای آن یکبار خربزه  
 بدرود بخواند انت اللهم انت ربي لا اله الا انت عليك  
 توكلت وانت رب العرش العظيم ما شاء الله كان  
 وما لم يمشأ لم يكن لا حول ولا قوة الا بالله العلي  
 العظيم واعلم ان الله على كل شيء قدير وان الله قد  
 احاط بكل شيء علماً واحصى كل شئ عدداً اللهم اني  
 اعوذ بك من شرف نفسي ومن شر كل دابة انت اخذ  
 بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم وبأيدك خربزه مذكورا  
 در هر نماز بخواند؛ باشي بجزه اگر توفيق رفیق شود این دعوات و اذکار  
 را در خود سازد لا اله الا الله الملك الحق المبين صدقة  
 یا یا نزده کرت یا هزار نوبته و کلمه لا اله الا الله محمد رسول  
 الله

۴۴  
هزار گرت و اگر مقتضی وقت نباشد صد بار بگوید و شصت و سه بار یا  
قدیم یا سمیع یا رحیم یا بدیع السموت و الارض  
یا ذوالجلال و الاکرام لا اله الا انت برحمتک استغیث  
و من عذابک استجیر یا غیاث المستغیثین اغثنی  
بخواند و سورت فاتحه و سورت بار بخواند و یا صد بار بعد از هر نماز و در خوف  
سازد و سورت لقمان و سورت الم سجد و سورت یس و سورت نوح  
نیز ورد و خوب سازد و باید که این وظیفه را از ائمه انحضرت است رضی الله  
از برای قطع تعلق با سوی الیه و از برای وصول قرب حق عز و جلال  
و بجهت قضا حاجات دنیا و آخرت بعد از هر نماز خمس و در خوف سازد  
خصوصاً بعد از نماز فجر که رعایت و قضا با این دعا بسیار است تفضل  
بجای خود نوشته داند بسم الله الرحمن الرحیم هو الله احد  
الله الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفو احد  
له الاسماء الحسنی و الصفات العلیا وله المثل الاعلی  
فی السموت و الارض و هو العزیز الحکیم لیس کمثله  
شیء و هو السميع العلیم لا تدركه الابصار و هو

يدرك الابصار وهو اللطيف الخبير هو الاول والاخر  
والظاهر والباطن وهو بكل شئ عليم امنا بالله وما  
انزل المينا وما انزل الى ابراهيم واسماعيل واسحق و  
يعقوب والاسباط وما اوتي موسى وعيسى  
وما اوتي النبيون من ربهم لا نفرق بين احد منهم  
و نحن له مسلمون ربنا امنا بما انزلت واتبعنا  
الرسول فاكتبنا مع الشاهدين امنا بالله و  
ملكته وكتبه ورسله واليوم الاخر والقدر خير  
وشرع وحلو وتر ربنا امنا بك وباسمائك وصفاتك  
وما انت به موصوف في علو ذاتك كما ينبغي مجلاله  
وجهك وكما انت له فعظيم ربوبيتك وكما هو لائق  
بك في كمال الهيئتك امنا بكتبك ورسلك وبما  
جاء به من عندك على مرادك ومراد رسولاك وكما  
تحب في ذلك وترضى وعلى ما هو في علمك الاعلى

يا عالم السر والخبفي واخفي يا قيوم الارض والسماء انا  
عاجزون قاصرون براء اليك من الزيع والزلل مطيعون  
لما اردت به من فعل وقول وعقد وعمل فتعالى الله الملك  
لا اله الا هورب العرش الكريم سبحانه وتعالى عما  
يصفون بديع السموت والارض اني يكون له ولد  
ولم تكن له صاحبة وخلق كلشئ وهو بكل شئ عليم  
اللهم فاجينا على ذلك وامتنا على ذلك وابعثنا على  
ذلك واهدنا بحقائق ذلك يا رب العالمين يا من هو  
الاول قبل كلشئ والاخر بعد كلشئ والظاهر فوق  
كلشئ والباطن تحت كلشئ يا نور النور الانوار يا عالم السر  
والاسرار ويا مدبر الليل والنهار يا مالك يا عزيز يا  
قهار يا رحيم يا ودود يا غفار يا علام الغيوب  
يا مقلب القلوب ويا غفار الذنوب يا ستار العيوب  
اللهم صل على محمد عبدك ورسولك السيد الكامل  
الصالح الخاتم بنورك المبين ورسولك الصادق الامين

ات سيدنا محمدنا الوسيلة والفضيلة والدرجة  
العالية الرفيعة وابعثه مقاما محمود الشفيق  
المرضى ورسولك المرصع المحبب اللهم صل عليه وعل  
اله كما صليت على ابراهيم وبارك عليه وعلى اله  
كما باركت على ابراهيم في العلمين انك حميد مجيد  
واصحابه تسليما كثيرا كثيرا طيبا مباركا اللهم  
اسئلك باسمك وبصفاتك وبكلماتك التامات  
وبكتابك المنزلة وبكتابك العزيز وبمحمد عبدك  
ورسولك يا رب الارباب ويا سريع الحساب  
يا رحيم يا رحمن يا قريب يا مجيب يا حنان يا منان  
يا ذا الجلال والاكرام يا حي يا قيوم اللهم ربنا اتنا الخ  
اللهم انا نسالك التقى والهدى والعفاف والغفر  
اللهم انا نسلك من الخير كله عاجلة اجله ما علمنا  
منه وما لم اعلم ونعوذ بك من الشر عاجله اجله

ما علمنا منه وما لم اعلم اللهم اننا نسلك من خير ما  
 سالك منه عبدك ونبيك محمد صلى الله عليه وسلم  
 وانت المستعان وبك المستعان وعليك التكلان  
 ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم اللهم انت  
 ربي لا اله الا انت خلقتني وانا عبدك وانا على  
 عهدك كما استطعت اعوذ بك من شر ما صنعت  
 ابوء لك بنعمتك علي وابوء بذنبي فاغفر لي فانه  
 لا يغفر الذنوب الا انت وتب علي انك انت  
 التواب الرحيم اللهم اسالك صحة الخوف وغلبة  
 الشوق وثبات بعلمد وامر الفكر ونسالك سر الاسرار  
 حتى لا يكون لنا مع الذنب قرار  
 الى العمل هذه الكلمات التي بسطها  
 لنا على لسان وابتليت ممن ابراهيم خليلك  
 فاتهمن قال اني جاعلك للناس اماما قال ومن

ذريتي قال لا ينال عهدك الظالمين وجعلنا من المسلمين  
ومن ذرية ادم ونوح واسئلك منك ائمة المتقين  
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَبِاللّٰهِ وَمِنَ اللّٰهِ وَعَلَى اللّٰهِ  
فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ وَحَسْبِيَ اللّٰهُ وَآمَنْتُ بِاللّٰهِ  
وَرَضِيتُ بِاللّٰهِ وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ  
اِلَّا بِاللّٰهِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحٰنَكَ اِنِّیْ كُنْتُ مِنَ  
الظّٰلِمِیْنَ یَا عَلِیُّ یَا عَظِیْمُ یَا حَلِیْمُ یَا عَلِیْمُ یَا ذِی الْجَلَالِ  
وَ الْاِكْرَامِ اللّٰهُمَّ اَهْدِنَا بِنُورِكَ الیْكَ وَاقْمِنَا بِصِدْقِ  
الْعِبُوْدِیَّةِ بَیْنَ یَدِیْكَ اللّٰهُمَّ جْعَلِ اللِّسَانَ رَطْبَةً  
بِذِكْرِكَ وَنَفْسًا مَطِیْعَةً لِاَمْرِكَ وَقَلْبًا مَمْلُوءًا  
بِمَعْرِفَتِكَ وَارْوَاحًا مَكْرُمَةً بِمَشَاهِدَتِكَ وَاسْرَارًا  
مَنْعَمَةً بِقُرْبِكَ وَتَمْرِیْدًا اَبَدِنُوكَ اَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ  
قَدِیْرٌ یَا مَنْ لَا یَسْكُنُ قَلْبُ الْاَبْقَرِیَّةِ وَانْوَانُ وَلَا  
یُحِیُّ عَبْدًا اِلَّا بِالطَّفَةِ وَابْرَانٍ وَلَا یَبْقَى وَجُودُ الْاَبْرَارِ

يا مداده واظهاره يا من انس عباده اهل البر و  
اولياؤه المقربون الاحياء بمناجاته واسراره و  
يا من احى وافقر واغنى واسعد واشقى واضل  
واهدى وبلى وعفى وقدر وقضه كل بعظيم  
تدبيره وسابق اقدامه يا رب الى اي باب تبقى  
اليه عني بابك والى جنات يتوجه اليه وانت  
حق الموجود من الذي يعطيني وانت صاحب الجود  
من الذي اساله وانت رب المعود رب حقيق  
على ان لا يشتكى الا اليك رب حق على لازم  
لي ان لا اتوكل الا اليك يا من عليه يتوكل المتوكلون  
يا من اليه يلج الخائفون يا من بكرمه وجميل  
عوائده يتعلق الراجعون يا من سلطانه فهم  
وعظيمة استغيث المصطرون الغياث الغياث  
الغياث اغني يا من توسع عطاءه وجميل فضله

ونعمائه يديسطة الايادي ويسئلك السائلون يارب  
فاجعل ممن توكل عليك وامن خوفا اذا وصلت  
اليك ولا تجيب رجائي اذا جرت بين يديك يا  
قريب يا مجيب يا سميع يا قريب اللهم انا ضالون  
واهدنا وانا ضعفاء فقوتنا وانا فقراء فاغننا  
وانا مذنبون فاغفر لنا يا نور يا هادي يا غني  
يا غفور يا رحيم اللهم يروح من عندك ابدنا  
ومن علمك المكتوب علمتنا وعلي دين دينك الذي  
رضيت ثبتنا وجعلنا من سبقت لهم منك الحسن  
اللهم انا نسئلك في الدنيا طاعتك وفي الآخرة جنتك  
وزويتك والسلامة من عقوبتك اللهم احننا  
في الدنيا مومنين طاعينين وتوفنا مسلمين  
تائبين واجعلنا ممن ياخذ الكتب باليمين واجعلنا  
يوم الفرع الاكبر امنين وثبت اقدامنا على الصراط

٢٤  
الاستقيم واوصلنا برحمتك وكرمك الى جنات النعيم  
ونجنا بحلمك وعفوك من العذاب الاليم يا نور يا  
رحيم يا كريم اللهم اصبحنا لاملك نفعا ولا ضرا  
فقراء ولا شيئا لنا ضعفاء لا قوة لنا واصبح الخير  
كله بيدك وامر كل شي راجع اليك اللهم وفقنا  
لما به امرتنا واعنا على ما كلفتنا لما امرتنا واعنا  
من كل شي بفضلك ورحمتك واجبرنا ما كان  
بكرمك وعنايتك وايدنا بالوجه اليك بجولك  
وقوتك يا مالك يا قديم يا سميع يا بصير اللهم ما  
قصر عنه رايانا ولم تبلغه مسالتنا من خير و  
عدته او حين انت معطي احدنا من عبادك فاننا  
ترغب اليك فيه ونسلك اياه برحمتك يا ارحم  
الراحمين اللهم اني اشكو اليك ضعف قوتي  
وقلت حيلتي وهو اني على الناس انت رب المستضعفين

وانت ربي الى من تكلمت الي بعبد، يجهلني  
ان لا عدد الا هو وملكته امري ان لم يكن  
بك غضب على فلا ابالي ولكن عافيتك اوسع  
لي اعوذ بنور وجهك الذي اشرقت له الظلمات  
وصالح عليه امر الدنيا والاخرة من ان ينزل بي  
غضبك ويحل علي سخطك لك العتي حتى ترضي  
لا حول ولا قوة الا بك يا رب اني اشكو اليك  
تكون احوالي وتوفت سوالي يا من تعلقت  
بكرمك وجميل عوائده اما لي يا من لا يخفي  
عليك خفي حالي تعلم عاقبة امري يا رب ان  
ناصيتي بيدك وامور كلها ترجع اليك واحق  
لا يخفي عليك واخزاني وهو مي معلومة لديك  
وعظم الكسابي واوصابي شاني وتكدر علي  
صفو شرابي واجتمعت علي هو مي وناخر عني

تجيب مطوبي وتنجيزا اعتابي يا من اليه مرجعي و  
ما بي يا من يعلم هوا جس سري وعلانيتي وخطابي  
ويعلم ما عنده الي وحقيقة ما بي الهى قد عجزت  
قدرتي وقلت حيلة وضعفت قوتي وساءت  
حالي وبعدت امنيتي وعظمت حيرت و تساعدت  
زفوتي وقصم مكنون سري اسيل دمعى وانت  
ملجائي ووسيلتي واليك الرفع ثي وخرني وشكيتي  
وارجوك لدفع ملامتي يا من يعلم سري وعلانيتي  
الهى يا بك مفتوح للسائلين فضلك مبذو <sup>ثلاث</sup> والسائلين  
واليك منتهى الشكوي غائب الوسائل الهى ارحم  
دمعى السائل وحسمى النائل وحالى المائل وسادى  
المائل يا من اليه ترفع الشكوي يا عالم السر والنجوى  
يا من يسمع ويرى وهو بالمشظر الاعلى يا رب الارض  
والسمااء يا من له الاسماء الحسنة يا صاحب الدوام

الابواب وتعذر عليه سلوك طريق الصواب اذ  
الهو والغم والاكئاب وانقض عمره ولم يفتح  
له الى فسح تلك الخطرات ومناهل الصعود راحاً  
يا به تصرمت ايامه والنفس رائحة في ميدان  
العقلة ورب الاكتساب وانت المرحوا لكشف هذه  
المصائب يا من اذا دعى اجاب يا عظيم الجباب  
يا رب الارباب رب لا تحجب عوتي ولا ترد مسألتى  
ولا تدعني مجرماً ولا تتكلمني الى حولي وقوتي وارحم  
عجزتي وفاقني فقد ضاقت صدري وتات فكري  
وتحيرت في امري وانت العالم سري وجهري  
المالك لنفسي وضري القادر على تفرغ كرتي  
وتيسر عسيرك رب ارحم من عظم مرضه وعز شفاؤه  
وكثر داءه وقل دواءه وضعفت جيلته وقوي  
بلاءه وانت ملاه ورجاهه وغوثه وشفاؤه يا من  
عمر العباد فضله وعطاءه ووسع البرية جوده

ونعمائه وهما انا عبدك محتاج الى ما عندك  
 ففي انتظار جودك ورفدك منذ نب اسالك منك  
 الغفران خائف اطلب منك الصغ والامان عاص  
 فعسى توبته تجلو انوارها ظلمات الدساءت و  
 العصيان سايل باسط يد الفاقة الكلية اسالك  
 منك الجواد والاحسان الكلية مسجون مقيد فعسى  
 ان يفك قيد ويطلق من سجن مجابه الى فسح حضرات  
 الشهود والعيان جائع عار فعسى ان يطعم من  
 ثمرات التقريب ويكسي من حلال الايمان ظمان  
 ظمان اي ظمان يباح في احشائه لهب النيران  
 فعسى ان يبرد عنه لهب نيران الكرب وسقي من شراب  
 الحب ويكرع من كاسات القرب ويذهب عنه  
 البؤس والالام والاحزان وينعم من بعدك يؤسر  
 والمله وحرزته وليشفى من مرضه وسقمه حتى ما كان

ناء عزيز مصاب قد يعد من الأهل والأقربان  
فغسى ان يزول عنه هذا التعب والثقي ويقود له  
القرب واللقاء وينزل له السلع والبقاء يلوح له  
الاثل والبان ويتاله للطف ويحل عليه الرحمة  
والرضوان يا عظيم يا منان يا رحيم يا رحمن  
يا صاحب الجود والامتنان والرحمة والغفران  
يا رب يا رب يا رب يا رب ارحم من طاقت عليه  
الأكوان ولم يونسه الثقلان وقد اصبح مؤلماً  
حيراناً وأصحى غريباً ولو كان في الأهل والأوطان  
مرحجاً لا ياذيه مكان قلق ولا ينهيه عن شبيه  
تغير الأزمان ومستوحش إلا يانس قلبه  
باسن ولا جان هل في الوجود رب سواك فيدع  
ام في المملكة اله غيرك فيرجي ام هل كبر  
غيرك فيطلب منه العطاء ام هل حاكم غيرك

٤٤  
فيرفع اليه الشكوى امهل من يحال العبد الفقير عليه  
امهل من يبسط الاكف وترفع الحاجات اليه فليس  
الا كرمك وجودك يا من لا يلجأ منه الا اليه يا من  
يجير ولا يجار عليه ولا يعرف غيرك ههنا كير فيرجي  
ام يواد غيرك فيسال منه العطايا يا رب قد جفاني  
القريب ومثلمني الطيب وسمت بي العدو والرقيب  
واشدد بي القريب والحبيب والنقيب والروف  
المجيب وانت الودود رب الى من اشكى وانت العالم  
القادر ام بمن استغفر وانت ولي الناصر ام الى  
من التجي وانت الكريم الساتر ام من الذي يحجب كبري  
وانت المقلوب جابر من الذي يغفر عظيم ذنبي  
وانت الرحيم الغافر يا عالما في السرائر يا من هو  
المطلع على مكنون الضمائر يا من هو فوق عبادة قاهر  
يا من هو الاول والاخر يا رب كلشيء اغفر لي كلشيء

قدرتك على حتى لا تسألني عن شيء يا من بيدك ملكوت  
كل شيء يا من بيدك ضرة شيء ولا ينفعه شيء ولا يغلبه <sup>شيء</sup>  
ولا يعزب ويعيب شيء ولا يورده شيء ولا <sup>شيء</sup>  
وعن شيء ولا يشهد شيء ولا يعجزه شيء يا من هو اجد  
بناصيته كل شيء وبيدك مقاليد كل شيء اصراف عنى كل <sup>شيء</sup>  
وبارك لي في كل شيء يا من هو قبل كل شيء وبعده كل شيء  
واول كل شيء واخر كل شيء وظاهر كل شيء وباطن كل شيء  
ومحصى كل شيء ومبدء كل شيء يا من قبل كل شيء وبعده كل شيء  
ومحي كل شيء ومميت كل شيء وخالق كل شيء ورازق كل شيء  
ومحيط كل شيء ونصير كل شيء وشاهد على كل شيء وورقيب  
على كل شيء وقائم على كل شيء ومهيم على كل شيء ووارث  
على كل شيء يا من بيدك ملكوت كل شيء اغفر لي كل شيء  
حتى لا يسألني عن شيء انك انت السميع العليم اللهم انك  
امن منك شيء وكل شيء خائف منك قيامتك منك كل شيء

وخوف كل شيء منك اغفر لي كل شيء حتى لا تسألني عن  
 شيء يا من بيده ملكوت كل شيء وهو على كل شيء قدير  
 اللهم يا رجاء المؤمنين لا تجيب رجائي يا غياث  
 المستغيثين يا غياث اغثني يا غوث المؤمنين  
 اعني يا جيب التائبين تب علي بحق جاه محمد صلى الله  
 عليه وسلم سيد المرسلين والمصطفى الامين ان الله  
 وملائكته يصلون على النبي يا ايها الذين امنوا صلوا  
 عليه وسلموا تسليما اللهم صل على محمد وعلى آل محمد و  
 بارك وسلم بعد ذلك معلوم لك سبحان ربك رب  
 العزم عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب  
 العالمين اختم لنا بخير وصلى الله تعالى على خير خلقه  
 محمد وآله اجمعين اللهم من الذي دعاك فلم تجبه  
 ومن الذي استجارك فلم تجره ومن الذي استغاث<sup>ث</sup>  
 بك فلم تغثه واغوثاه واغوثاه اغثني

يا غياث المستغثين اغثني يا الله العلمين اغثني  
 يا خير الناصرين اغثني يا حبيب التائبين اغثني  
 يا سائر المعيوبين اغثني يا ناظر المضطربين اغثني  
 انكرين اغثني يا معطي السائلين اغثني يا شفيع المذنبين  
 اغثني يا حاتم يا ممان اغثني يا ديان يا سبحان يا شانه  
 يا برهان اغثني وصلى الله تعالى على خير خلقه محمد وآله  
 ايضا من منشأه رضي الله تعالى عنه من اراد الاستغا  
 وعة والاتقاء من الاغنياء والامراء والتوجه الى  
 حضرت الله تعالى العلي اجل وعلى ورفع درجة الدنيا  
 والعقبه والرغبة اليها وبروق الباطن عنهما والحفظ  
 عن النفس الامارة وكيدها ومن العين الرحيم ووسو  
 وحضر القلب ودفعت الغفلة فليقل يا احد واربعين  
 هذه الاسماء العظام بشرط ان يصل الى اولها واخرها على  
 البرية وخلاصة النبوة رجاء وانقا من الحضرة الاول  
 ان يعمل اسماء الحج ويحجب ما سال منه سوالا يرد محرو

من بعد جهنمه وعظمته اسماء عليكم فالمدعو ان  
الدرجة والاشارة التصرفات لانها كسهم الذي  
يرعى الى الهدف ولا يدري اي سهم يصل وهذه الاشياء  
مختصر موجز وخاصيتها وتأثيرها وتكبيرها وعجائبها  
وغرائبها واسرارها كثيرة بالعدد الكبير والصغير

والحمد لله رب العالمين بسم الله الرحمن الرحيم

يا حي انت الذي ميت الاجاء لاموت بعدك يا منعم  
انت الذي تعجز الخلائق من شكر نعمته يا غفار انت

الذي يغفر الذنوب عباده بخضله يا مالك انت الذي

توقى الملك من تشاء بلطفه يا قادر انت الذي

اذا اراد شيا ان يقول له كن فيكون موجود لسرعته

يا قاهر انت الذي تقضي ما شئت وتبقى ما شئت

بمشيئته يا حافظ انت الذي تحفظ لمن اردت

من اذنه ولبينه برحمته يا قدوس انت الذي

تقدست الملكة المقربون والانباء والمرسلون  
بقدرسه يا وكيل انت الذي ترفع الامور التوكاين  
عليك بقدرته وقوته يا مومن انت الذي تعطى  
الايمان والامان للمؤمنين بكرمه ومنه يا حكيم  
انت الذي تحيى تحيات العقلاء والحكماء من حكمتك  
يا خالق انت الذي تخلق اصناف الخلائق بقدرته  
يا كريم انت الذي تكرم الانسان على سائر الحيوان  
بعنائه يا وهاب انت الذي يهب لمن يشاء اناثا  
ويهب لمن يشاء الذكور بعزته يا مالك الملك انت  
الذي ليميز ملكه ولا يزال عنهم وعلو يا غني  
انت الذي توتي الملك من تشاء من عباده ولم  
ترفع عنهم الاحتياج بحكمتك يا احد انت الذي  
تثبت ضمائر عباده على وحدانيته يا رؤف انت  
الذي لا ترد المحتاجين والمسكين فخر ومدن من بابه

يَا شَيْدَ أَنْتَ الَّذِي تَرْزُقُ أَهْلَ مَعْرِفَةِ قَرْبِهِ وَوَصْلِهِ  
 يَا قَدِيمَ أَنْتَ الَّذِي لَمْ تَبْلُغْ أَوْهَامَ إِلَى أَوَّلِهِ وَآخِرِهِ  
 يَا هَادِيَ أَنْتَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى مَعْرِفَتِهِ مَنْ يَشَاءُ  
 مِنْ عِبَادِهِ يَا رَحِيمَ أَنْتَ الَّذِي لَا يَرْجُمُ أَحَدٌ عَلَى  
 وِلْدَانِكَ كَمَا رَحِمْتَ عَلَى خَلْقِهِ يَا غَفُورًا أَنْتَ الَّذِي  
 تَطَهَّرَ الْحَسَنَاتُ وَتَسْتُرُ السَّيِّئَاتُ وَتَعْفُو عَنْهَا بِرَافِقَةٍ  
 يَا كَبِيرًا أَنْتَ الَّذِي تَعَالَى وَتَكْبُرُ بِعَظَمَتِهِ وَجَلَالِهِ  
 يَا أَعْلَى أَنْتَ الَّذِي أَعْلَى شَانِهِ وَأَعْظَمُ سُلْطَانِهِ  
 وَبِرْهَانِهِ يَا مَصُورًا أَنْتَ الَّذِي تَصُورُ بِكَ الْأَصْنَعَةَ  
 وَبِلَاغَتِهِ يَا جَلِيلًا أَنْتَ الَّذِي لَا يَزَالُ مُلْكُهُ  
 وَبِقَاءِهِ يَا عَلِيمًا أَنْتَ الَّذِي يَرْزُقُ الْعَالَمَ مَنْ يَشَاءُ  
 بِكَرَمِهِ يَا قَرِيبًا أَنْتَ الَّذِي أَقْرَبُ مِنْ كُلِّ قَرِيبٍ  
 يَعْلَمُهُ وَقَدْرَتُهُ يَا وَاحِدًا أَنْتَ الَّذِي غَدَبَتْ  
 مِنَ الشُّرْكِ وَانْكَرُوا أَحْدَانِيهِ بَعْدَ لَهْ يَا عَظِيمًا أَنْتَ

الذي خطرة الموحدين بكنه عظمته يا ولي انت  
الذي برزق لوليه مقام الولاية بين عباده بمشيته  
يا نور انت الذي تنور اهل السموت بنوره يا عزيز  
انت الذي تذل الكافرين بعدله وتغر المؤمنين  
بفضله يا منان انت الذي لا ترد احد من البرايا  
من منه واجابته يا حلم انت الذي يغفر من  
العباد ذنوبها بحلمه يا شكور انت الذي تكثر  
النعمة على عباده لمن يشاء من عباده بجوده يا تواب  
انت الذي تقبل التوبة من عباده ويعفو عن سيئاته  
برحمته يا حق انت الذي ثبت الحق ويطل الباطل  
بين الخلائق بحقه يا معيد انت الذي تحشر الخلق  
يوم الحشر للعدل والفضل بقضائه يا سبحان  
انت الذي طاهر و بري عما يقول النفس من جهالته  
اللهم اني اسئلك لغزة هذه الاسماء وعظمتها و  
شرفها وكمالها وجلالها وسلطانها وبرهانها

و ذکره و انبیا و بحق استراریه حروفها و تعداد و کبیره و صغیره و در جابتها  
 و در عجزها و ثوابها و نواصبا و ما شیره و تفسیره و بحق معانی طایره و باطنها و  
 رسومیها و کسور و سطوح و لوحها و اطهار و خدایها و قدامها و بطنه تمام اسمها  
 ان تصلی علی محمد و علی آل محمد ان ترزقنا و نیاتنا و یقینا و اتقا و اخلاصا کمالا  
 نوثوقا و اشتیاقا غالبا و ارزقنا ما رزقت بلیح اولیاک و اصفیایک و  
 اعطان من شر الشیطان و النفس الامارة و من شر جمیع العقوبات الدنیویة  
 و من شر جمیع العقوبات العقبیة بفضک یا کریم یا کریمین یا ارحم  
 الراحمین و صلی اللہ تعالی علی خیر خلقه محمد و آلہ اجمعین و سلم علیکم کثیرا کثیرا برحمات یا ارحم  
 الراحمین و این وصل جنل و یک اسم که از آن حضرت قدس سره مذکور منقول است  
 بخواند بسم اللہ الرحمن الرحیم اللهم انی اسألك بحق ہدیہ الاسماء الحسنیہ کلها و  
 و ما و علیہا و بحق حکمتک و قدرتک و حرمتہ القدسیہ من روضہ حضرتک و بحق  
 العقولات الطاہرات و النفوس الزاکیات و العرش المجید و الکرسی الحمد و  
 الافلاک الدارات و الکواکب النیرات و الموالید الطاہرات و بحق حبیب

مژگین و بینک منظر الوهتیک منظر ربوبتیک مثال حضرتک مثال قدرتک  
 روح القدس معطی احمیات والفضلہ بایزک کثر العالم مفیض سواطین القدس  
 صاحب النظر والتعالی سروسش نور اسالک ان تجعلنی بحمد النوارک  
 و منظر اسرارک و من المشتاقین الیک و کلینی و تقریبی لیک و تصرف  
 عینی آفاک النفس والبدن و تقصیر عن احوادث و الفتن و تجعل لی من  
 کل هم فرجاً و من کل ضیق محرراً و یصیرنی علی جمیع اعدائی من الجن والانس  
 و نظرائهم و الاشرار و مبارککم و ایا ما تقدسهم و ایا ما الی ابدال البرین  
 و دبر الدارین و صلی اللہ تعالی علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین فصل سیوم  
 در بیان نماز ظفر و اذکار و اوعیه آن ای در ویش چون از برای هر  
 نمازی بر خیزنی باید که بحضور و خشوع دل در مقام و آدائی نماز باشی و هر  
 وضوئی که کنی مساوی را در کار واری و ریش را نیز اکثر اوقات نشانه  
 بکنی و در وقت نشانه کردن سوره الم نشرح را بر زبان رانی و در وقت  
 نماز نیت تحته وضو بکزاری و بخوانی در رکعت اول بعد از فاتحه قل یا ایها

انکشاف و در دویم بعد از فاتحه سوره اخلاص پس از آن بگذاری چهار  
 رکعت سنت ظهر و بخوانی چهار قل را به ترتیب سوره در هر رکعت بعد از فرض  
 وقتی را در مسجد جماعه بگذاری و اگر مسجد نیایی جماعه را ترک کنی و چون از نماز  
 فارغ شوی این کلمات را تجوید الفاظ و ملاحظه معانی بحضور دل متصل بر زبان  
 رانی که قال رضی اللہ تعالیٰ عنہ فی اللفظ العمل بغير مواعظ القلوب لیس  
 بعمل یعنی عملی که بی موافقت دل بود ویرانزد حق غرور جل قدری نیست و شاعر  
 فائده نهد اللهم انت السلام و منک السلام و الیک یعود السلام حیثاً  
 زینا بالسلام و اودخلنا و ارا السلام تبارکت و تعالیت یا ذوالجلال و الاکرام و نیز  
 بگوئی لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی الیوم  
 ابد و باجلال و الاکرام بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر هو الاول و الآخر و  
 الظاهر و الباطن و هو کل شیء عظیم کلمه شیء و هو السميع العليم و بعد از نماز  
 فرضیه این کلمات را بر زبان رانده باشی بعد بر خیز و دو رکعت سنت  
 بگذاری بعد از آن سوره فاتحه و آیه الکرسی و آیه شهادت و آیه قل اللهم

مالک الملک تا بغیر حساب در خود ساری وسیع و سکره و المد ابر و کبار لا  
اگر الا الله و حده لا شریک له له الملک وله احمدی و میت و هو کبیر شیخ محمدی لا  
میوت ابدا و نخلد و الا کرام نجوانی سبحان الله و احمد مد و حجه سبحان العلی العظیم  
و حجه بزربان بسیار رانی بعده دو رکعت صلوة افخضر اکبدراری در هر رکعت  
بعده فاتحه از سوره الم ترکیف تا آخر قرآن یک یک سوره بترتیب قراة نماز  
و بر روی بعد فاتحه سوره اخلاص نجوانی و صد کره در و بر آن محبوب علیه  
افضل الصلوة و کل التیمات فرست و نیز نجا و نه کره کبوی یا معنی یا لطیف  
یا بدیع السموات و الارض یا ذا الجلال و الاکرام لا اله الا انت بر حمتک استغثت  
و من عندک استجیر یا غیاث المستغین و سوره نوح و سوره دعان و سوره عم  
نجوانی اگر توانی مسبحات عشر در خود ساری و سبحان الله من نذیب بالبحر  
و یاتی بالظلم کبوی و همچنین بعد نماز که مسبحات عشر نجوانی نام نماز کدشت را  
و وقتی را نیز بزربان رانی چون از خواندن مسبحات عشر و ادعیه آن در ذکر نماز  
فخر قسطر یافته فارغ شوی تا نماز عصر تلاوة قرآن یا بذر که یا براقبه انی وقت را مغمور و اگر

فصل چهارم در بیان نماز و اذکار و ادعیه آن ای در پیش در جمیع  
 نمازها فایده باینست که ادائیگی هر نماز از تو در اول وقت شود تا از فضیلت اول وقت  
 محروم نگردی و استعدادهای هر نماز قبل از وقت نمائی و بعد از تجدید وضو نماز تحمیه  
 وضو چهار رکعت سنت عصر را بگذار می و تا ممکن بود در گذاردن سنت تکمیل و  
 تکمیل کنی و چون فرض وقتی را در مسجد بجا بماند که در ادعیه و اذکار که در  
 ذکر نماز تطییر یافته تمامه در خود سازد و بعد از ورود مسجعات عشر کلمه لا اله الا الله  
 محمد الرسول الله بعد که در فصل ادعیه صحیح نوشته شده بخوانی و سه بار بگوید  
 بار کلمه لا اله الا الله و بر هر عدد هزارم کلمه محمد الرسول الله را متصل کنی و سه بار بگوید  
 بار الله اکبر یعنی هزار یکبار بگوید و هر حرف ندا یا الله یا الله بگوئی و صد کراهت درود  
 بر آن محبوب صلی الله تعالی علیه و علی آله و اصحابه و سلم که هزار ساله قادر است  
 بخوانی اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و بارک و سلم و اگر  
 توفیق یابی و طیفه نماز ظهر را نیز در خود سازنی و هزار کراهت یا صد نود و کلمه استغفار را  
 بر زبان رانی و پنجاه و سه کراهت استغفار بر زبان رانی یا حفظ با مقیت

یا معنی یا بدیع السموات والارض یا ذوالجلال والاکرام لا اله الا انت برکت  
استغثت ومن عندک استجیر یا غیاث المستغیثین اغثنی بخوانی سوره عم  
وسوره رحمن وسوره واقعه یکبار و روز خود سازی و صد کراه سحان المد و حمد  
بر زبان رانی و حمز ابو درود بخوانی اللهم انت ربی لا اله الا انت ربی  
علیک توکلت و انت رب العرش العظیم یا منشاء المد کان و ما لم یشاء کم  
لا حول و لا قوه الا باللہ العلی العظیم و اعلم ان المد علی کل شیء قدیر و ان المد  
قد احاط بكل شیء علماً و احصی کل شیء عدواً اللهم انی اعوذ بک من شر نفسی و من  
شر کل دابة انت آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم و باید که حمز مذکور را  
در صبح و مسا و زود خود سازی و اگر سبعت عشر فوت شود بروایتی بجا

او قراة حمز مذکور نیز آمده است آنرا بخوانی و باید که تا غروب آفتاب بسما  
یا المد یا رحمن یا رحیم حضور دل متصور معانی متحول باشی فصل پنجم در بیان نماز  
مغرب و ادعیه آن چون آفتاب غروب شود بگوید اللهم بک آمین و بک یحیی و  
بک تموت و الیک المصیر رضیت یا در باباً و بالاسلام ویناً و محمد نبیاً صل علی

علیه وآله واصحابه وسلم و چون با یکدیگر مغرب بشنود بگوید اللهم هذا اقبال  
 للیک و ادبار نهارک و اصوات دعاک حضور صلواتک اغفر لی  
 و باید که بعد از آنکه فرض وقتی را در مسجد جماعه گذارده باشی و بعد از خواندن  
 اغفر لی و باید که بعد از آنکه دعاء اللهم انت السلام و منک الی اخره را پس بخواند  
 آیه الکرسی و در رکعت سنت مغرب بلافاصله از فرض بگذارد بعد از آنکه نماز او آیین  
 که ذکر آن بجائی خود تسطیر خواهد یافت بگذارد و بعد از آن صدکه بگوید سلام  
 یا مؤمن یا همیم یا بیع السموات و الارض یا ذا الجلال و الاکرام لا انت برحمتک  
 استغثت من عذابک استجیر یا غیاث المستغیثین اعثنی و سورة واقعه و سور فتح  
 و سورة ملک و در خود سازی و آغشای انبوت در حجه را بطوائف یاد کرد که امر بر آیه  
 معمور دارد فصل ششم در بیان نماز عشا و ادعیه آن و ذکر در خواب رفتن  
 و طیفه آن چون خواهد که بگذارد نماز عشا را در مسجد رود و وضو تجدید کرده در  
 مسجد رفته و در رکعت نیت تحیه مسی بگذارد و بعد از چهار رکعت سنت عشا  
 متصل آن فرض وقتی را بگذارد و بخواند ادعیه که ما بین فرض و سنت رابطه که در

فصل نماز ظهر سطر یافته بعد در رکعت دوم نیت قه نفس یک بار و این را  
صلوة الحاجات نیز می نامند بخواند در رکعت بعد از فاتحه آیه الکرسی سه بار  
و در رکعت ثانی سورة اخلاص سه کرة و موعودین یکبار همین ترتیب در رکعت  
باقی را نیز گذارد و همعا کرة یا و تائب مکرر کند و یکبار سورة ملک و سورة القيمة  
و سورة و هر بخواند سه کرة بگوید یا باری یا خا<sup>ن</sup> یا منان یا علم یا بدیع  
السماوة و الارض یا ذا الجلال و الاکرام لا اله الا انت برحمتک استغث و  
من عذابک استجیر یا عیاش المستغیثین اغثنی و اگر اعما و برقیام شب بود و ترا  
برای نماز آخر شب نگاه دارد و الا گذارد و بعد از گذارون سخن فصول تلفت  
نشود یا بور و نسان یا بتغل یا طن مشغول بود بعد از نماز تر هر کرة و یا صد  
نوبت کلمه تحمید بر زبان راند و چون خواهد که بر بستر خواب رود سورة یس  
بخواند و هزار و یکبار کلمه لا اله الا الله بر زبان راند و کرة هزارم محمد الرسول الله <sup>صلی الله علیه و آله</sup>  
لا اله الا الله متصل کند و هزار و یکبار این درود بر آن رسول علیه افضل الصلوة و  
اکل الثیبات فرستد اللهم صل علی محمد معادن الجود و الکریم و علی آل محمد و بارک

پس از آن حسین خود را مشغول ذکر باس نفاس بر دوش سنون کند  
یا ذکر امد القیوم بلا خطه معانی هر اسم نماید یا در بیان نماز می شن  
غیر موقت و این باب بهت فصل ترتیب یافته <sup>شش</sup> در بیان نماز اشراق  
و وظیفه آن بحسب اختلاف روایات اکثر نماز اشراق ده رکعت و افضل او  
چهار رکعت ثابت شده است چون آفتاب قدر یک نیزه یا دو نیزه بر آید اول  
دو رکعت از سه اخلاص و حضور دل بگذاری نیت شکر کند یعنی شکر نعمت  
حق سبحانه و تعالی که در آن شب روزی بوی رسیده در رکعت اول بعد  
فاتحه آیه الکرسی تا خالدون و در رکعت دومی بعد از فاتحه آمن الرسول تا آخر  
سوره قرآن بخواند بعد فرستد درود بر آن محبوب صلی الله علیه و علی آله و  
اصحابه و سلم و این دعا را بخواند اللهم انی اصبحت لاستطیع و دعا ما اکره  
والله اعلم نفع ما ارجو اصبحت مرتباً بعملی و اصبح الامر بید غیرک فلا فقیر افقر منی  
اللهم لا تشمت بی عدوی و لا تشتر بی صدیقی و لا تجعل مصیبتی فی دینی و دینای  
والانی الآخرة و لا تجعل اکثر همی و لا مبلغ علمی و لا تسلط علی من لا یرحمی فی الدنیا

واللاخرة اللهم اني اعوذ بك من الذنوب التي تزيد بها النعم ومن الذنوب التي  
 توجب بها النعم وبعده ووركت استعاذه كدار ونيت استعاذه از شر ان  
 ثب وغضب ان روز بخواند ورر كوت اول بعد فاتحه سورة فلق وورر كوت دوم  
 سورة الناس بعد فراغ نماز وورر ان سه وورر صلص الله عليه وعلى آله واصحابه  
 وسلم بخواندين و عارا اللهم اني اعوذ بك باسمك الاعظم وكلما تك التامة  
 من شرا التامة والهامة واعوذ باسمك الاعظم وكلما تك التامة من شر الشيطان  
 الرجيم اللهم اني اسالك باسمك الاعظم وكلما تك التامة من خير ما تحطي وضر ما تسال  
 ومن خير ما تبدي ومن خير ما تخفي اللهم اني اعوذ بك باسمك الاعظم وكلما تك التامة  
 من شر ما تجزي به النهار وما يجزي به الليل ان ربي الله الذي لا اله الا هو عليه توكلت  
 وهو رب العرش العظيم وشبها كاهه كويدي من ما يجزي به الليل وما يجزي به النهار الهى  
 انك سلطت علينا عدوا بصير اجيوبنا يرانا هو وقبليه فرحيت لا اشرهم اللهم فائسه  
 من رحمتك وقوله منا كما قرطه فرعونك والعد نبيا وعينه كما اوجدت بينه وبين  
 جنك انك على كل شئ قدير وبالاجابة حبير ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

و در رکعت نماز استخاره بگذار و به نیت طلب خیر در جمیع احوال و اقوال و افعال خود  
 در رکعت اول بعد فاتحه قل یا یا الکا فون و در دوم بعد فاتحه سوره الفلاص  
 و بعد فراخ از نماز در و در آن محبوب صلی اللہ تعالیٰ علیہ و علیٰ آله و اصحابہ وسلم  
 این دعا بخواند بسم اللہ الرحمن الرحیم اللهم انی استجرك بعلمک و استقدرک  
 بقدرک و اسالک من فضلك العظیم فانک تقدر و لا اقدر و تعلم و لا  
 اعلم فانک علام الغیوب اللهم انی لا املك لنفسی ضرّاً و لا نفعاً و لا موتاً و  
 حیوةً و لا شورا و لا استطیع ان اتخذ الا ما اعطیتهنی و لا ان اتقی الا ما  
 رقیته فی اللہ فوفقی لما تحب و ترضی من القول و العمل فی العاقبة اللهم خیر لی  
 و احقر لی و لا تکلنی الی اختیاری اللهم اجعل خیرات فی کل قول و عمل اریده  
 فی هذه الیوم و اللیلة اللهم انکنت تعلم ان هذه الحرام نام حاجت بر زبان راند  
 خیر لی فی دینی و دنیا می و معاشی و عاقبتی و عاجلتی بقدره لی و سره لی  
 ثم بارک لی فیہ و انکنت تعلم ان هذا الامر نام حاجت بگوید شر لی فی دینی  
 و دنیا می و معاشی و عاقبتی امری فاحقره عنی و احقر فی عه و قدره لی الامر

أَيُّهَا كَانَ الْكَلْبُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا وَإِنِّي عَائِدَةٌ بِحَمْدِ اللَّهِ لَمْ أَكُنْتُ تَعْلَمُ أَنَّ تَعْلِي  
 وَقَوْلِي وَعَلِيٌّ رَضِيَ رَجَبِي مَعَ الْخَلْقِ فِي هَذِهِ الْيَوْمِ خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَمَعَانِي  
 وَمَعَادِي وَعَاقِبَةُ أَمْرِي فَاصْرَفْ عَنِّي وَأَصْرِفْ عَنِّي وَأَقْدِرْ لِي الْآخِرَ حَيْثُ كُنْتُ  
 نَحْمُ أَرْضِي بِهِ وَدُورِ كُوتِ نَارِ اسْتِجَابَ كَبْدَارِ وَجْهَتِكَ لَكُنْتُ حَفِصًا مَحَبَّتِ الْهَي  
 وَرَكْعَتِ أَوَّلِ سُورَةِ وَقْتِهِ وَدُورِ كُوتِ دَوْمِ لَعْدِ فَاتِحَةِ سَجِّ اسْمِ وَبِرَوَاتِهِ دُورِ كُوتِ  
 أَوَّلِ لَعْدِ فَاتِحَةِ سُورَةِ قَدْرٍ وَدُرَانِي سُورَةِ الْكُوفَةِ لَعْدِ فَرَاغِ نَمَازٍ وَدُورِ بَرَّانِ مَحُوبِ  
 عَلَيْهِ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَاللَّيْلِ تَمِيَّاتِ إِنْ نَجَوْنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْ حُبَّكَ أَحَبَّ الْأَشْيَاءِ إِلَيَّ  
 وَحُبِّيكَ أَحْوَفَ الْأَشْيَاءِ عِنْدِي اللَّهُمَّ أَوْاقِرْتِ عِيُونَ أَهْلِ الدُّنْيَا بِدُنْيَايَ هَمِّ  
 فَأَقْرِ عَيْنِي بِكَ وَبِعِبَادَتِكَ وَأَقْطَعْ عَنِّي لَذَائِدَ دُنْيَايَ بِكَ وَالتَّشَوُّقَ إِلَى تَهْلُكِ  
 وَاجْعَلْ طَاعَتَكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ نَبِيَّ اللَّهُمَّ ارزُقْنِي حُبَّكَ وَحُبَّ مَنْ أَحَبَّكَ وَحُبَّ مَنْ  
 يَحُبُّكَ وَحُبَّ عَمَلٍ يَقْرُبُنِي إِلَى حُبِّكَ يَا نَسِيْبِي وَأَهْلِي مِنَ الْمَاءِ الْبَارِ وَاللُّوْطِ الْبَارِ  
 وَاسْقِنِي بِكَاسِ مُحَمَّدٍ شَرِيبَةً لَّا طَمَؤُةَ لَعْدِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَدُورِ كُوتِ شُكْرِ  
 النَّهَارِ كَبْدَارِ وَنَجْوَانِ دُورِ هَرَكَةِ لَعْدِ فَاتِحَةِ سُورَةِ اخْلَاصِ سَبْحِ كَرَةِ لَعْدِ فَرَاغِ نَمَازٍ وَدُورِ

الْآنَ هُوَ

پران سرور صلی اللہ تعالیٰ علیہ وعلیٰ آلہ واصحابہ وسلم تکراریند عا بنحو ذیل احمد  
لقد علی حسن صباح و احمد لند علی حسن المبت و احمد لند علی حسن المساء  
و انید عارا و ر و خود سازد اللهم عالم الغیب والشہادۃ فاطر السموات  
والارض رب کل شیء و ملیکک اشہدان لا الہ الا انت اعوذ بک من شر  
نفسی و من شر الشیطان و شرک و از برای کفایت ہمت این دعا را  
و ر و خود سازد اشہدان لا الہ الا اللہ وحدہ لا شریک لہ و اشہد ان  
محمداً عبده و رسوله و ان حبیبی عبداللہ و رسوله و این ہفتی امتہ و کلمۃ القیامہ  
الی مریم و روح منہ و ان ابنتہ حق و النار حق اللهم اجعل خیر عمری آخرہ اللهم  
اجعل خواتیم علی رضوانک اللهم اجعل خیر ایامی یوم القاک اعنا علی ذکرک  
و شکرک و حسن عبادتک سبحان ربی العلیّ اعلیٰ الوہاب و این دعا را بر  
زبان راند اللهم تب علینا قبل الموتہ و ارحمنا عند الموتہ و لا تغننا بعد الموتہ  
اللهم یون علینا سکرۃ الموتہ و این و ر و خود سازد حسبہ اللہ لذلنیا حی  
الکافی لا ائمنین حسبہ اللہ اکلیم القوی لمن یعین علی حسبہ اللہ الکریم عند احسب



هفت کرة يا وغب بگويد بعدہ کچھ و از قرآن یا تلاوة را بقانون فمی بنویس  
 بر تریبی که حضرت پیر دستگیر رضی اللہ تعالیٰ عنہ و ارضاء مقولست بجائی خود  
 در فصل آداب قراءۃ قرآن تطبیح خواهد یافت بخواند و جہتہ اعدائی باطل کہ  
 اعدائی عدو ک الذی من جنیک و ہی النفس حرز یانی را بخواند و در عوہ  
 حرز مذکور برای دفع اعدائی ظاہر نیز ثابت شدہ است چہل و یک اسم کہ بوضع  
 حضرت غوث اعظم است و در آوازہ اسرار دعا بشیخ و خرب البحر و در خود سازد  
 و برای استقامت فکر صائب و حفظ فہم و دعا و عکاشہ مداومت نماید و نیت  
 فتح باب حرز کبیر و رو نماید و در دوران محبوب صلی اللہ تعالیٰ علیہ و علیٰ آلہ و صحبہ  
 وسلم اللہ عدد خواندہ باشد کما قال رضی اللہ تعالیٰ عنہ شعہ اذا کنت فی امر و  
 بحکمہ و اصبحت مہموما و امیت فی فرجی فصل علی المتحار من آل ہاشم کثیرہ افان  
 اللہ تعالیٰ یا تیک بالفرج خصوصاً این در و کہ از حضرت پیر دستگیر رضی اللہ تعالیٰ  
 عنہ مقولست اللهم صلی علی محمد سیدنا محمد بن النبی الامی الطاہر الزکی و علی آلہ  
 و اصحابہ وسلم صلوة تکل بہا العقد و تفک بہا الکر بصلوة لک فیہا رضاء

وحيث اذاع كس ازان اين دعاء وورد خود سازد كه بعضي ازان از ايشان خاص حضرت  
غوث الاعظم است اللهم ارض عندنا ودينك وظفنا واوليائك عن الرضخ العوام  
الطويل الثجا والمؤيد بالتحقيق الكنى بتيق الخليفة المستخرج من اظهر اصل غريق الذي اسمه  
مع اسمه مقرون وحسمه مع حسمه مدفون امير المؤمنين ابى بكر بن الصديق رضي الله تعالى عنه  
وعلى القصر الامل الكثير الاعمال الذي لا يتداخل افعاله ذلك المؤيد بالصواب اللهم فصل  
الخطاب المنصور يوم الاحزاب امير المؤمنين عمر بن الخطاب وعن سيد الايمان  
ورتل القرآن وشت الفرسان وضعضع الطغيان امير المؤمنين عثمان ابن عفان  
افضل الشهداء واكرم الكرام ذوي النورين وعن البطل المعقول روج البتول وسيف  
الهد المسلول منظر العجايب امير المؤمنين علي ابن ابى طالب رضي الله تعالى عنه وعن  
السبطين الشهيدين الحسن والحسين وعن العيين الشيرازيين حمزة والعباس وعن الانصار  
والمهاجرين والتابعين لهم باحسان الى يوم الدين رضوان الله تعالى عليهم اجمعين  
وعن ائمة المهتدين والعلماء المجتهدين وعن سراج الائمة ابى خنيفة الكوفي وعن الامام  
الشافعي وعن امام مالك ابن انس وعن الامام احمد بن حنبل وعن جميع المشايخ والاولياء

وعنه الشيخ المرشد ابي سعيد مبارك ابن علي الخروزمي ومن قطب رباني والغوث الصوري  
 وجيب الرحاني وكر المعاني شيخ السموات والارضين سيد عبدالقادر الحسيني  
 ابيلاي وعن شيخ الارباب قطب الاقطاب سيد عبدالوهاب الحسيني ابيلاي وعن  
 شيخ الاخياد والابرار شيخ محمد بن الصفي الحسيني ابيلاي وعن شيخ الفواصم والنواصم شيخ  
 ابي العباس احمد الحسيني ابيلاي وعن شيخ الودود والمودود ابي علي ان المسعود  
 الحسيني ابيلاي وعن شيخ المسلمين المرشد المئين ابي محسن علي نور الدين الحسيني ابيلاي  
 وعن شيخ النجباء ابي شاه محمد مير الحسيني ابيلاي وعن شيخ القبايل شيخ شمس الدين محمد بن  
 الحسيني ابيلاي وعن شيخ القرباء شيخ محمد بن الحسيني ابيلاي وعن شيخ نقى القبي الوفي الصالح  
 اللاح المرشد ابي الفتح عبدالقادر الثاني الحسيني ابيلاي وعن شيخ المجتهد العالم العارف المرشد  
 الارشاد وغوث الزمان شيخ حامد الحسيني ابيلاي قدس الله تعالى ارواحهم وارواح جميع  
 المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الاجيا منهم والاموات برحمتك يا ارحم الراحمين  
 اللهم صل على محمد وعلى آل محمد وبارك وسلم اللهم توجّه وجهه مشاكحنا وسادتنا بنور وجهك  
 الكريم اللهم ادمّ قرة أعينهم بحال ذاك القديم اللهم اعل درجاتهم في اعلى عليين





بر خیزد و بحضور دل وضو با مسواک کند و دل را از خیالات فارغ و اندیشه های باطله  
 خارج دارد بحیث ثابت شده است که چون آفتاب از نصف النهار زایل شود  
 در آسمانی بکشد و دعاء و نیاز طالبان سومی واجب الوجود بر او وارد میگردد  
 استجاب است بعد از تحته وضو چهار رکعت بیک سلام نیت فی الزوال و اتباع لرسول  
 المدلی الله تعالی علیه و علی آله و اصحابه و سلم تحمیه بند و بخواند بعد فاکمه در هر رکعت  
 مقدار سوره بقره از قرآن یا مقدار دو بیت آیه یا چهار صد آیه و اگر وقت مساعد  
 کند آیه الکرسی یکبار بخواند و بعد سوره اخلاص سه که بروایه آیه الکرسی یکبار  
 بخواند و بعد فراغ از نماز شازوه کرة سلام قولاً من رب الرحیم بگوید پس از آن  
 نماز ظهر صلوة مخصوصه و اذکار که در محل خود در میان فصل نماز ظهر تطییر یافته است  
 مشغول گردد و فصل چهارم در بیان اذکار و اوعیه بعد فرض نماز مغرب و ذکر نماز  
 او امین ایدر ویش وقت او امین ما بین العتَمین <sup>۱۱</sup> مرجو الاوقات علیه السلام  
 معبود و صحیح است آتوالی این وقت را بگذریم براقبه یا نماز یا تلاوة یا باوراد  
 ایجاد اری و چون از سنت راتبه نماز مغرب و اوعیه که ذکر آن در فرض نماز

مغرب گذارنده پنج تنوی شش رکعت نماز او همین بکباری و نجوانی در رکعت اول  
بعد فاتحه سوره اخلاص سه کرة و در رکعت نیت حفظ ایمان بکباری و نجوانی  
در هر رکعت بعد فاتحه سوره اخلاص هفت کرة ممنوعین یکبار بعد کلمه توحید صد بار  
بزرگان را بی در رکعت چند دیگر بکباری تا پست رکعت نماز او این تو درست کرد  
خدا جل و هفت کرة یا سلام یا مؤمن یا همین یا بدیع السموات والارض یا ذا  
الجلال والاکرام لا اله الا انت برحمتک استغثت من عذابک استجیر یا عیاش  
المستغین اغثنی و در خود کنی و سوره واقعه و فتح و ملک نیز در خود سازی  
فصل پنجم در قیام شب و نماز شب و اذکار و ادعیه السور کائنات علیه  
افضل الصلوة و اکل التیمات میفرماید دنیا ملعون و ملعون ما فیها الا ذکر الله  
پس اید رویش با پوشش ملبوس تا هر وقت از غیر او بگریزی و یادش  
او زری خصوصاً نیم شب و آخر شب بر بزمی و بگذر کنش آوری که اینوقت محمود است  
و روزهای مقصود خلق که توفیق زحق یاقتد کام جهان در دل شب یاقتد  
باید که نیم شب و سحرگاه با استغفار و دعا و ناله و آه باشی که این اثری عجیب دارد

وہاں کسی کہ اور وہی باین فاروار و چون برای نازتجی بخیزی و برضی کہ تسلیم

کرد و بدان قیام نامی مستحب است کہ نصف از شب یا ثلث از آن بہا زتجی منقول است

تا اقدای تو بایہ کریمہ و سنت سنیہ الشہور کرد و یا بہا المنزل قم اللیل الاقلیل نصف او

انقص منہ قلیلًا درست کرد و پس اولی آن بود کہ اول شب ثلث خواب کئی و نصف در

خیزی و سدس در آخر شب نجس یا نصف کہ اول نجس و ثلث برضی و سدسی

در آخر نجس یا سدسی کہ از اول نجس و سدسی از آخر و ثلث در میانہ شب برضی

نقل کہ از حضرت تہر و او علی بنیا و علیہ افضل الصلوٰۃ و اکمل التیمات گفت یا رب

انی احب ان لعبدک فای وقت اقوم فاجی الیہ یا او و لا تقم اول اللیل

و لا اخره فان من قام اخره نام اولہ و من قام اولہ قام اخره و لا کن قم

وسطہ حتی تکلوبی و اخلوبک و ارفع الی حواجک فیکون القیام بین التو من

و بعضی از مشائخ ان و سبک ان از غایت شوق و عطش او قات شب مستغرق

قیام کرد و سیدہ اندہ چنانچہ نقل است از شیخ عارف ابی محمد بن ابی الفتح الہروی

گفت کہ مدہ بیس سال خدمت شیخ حضرت محی الدین سید عبدالقادر رضی اللہ عنہ

۱

کردم در نیت بوسه عشا صبح کردی و چون حدیث وضو شدی در همان وقت تجدید  
وضو کردی و دو رکعت نماز تحیت وضو کردی و چون نماز عشا کردی در خلوة  
در آمدی و سبکس در آن خلوة در نمی آمدی و بارها خلیفه عصر برای ملاقات  
شیخ در شب آمدی بر ملاقات فادر نمی شری و شب را بر در حجره کردی و عادت  
آن محبوب حق بود در شبی اللہ تعالیٰ عنہ که اول شب نماز سبک کردی پس از آن نلث  
شب باین ده اسما مشغول شدی المحيط العالم الرب الشہید عجیب الفعال الخلاق  
بمخالف الباری المصور راوی میکوید و بایم که شیخ در هوا بلند پرواز میکند کردی  
تا آنکه غائب شدی از نظر و گاهی بیخه شرافیه بزرگ شدی چنانچه تمام حجره از او مملو  
شدی و گاهی بجایت نجف پس از آن در نماز آمدی قائم بر قدم و آن میخواهد  
تا آنکه نلث ثانی شب گذشتی و مدت در سجود شدی و روی مبارک بر زمین  
می مالیدی بعد از متوجه قبله نشسته مراقبه و مشاہدہ تا صبح صادق بودی پس  
از آن در دعاء و ابتہال و تذلل آمدی و در پوشیدگی احوال انوار از قریب  
قریب بود که بر باید اشراق انوار البصار ناظران را چون برق لامع <sup>طف</sup> خا

یکبار و این حال کسی را مسلم بود و ضرری نرساند که نفس او از شر مشاطه و دروغ  
و لذت اعیان شب اطاعت تواند کرد و الا بکلفت تکلیف انجامد و نفس را  
لذت نماید بلکه کاره شود و اینچنین عاده بقول صادق و مصدوق منع است  
صلی الله تعالی علیه و علی آله و اصحابه و سلم که لا تشاهدوا هذا الذین و ان  
میتس فیمن یشاوره فیغلبه و لا ینقص الی نفسک عبادة الله و قال صلی الله  
علیه و علی آله و اصحابه و سلم لیصل احدکم من اللیل یا تسیر فان غلبت النوم  
فلیتم و فی اجمعه اقل استجاب قیام شب از سس کمتر نباشد و از جمله اسباب  
یا ریجاده قیام شب یکی انیت نزدیک غروب شب را بجا بید و وضو استقبال  
کرده مستقبل قبله نشسته منتظر نماز باشند و با انواع اذکار خصوصاً تسبیح و  
استغفار مشغول گردد و دیگر بین العتائین راهلوه یا تلاوه یا نذکره صلوات  
کنند تا اثر آنرا که دره مخالفت با خلق و مطالعه احوال و سماع کلام ایشان  
که بر روز در باطن حادث شده باشد بر خیزد و وجه در خبر است که علیکم بالهلوه  
بین العتائین فانه غیب بللاعات النهار و تذهب آخره و نیز آنکه نور

عالمیان در جواب سوال از تفسیر تیانفی بنویسم عن الطوار المنضج فرموده  
بی الصلوة بین العتائین و دیگر بعد از نماز عشا، سخن نگوید خصوصاً از غفلت  
و کلام فضول را ترک کند تا طراوه نور که بمواصلت عتائین حاصل شده  
باشد زایل نشود و دیگر بعد از صلوة عشا، وضو تجدید کند چه در نوبت و ضورا در  
سیر قیام شب اثری تمام است و دیگر خفته معده از طعام است تا ثقل طعام و  
که دوره آن از قیام مانع نکند و دیگر وقت خواب بظهارت بودن و آب وضو  
معدومها ساختن است تا نفس را بر عتائین از خواب آسان تر بود و دیگر  
بعد از نماز چاشت قبیلو که کرون تا کلالت و سستی نفس مندرج شود بر قیام  
شب معاونت نماید و چون از خواب بر خیزد پس از آن که بوج خاطر بصورت  
فکری یا ذکر بی که بغیر حق سبحانه و تعالی تعلق دارد مصور نقش کرد و صورت  
ذکر الهی و فکر در آلائی نامتأیی او نقش دل کرد و آنچه اندرون بنده در حال  
بیداری از خواب صافی و خالی بود از جمله لغوش و بظهاره قطره اولی  
گشته پس هرگاه که بذکر حق مصور کند در قطره او برقرار ماند و در نماز تجدید

طهرتین حضور دل در آید و ممکن است که بعضی کونه نظر آن که بصیر بصیر ایشان بمطالعه جمال  
 کمال آداب اکتحال نیافته باشند تعمیر اوقات را بمحافظت آداب و طیفه عباد و  
 فساک نشمرند و ارباب منازلات و اصحاب مواصلات را بدان احتیاج بنند و  
 حال آنکه نیندازند که هر که در طلب محبت حق صادق بود علامتش آن بود که صرف اوقات  
 خود و استغراق آن در محاملات و طاعات اول بسیار ندرند و ملول نشود چه  
 محب صادق هر وقت که فرصت سعادت ملاقات و امکان دولت مناجات  
 با محبوب کلید شود بیاید و در حضرت او مجال تضرعات و تعلقات و اتساع زمین بویست  
 و خدمتش حاصل کند غایت انانی و نهایت کامرانی خود نشناسد و مایع فی الا  
 العاشقون آن ایدر و بیش نمیدانی که سرور عالمیان صلی الله تعالی علیه و  
 علی آله و اصحابه و سلم صرف اوقات بچرخ میفرمودی خصوصاً قیام شب چندان کرد  
 که بای مبارکش متورم گشته و عایشه صدیقہ رضی الله تعالی عنها پرسیدی که یا رسول  
 الله ایسند قد عرفک ما تقدم من ذنبک و ما تاخر جواب دادی که اظلم الون  
 عبد الشکور نقل است غزایه المؤمنین عایشه رضی الله تعالی عنها که چون دلخواه افاضی الله علیهم  
 قیام کند

قیام شب فرمودی باین ظلمات ناطق شری لا اله الا انت سبحانک اللهم بحک  
استغفرک لذنبی و اسألك رحمتک اللهم روئی علماً و لاترغ قلبی بعباد بدینی  
و بی من لدنک رحمة انک انت الوهاب تغل است از آن صدقیه رضی الله  
تعالی عنها که چون انشور از برای نماز شب بر خاسته بدین کلمات اقتحاج نماز کرد  
اللهم رب جبرائیل و میکائیل و اسرافیل فاطم السموات و الارض عالم الغیب و الشهاة  
انت حکم من عبادک فیما کانوا فیه یخلفون اهدنی لما اختلف فیه من الحق باذنک تبارک  
من تبارک الی صراط مستقیم تغل است از آن حضرت صلی الله تعالی علیه و علی آله و صحابه و ا  
که هر که از خواب بیدار کرد و بگوید این کلمات را بعد بگوید رب اغفر لی یا پروردگای  
که طلبد سنجات کرد و لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملك وله الحمد وهو علی کل  
شئ قذیر و سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله تغل  
است از غایت صدقیه رضی الله تعالی عنها که چون انشور عالمیان صلی الله تعالی علیه  
و علی آله و صحابه و سلم برای نماز شب بر خاسته و در مرتبه بگفت و ده کراهت استغفار  
و ده کراهت تسبیح بعد از ده کراهت تحمید و ده کراهت سبحان الله و بحمده و ده بار میخواند اللهم الی اعوذ

بک من نضیق الذیاضیق یوم القیامة ووه بار اللهم اغفر لی واهدنی وارزقنی  
وعافی لیس از آن بکبر تحرمه کفنی و عاده السور و بود صلی الله علیه و علی آله و اصحابه  
وسلم که چون برای نماز شب برخاسته دو دست را بر روی مبارک خود  
مالیدی و قرآن از خواتیم سورة آل عمران خواندی و نظر سوئی آسمان کردی و  
این کلمات بر زبان رانیدی ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف اللیل  
والنهار لایة لا ولی الا للهاب الذین یدعون الی الله یتختم سورة و عاده کریمه  
السور و از دل نواز بود که بکبر تحرمه این دعا کلمات کفنی سبحانک و محمدک و تبارک  
اسمک و تعالی جدک و لا اله الا انت الاله العظیم  
الشیطان الرجیم من نمره و نفخه و نفه و کرة لا اله الا الله اللهم باعد  
بینی و بین خطای کما باعدت بین المشرق و المغرب اللهم تقنی من خطایا کما تقنی التو  
الابض من الدنس اللهم اغسل خطایا بالماء و الثلج و البر و وجهت وجهی للذی فطر  
السموات و الارض خیفاً مسلماً و ما انا من المشرکین ان صلوتی و نسکی و حیای  
و عباتی لدر رب العالمین لا شریک له و بذلك امرت و انا اول المسلمین اللهم انت

الذک لا آله الا انت ربی وانا عبدک ظلمت نفسی واعرفت بذنوبی ما عرفت  
ذنوبی جميعاً انه لا یغفر الذنوب الا انت واحدی الاحسن الاخلاق  
والایهدی الاحسن الا انت واصرف عنی سبها لا یصرف سبها الا انت  
ایک وسعدیک وایخیر کلمه فی یدیک والشیرس الیک انا یک الیک  
تبارکت وتعالیت واستغفرک واتوب الیک وشیرس الیک والمهدیه  
من اهدیت انا یک الیک لا منجا منک ولا ملجأ الا الیک تبارکت اللهم  
انی اعوذ بک ان یصدع بهی یوم القیامه اللهم اجنبی مسلماً وامتی مسلماً  
واطالت قراءت قرآن النور ووصلی علیہ وعلی آله واصحابه وسلم در نماز تہجد  
بجب احوال و اوقات مختلف بود کابھی یکجزو قرآن در یک رکعت بود و وقتی از سورۃ  
قاف تا ختم قرآن و کابھی در چہار رکعت سورۃ بقرہ و آل عمران والنساء والمائدہ  
خواندی و بروایتی سورۃ النعام و کابھی بایۃ وان تعذبہم فانہم عبادک وان تعظم  
فانک انت العزیز الحکیم کروی و ہمچنین تطویل و تخفیف رکوع و سجود و قنوت  
در نماز ارکان نماز مختلف بود و قراءۃ قرآن و قیام در نماز عبادۃ کربلہ الشریف بود

که در دو رکعت که اول که از روی قرائه تخفیف کردی بعد از آن در هر رکعتی دو رکعت  
 بسبب مرض یا بخیزی از آن سرور بود نماز شب فوت میشدی و دوازده رکعت نماز  
 شب را وقت عشاء که از روی اما معمول مسلم در ویشان قادر به دوازده رکعت  
 و رانمی نماز و تراست قرائه قرآن بطریق که تحریر یافته اگر نتواند و میسر نشود در  
 هر رکعت یازده کراهت یا هفت بار یا پنج بار یا سه بار سوره اخلاص بعد از فراغ  
 نماز دعا بخواند اللهم انی اسالک رحمة فرعون که بهتدی بها قلبی و کجج بها امری  
 تسبیح و صلح با دعائی و ترغیبها و ترکی بها علی و تمجیدها شری و نزد بها الفیض و تصنیف  
 بها من کل سوء اللهم اعطینی ایماها و یقینا لیس بعدہ کفر و رحمة اماک بها شرف  
 کرامتک فی الدنیا و الآخرة اللهم انی اسالک الفوز فی القضاء و نزل الشیبه  
 و عیش السعداء و النصیر علی الاعداء اللهم انی ازل بک حاجتی و ان قصر روی و ضعف  
 علی اقسمت الی رحمتک و اسالک قاضی الامور و یاشا فی الصدور کما یجرب من الجحور  
 تجیرنی من عذاب السعیر و من دعوة النور و من قسمة القبور اللهم ما قصر عنی و لی و لم  
 تبلغه مسلکونی خیر و عدت به احد اخر خلفک او خیر انت معطیه احد اخر عبادک

قائمی

ایک یا رب العالمین اللہم یا ذوالجلل الشریذ والاعز الرشد اسالک

الامن یوم الوعد وانجته یوم الخلود ومع المقربین الشہود والرحم والسمو المؤمنین

یا لہو وانک رحیم وود وانک تفعل ما یرید اللہم اجعلنا ذوی مہدین غیر ضالین

والامضین مسلماً لا یراک وعدواً لا عدواک تحب بچک وتعاوی بعدک

من خالفک اللہم لعدا دعاء وعلیک الا جابہ وهذا الوعد وعلیک التکلان اللہم

اجعل نورانی قلبی ونورانی قبری ونور ابن یدی ونور اخیافی ونور اعن منی ونور

عن شمالی ونور امن قونی ونور امن تحتی ونورانی سمعی ونورانی بصری ونور فی

شعری ونورانی بشری ونورانی لہمی ونورانی دہمی ونورانی عطای اللہم اعظم لی نوراً

واخطی لی نوراً واجعل لی نوراً سبحان الذی تعطف بالعرسبحان الذی لیس المجد

وکرم سبحان الذی لا ینعی التبیح الا لہ سبحان ذی الفضل والنع سبحان ذی الجود

سبحان ذی الجلال والاکرام نہقا ذکرہ کلہ استغفار زبیر بان رائد واین مناجات

نحو انہ یا من یعلم ضمیر یا مجیر المسجر یا امان الخائفین یا رجاہ المؤمنین لا تجب رباً

الارجاک یحییہ وھو کف عینی وانا من موقہ وھیات احناف عذابک لانی

محضتک وار جو رحمتک لاکھ کریم احمد لدر لایحی مکارک  
 اندرین راء الہی ثبت و رحمت عاقبت و فحلت عن جمع المعاصی الہی ملوک دنیا  
 یعقون العبد و انت مالک الملوک فاعقنی من النار یارب لدی باب توجہ لغیر  
 بابک و ای حجاب توجہ بغیر حجاب مالک با و شاد و در آن زمان کہ بائی در دست مرک  
 قرار کنیم و دست از تصرفات دنیائی کو ماہ کنیم این کل طیب جان پروردگار بر زبان ما و  
 زبان جمع مسلمان جارید بخداوند در آنوقت کہ پیران حسرت از کلومی ما فرو آرند  
 و پیران بی آسین با پوشانند بر ما رحمت کن خداوند در آنوقت کہ دستہائی ما بر سنا  
 ما بارند و غمیزان ما ما امید شوند و از رحمت گذارند بر ما رحمت کن خداوند چون ما را  
 در حد فرو آورند بر ما رحمت کن ای کریم کن ای کریم طاعت عدل کر است کہ یہ سزا دلایم  
 از تو امید عطا است خداوند حاجت ہمہ میدانی و بر آوردن میموانی بگرم خویش بر آورد کرد  
 و بہر دو جهان مغم ز بار و از غضب خویش در پناہ خویش دار ما را بکار بار با گما راز  
 شہر ما را کھاہد بحر مہ السبی المتما رہر افعال ہی کہ راضی نباشی آن افعالہا و محبت آن  
 از دل ما سرودگان عفو عاقبت بخش عاقبت بخش جمیع مسلمان خیر کردان و دوستان دوستمان

یا ابرار جاودہ شریعہ دار یا رجاء المؤمنین یا عیاش استغیث اغیث یا عون المؤمنین اغنی یا  
 حبیب الکلبین رب علی بن ابی طالب محمد سید المرسلین الہی کا حفظہ جسے غیبی شکر کا حفظ لکھا  
 ہے سوال غیرک یا من یعلم السر و اخصی یا قیوم الارض و السماء انا عاجزون قاصرون براہ  
 الیک من زینح و زلل مطیعون لامرت بہ من فعل و قول ای عیب پوش غیب دان  
 کارا می دینی و دنیاوی برہنج شریعہ سر انجام کر دان بجز تہ السبی آخر الزمان و صلے  
 تعالیٰ علی خیر خلقہ محمد و آلہ و اصحابہ اجمعین و درود بر آن محبوب گوید و این دعا خواند  
 یا من تفر و نضرۃ الضعفاء و المظلومین و المخلق کلمہ عجز و اعز و ذلک اللہم است و لسان اعید  
 و لا تُنبت لی عدوی و لا حاسدی و اظفر لی علی جمیع اعدای برحمتک یا ارحم الراحمین  
 و ہذا و منفت کرۃ یا علی یا عظیم یا رحمن یا بدیع السموات و الارض یا ذا الجلال  
 و الاکرام یا الہ الا انت برحمتک استغیث و من عندک استجیر و یا عیاش  
 المستغیث اغیثی و یا صمد ہفدہ نوبت ذکر لا الہ الا اللہ و بر ہر عدد و نور ہم کلمہ محمد رسول  
 اللہ کلمہ لا الہ الا اللہ متصل کرانیدہ با و از بلند گوید و با نصد و سی و نہفت کرۃ یا اللہ  
 و اگر کند باید کہ این اذکار بر روشنی سلسلہ قادیانہ کہ در فصل شغل ذکر چہ تظہیر فرماید یا

در عمل آورده و دوست و نوزده نوبت این درود بر آن محبوب بگوید صلی الله علیه و  
علی آله و اصحابه و سلم اللهم صل علی محمد معادن الجود و الکریم و علی آله محمد و بارک و سلم  
فصل ششم در بیان تسبیح و ادعیه آن باینکه فضیلت و رغائب نماز تسبیح بحدیث  
ثابت شده نقل است که آنسرور عالمیان صلی الله تعالی علیه و علی آله و اصحابه و سلم  
عباس را فرمود که ای عم اگر توانی نماز تسبیح را در روز یکبار بگذاری یا در هر جمعه  
والا در هر پایی و یا در هر سالی و اگر این هم میسر تو نکند در عمر خود یکبار بگذاری که کفر  
جمع گناهان کبیره و صغیره است و نمکننده تقصیرات صوری و منویت نماز تسبیح را  
بحدیث چهار رکعت ثابت شده و در هر رکعت بعد فاتحه سورتی از قرآن و سبحان الله  
و الحمد لله تا عظیم در برقیانم نماز یازده بار در هر رکوع و اعتدال سجود و جلوس و درود  
سجود و جلوس شراحت و جلوسه ششده کرده و بعضی آنم حدیث بطریق افضل است  
بعده فاتحه سوره از طوال مفصل خواند و افضل آنست که یکی از چهار مستجاب سوره  
جدید وصف و مود و ثنابین قرآه کند بجهت مناسبت که میان نماز و سورت و برود  
از قصار مفصل نیز قرآه ثابت شده است مثل زلزله و العادیات و الطارقه

واللهم الثائر والخلص وبروایت بعد فاتحه الهمیم الکفار والعصر وقل یا ایها الکافرون وقل هو الله احد  
 در سورة الرازین سورة در هر رکعت یکبار بخواند و طریق گذاردن نماز تسبیح دور روایت است یکی آنکه  
 چون از دعای سبحانک اللهم الی آخره و از قراة فاتحه و سورة فارغ شود و دستاوه یا نرود با رکوعی  
 سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و بروایت زیاده لاجل و لا قوه الا بالله العلیم  
 پس از آن در رکوع بعو رفتن و تسبیح ده کرات گفتن و همچنین در قومه و در سجده و در  
 استراحت و جلوس و در کعبه و ده کرات تسبیح گفتن و روایت دیگر مجمع بکثیر تحریمی و بعد سبحانک اللهم  
 و بعد ک الی آخره پس از آن یا نرود کرات سبحان الله و الحمد لله و الله اکبر و بروایت زیاده  
 و لاجل و لا قوه الا بالله العلیم و پس از آن تعوذ و تسبیح و فاتحه و سورة از قرآن خواندن  
 و بعد ده کرات سبحان الله و الحمد لله الی آخره خواندنست و در رکوع و در قومه و در سجده  
 و در جلوس استراحت و در جلوس تشهید نیز ده کرات سبحان الله و الحمد لله الی آخره خواند که در هر کتبه  
 آنها و پنجبار قراة تسبیح محفل شود که مجموع در چهار رکعت سجد کرات تسبیح است و بعد از تشهید  
 پیش از بر آمدن سلام این دعا بخواند اللهم انی اسالک توفیق اهل الهدی اعمال اهل یقین  
 و ما صححه اهل التوبه و غفرم اهل البصر و جبرم اهل الخشیة و طلب اهل الرغبة و تعبد اهل النوع و عرفا

اهل العلم حتى اذناك اللهم اني اسالك نجاة بحجرتي عن محاصيك حتى اعلم بملك خلك عملاً  
 استحق رضاك وحتى اناصحك بالتوبة خوفاً منك وحتى اخلص لك النصيحة منك وحتى توصل  
 اليك في الامور حسن ظن بك سبحان خالق النور باب سيوم وريان قراءة قرآن وبيان  
 اذكار جبرئيل باطن وكرهفي ومرتبه وطريقي ان كبروش سلسله عالميه قادريه است واداب  
 حضرت رسالت نبيه محمد صلى الله عليه وعلى آله واصحابه وسلم واداب مزيد بالشيخ واداب ختمه  
 قبلنا وسيدنا وشيخنا شيخ محمد بن عبد القادر حسيني ايجلاني رضي الله تعالى عنه وادكار  
 متفرقه که مشتمل است برشتش فصل وک مطلب ویک خاتمه فصل اول در تلاوة قرآن واداب  
 آن ابی سعید خدری گوید رضي الله تعالى عنه که آن دنوازمير مايد سلی الله تعالى عليه وعلى آله واصحابه  
 وسلم يقول الله تعالى وتبارک من شغل القرآن عز من اني اعطيت افضل ما اعطى السالمين کبد  
 ثبت شده است که افضل واکن اذکار تلاوة قرآن است قال صلوات الله تعالى عليه وعلى آله  
 واصحابه وسلم قراءة تحديت بره تعالى واهله واهله الله تعالى وخاصة ولا يتقرب احد الله  
 بنسبه افضل منه وکلم حرف منه حسنة وحسنة بعشر مثا لها اول ما يلزم القاري الا خلاص وان  
 لا يريد بها الا وجه الله تعالى ولا يقصد بالتوصل والتوسلاً الا غيرته تعالى بايد که در قراة قرآن

سخنم داروین گویند که مناجاتی بر پروردگار است و چنانست که می بینی حق را غر و جل و از جمله ادب  
 تلاوة و آن است تجدید وضو و مسواک و تصفیه مکان و استقبال قبله و شوع و سکنه و در  
 حضور دل و تدبیر معانی و تدکیر و سخن قلب و کز لیسع و خود را در گریه آوردن و ترس و بلند  
 خواندن و تحسین صوت و خوف و خشیت و اجتناب کردن در تلاوة از کسل و لال قال  
 الفوتنه الا اعظم المحبوب اتحقی فی شیخ محی اتحقی رضی اللہ تعالی عنہ اتحقی کلام اللہ تعالی غر و  
 حل و ما دل و اوامره لانه هو الوصله منکم و بین اللہ تعالی غر و جل لا تجلوا مخلوقاً و باید که تلاوة بلا  
 استماع بر کلام الهی وصفی کند هر گاه از زبان او یا از زبان غیر یا آیتی از قرآن مجید بر آید  
 گویند که از مکلم حقیقی سماع کند و زبان خود را در تهر معانی و در لذت استماع الفاظ جنان مستغرق  
 و متواله گرداند یا زبان و پیکری را در میان درسطه داند که حق تعالی بدان درسطه کلام خود را  
 او میرساند چنانکه بواسطه شجره خطاب قدم خود را که انی انما اللہ و سبوح یونس علی نبی و علیه السلام  
 رسانید چنانچه کلام آن محبوب حق رضی اللہ تعالی عنہ مهذوق این مضمون است القوم لم یؤمنوا  
 کلام اللہ غر و جل بقلوبهم و معانیهم و لیسد قون ذلک السماع باعمال جوار هم باید که ابتداء  
 محمود و تسبیح باشد و هر گاه بآیه رحمت رسد کند و حاجت طلبد و چون بآیه عذاب رسد

پناه جوید و استغفار کنید و بایه زبانه کنی بمولی را غرض اول و بایه تسبیح گوید و بایه دعا و تضرع  
 کرده دعا کند و مطلوب طلبد و براسمی که از اسما صفات و حاجات و مرادات طلبد  
 و در کلمه نفی ماسوی الحق را نفی کند و در محل انبات انبات وجود تصفی کند و چون بایه سجده  
 رسیده تلاوة کرده بر خیزد و دو رکعت نماز نفل کند و بخواند در هر رکعتی بعد فاتحه سورۃ  
 اخلاص بعد از سلام و در سجده رفته حاجت از مولی غرضه طلبد و چون بایه رسل الله رسیده  
 رسل الله را کنار کند بر خیزد و دو رکعت نماز نفل گذارد و در سجده رفته حاجتی دینی که دارد تصور  
 در دل کرده مناسب نیت خود اسمی از اسما الهی یا آیتی از آیات قرآن خواند و جهت اعداء  
 باطنی که سالک را بکلم حدیث اعداء عدوک الهی من جنک و بی النفس ثابت است  
 یا بحب ضروری برای دفع اعداء ظاهری یک آیتی از این آیتها کنار کند و هو القاهر  
 فوق عباده ویرسل علیکم نطفة حتی اذا جاء احدکم الموت توفته رسلنا و هم لا یفرطون الی  
 یا هو الله الواحد القهار خلق السموات و الارض بالحق ۱۰۰ بار و کبیر الشار علی  
 اللیل یسبح الشمس و القمر کلن بحری لاجل مسمی الاله عزیر العفار الی آخره یا طایة فیقطع  
 دابر القوم الذین ظلموا و احمد لدر رب العالمین چه بقول صادق مصدوق صلوات الله علیه و آله

نابت شد که کاتبین ذر و بلالین و عمار المستجابین بعد از دعا علم گوید و تلاوة مشغول گردد  
 و در محل دوازده سالک عبادی غنی فانی قریب اجیب دعوة الدعاء اوداعان اتهام در  
 دعا و تضرع کند و سنت است بکبر گفتن از سوره و الضحی تا آخر قرآن بر تمام کردن هر سوره  
 و بی الله کبر الله کبر لا اله الا الله و الله اکبر و بروایه گفتا کردن با الله اکبر و بهترین اوقات  
 تلاوة آخر شب و بعد صبح است و وقت بین العشاءین نیز محبوب است باید که ختم قرآن  
 در موسم صیف در نماز سنت فجر کند و در ایام شتا در نماز سنت مغرب کند تا مغفرت در  
 تلاکه برای قاری قرآن در درازی روز و در درازی شب واقع شود و باید که ختم قرآن در  
 نماز فجر روز دوشنبه و در نماز مغرب شب جمعه کند در روزی که ختم کند صائم بود و وقت ختم  
 حاضر گرداند اهل درویشان خود را چه بحدیث نابت شده که وقت ختم تا رحمت می شود و  
 مستحب است استجاباً تا کبیراً بعد ختم دعا و تضرع و الحاح در دعا، و بدعا و اجامه بکلمات جامعه  
 و امور مهمه و عاده کریمه آنسر و بر بود صلی الله تعالی علیه و آله و اصحابه و سلم چون ختم قرآن  
 کردی افتاح از احمد مد رب العالمین کردی پس از آن از اول سوره بقره تا منفلون بروی  
 آیه الکرسی تا خال دون و آمن الرسول تا آخر سوره نیز خواندی و دعا که بعد ختم بحدیث نابت

شدة اذنت احمد بدرب العالمين احمد لسد الذي خلق السموات وجعل الظلمات والنور  
 ثم الذين كفروا بهم يحيدون لا اله الا الله وكذا العادون فضلو اضلال لعبد الا اله الا الله  
 وعن كذب المشركون باحد من العرب والمجوس واليهود والنصارى والصابئين ومن  
 وعى الدولدا وصاحبه او شيبا او مثلا او سيبا او عدلا فانت ربنا اعظم من  
 ان يتخذ شركا فيما خلقت وحمد الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك  
 ولم يكن له ولي من الدن وكبره تكبيرا احد اكبر كبيرا وحمد الذي انزل على عبده الكتاب  
 ولم يجعل له عوجا قتما لينذر باسائت من لدنه وبشر المؤمنين الذين يعملون الصالحات  
 ان لهم اجر احسنا ما كئبن فيه ابدا وينذر الذين قالوا اتخذ الله ولدا ما لهم به من علم  
 الا باهم كبرت كلمته تخرج من افواههم ان يقولون الا كذبا وحمد الذي ما في السموات  
 وما في الارض وله الحمد في الآخرة وهو الحكيم الخبير يعلم ما يلج في الارض وما يخرج منها وما  
 ينزل من السماء وما يعرج فيها وهو الرحيم الغفور الحمد فاطر السموات والارض جاعل  
 الملائكة رسلا اولي اجنحة منثنى وثلاث ورباع يزيد في الخلق ما يشاء ان الله على  
 كل شئ قدير يا فتحة الله للناس من رحمته فلا تمسك لها وما ميك فلا مرسل له من عند

وهو العزيز الحكيم محمد وسلام على عباده الذين اصطفى والحمد لله المنة كونه  
 خير واقبى وهو احكم واكرم واعظم ما يشتركون واحمد سبل اكثرهم لا يعلمون صدق الله  
 وبلغت رسله وانا على ذلكم من ان تبارك اللهم صل على جميع الملائكة والمرسلين وارحم  
 عبادك المؤمنين من اهل السموات والارض واختم لنا بخير وبارك لنا في القران  
 العظيم وانفعا بالايات والذكريات ربنا تقبل منا انك انت السميع العليم اللهم انس وحشيتي  
 في قبري اللهم رحمني بالقران واجعله في ايامي ونورا وهدى ورحمة اللهم ذكرني منه ما  
 نسيت وعلمني منه ما جهلت وارزقني تلاوته انا والليل والنهار واجعل لي حجة يارب  
 العالمين اللهم اجعل القران ربيع قلبى وجلا صدري ودمع عيني ودر سجدة تلاوة  
 كقوله سبحانه ربى الاعلى امنت بالقران سجدت للرحمن فاغفر لي يا رحمن سبحه وحى للذي  
 من سمعه ابعره ويجوله وقوته اللهم اكتب لي عندك اجرا ووضع عني بهاء وزرا و  
 اجعل لي عندك زخرا وتقبلها منى تقبلت من عندك داود وسجان ربنا اكلان وعدنا  
 لمفعولنا وحى وربان ذكر جبر واستغفال باطن فال الله سبحانه وتعالى مادحا وامرا  
 والذكارين الله كثيرا والذكرات واذا كر اسم ربك وتبتل اليه تبسلا الا ان ذكر الله تطسطن

القلوب فاذا قضيت الصلوة فاذا ذكر الله تعالى ما وضعوا وعلو جوبكم وقال النبي صلى الله عليه وآله وسلم  
وسلم ما من ساعة ثم يابن آدم لم يذكر الله تعالى فيها الا عليها يوم القيمة وقال النبي صلى الله  
عليه وآله واصحابه وسلم حاكيا عن الله تعالى انا جليس من ذكرني اذكروني بالشوق والمحبة  
اذكركم بالوسم والقرية وقال صلى الله تعالى عليه وآله واصحابه وسلم لكل شيء صفة وان  
صفة القلب ذكر الله تعالى وقال المحبوب الشيخ محمد بن سيد عبدالقادر رضى الله تعالى عنه  
مودة القلوب الغضة عن ذكر الله تعالى وعشر ذكره فمن اراد منكم ان يحيي قلبه فليكثر فيه ذكر الحق  
غزول والانس به والنظر الى سلطانه وعظمته وتصرفه في خلقه وايضا قال رضى الله تعالى عنه  
ان ذكرت ربك بالحسن حسن صفة فمح الفعالي قلبك وان ذكرت بالسن الطائف اساره  
فانت ذاكر على حقيقة وان ذكرت بقلبك ترك من حيات الرحمة وان ذكرت بسرك وناك  
من مواطن القدس وان صدقت في حبه حيكك بجناب لطفه اني معقد صدق ما عرف قدر  
جلاله من خلقه فطه عشر ذكره ولا لا حظ ازليت وحدانية من التفت بعين سمرة الخيرة ايدرونيش چون  
انتم فرارونوازمير ما به صلى الله تعالى عليه وآله واصحابه وسلم له ذكر الله تعالى شفاء القلوب ان  
محبوب حق شيخ محمد بن محمد بن ابي بكر اذ ادم على ذكر الحق جاءت اليه المعرفة والعلم والتمهيد بسبب

در زش از کارهای الهیه نیکو و بر روی کبی که در هیچ وقتی و حالتی از آن بیست نمانی  
 نباشی چه در آمدن و رفتن و چه در خوردن و پوشیدن و چه در نشستن و خفتن  
 و شنیدن و گفتن و در جمیع حرکات و سکنت حاضر باشی باید بود تا وقت لطالت  
 و کنایت گذرد و کما قال صلوات اللہ تعالی علیہ و آلہ و اصحابہ وسلم اکثر و اذکر اللہ تعالی حتی  
 یقولوا مجنون و اکثر و اذکر اللہ حتی یقولوا المنافقون الکریم اذون و این نسبت بزم بجز  
 بلوغ در لغی خواطر و اوامیر میسر نکند و در این وقت رخواطر در ارتقا و سادس در امتقار  
 ان نسبت قویتر و حکم تر پس باید که بکوشد تا خواطر متفرقه از ساحت دل بر آید و لوز  
 هستی حق بر باطن تو آید و ترا از تو بر آید و از غرمت انعیار بر یاد کند که رعایت  
 حفظ اوقات ذکر لها بار و خصوصاً نیم شب و آخر شب و بعد نماز عشاء و نماز فجر و بعد  
 نماز عصر که عدد و کیفیت ذکر در فصل نماز و وظائف اوقات بجا خود تحریر یافت باید که  
 اول عمل کند با وضو تجدید و دو رکعت تحیت و وضو ادا کند بخواند در هر رکعتی بعد فاتحه  
 سوره اخلاص چهل کرة پس از آن ده کرة در و بر آن محبوب بگوید اللهم صل علی محمد  
 و علی آل محمد بعد کمال ما ذکره الذاکرون و بعد کمال ما غفل عن ذکره الغافلون و لا یحل

ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم ووه بار استغفر الله الذي لا اله الا هو احيى القيوم  
 من كل ذنب والتوب اليه وسه بار كلمه مجيد ونهقا وكرة يا حي يا قيوم بك استغث  
 وكبار يا كره آية شهيد الله انه لا اله الا هو واللا اله الا هو واللا اله الا هو واللا اله الا هو  
 لا اله الا هو العزيز الحكيم بس ازان آية فاذكروني اذ ذكركم وشكروني ولا تكفرون الي  
 آية والهاكم الله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحيم الي اخره وآية واذا ساك عبادي عني  
 الآيه بس ازان الم لا اله الا هو احيى القيوم الآيه واما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل  
 افان مات او قتل انقلبتم على اعقابكم ومن ينقلب على عقبيه فلن يضر الله شيئا و  
 سيجزى الله الشاكرين الي اخره وآية هو احيى القيوم لا اله الا هو يريك ايات  
 مذكوره ووكار بار كرا كرا بس ازان اياك بقدر واياستعين تا والافاض  
 امين كجويد بس ازان بذكر بروشي كه تبلطه خواهد يا فت مشول شود وبعده از  
 احتتام ذكر ايند عاجخواند بس اسم الله الرحمن الرحيم بجلال قدسك وبجمال  
 انسك وبظرك الي اوليايك وبقربك الي اصفياءك وبشوقك ان مشور  
 قلبه بنور معرفت واهل حضورك حتى تيسر لنا سياتة بجا الالانوار

پنهانی

به اشتها ونگ ونگ الی خالصک وبنوفاک

ونتمی اخراج در رالاسرار اللهم ثم فمأبثا بدة جمالك وخلوة وساكن  
 وارزقنا نعمه لئلا نك واحشرنا في زمرة اولياك اللهم طهر منسجحة الدنيا  
 قلوبنا وبصر عيوننا في عيوننا اللهم زين ظهورنا بطاعتك وبواطننا بحببتك  
 وقلوبنا بمبعثك اللهم صخر الدنيا بعيننا وعظم جلالك في قلوبنا ابي انت  
 الرب وانا العبد ابي انت الملك وانا المملوك وانت العزيز وانا  
 الذليل وانت الغني وانا الفقير وانت الباقي وانت المحسن وانا المسيء  
 وانت الكريم وانا اللئيم وانت العظيم وانا الخافي وانت الرحيم وانا  
 الخاطي وانت الخالق وانا المخلوق وانت القوي وانا الضيف وانت المعطي  
 وانا السائل وانت الرازق وانا المرزوق وانت اتق ممن تنكوت  
 اليه واستغثت به واستلته ودعوته لانك كريم ابي كم من مذنب  
 فقد حضرت له وكم من مسيء قد تجاوزت عنه فاغفر لي يا ربنا وتجاوز عنى برحمتك  
 يا ارحم الراحمين پس از آن بروج بر فوج سرور کائنات و خلاصه موجودات  
 و جمع انبياء و اهل بيت و اصحاب کرام آن حضرت و بروج بر فوج حضرت

نیات

شیخ ابن والا شیخ محمد الدین سید عبدالقادر و صفات قادریہ و جمع  
اولیا ورود و فاتحہ و اخلاص و آرزوہ بار بخواند بعدہ سلامتی خود و سلامتی  
کافہ اسلام و بادشاہ اسلام و مقہوری اعداء ظاہری و کبیرہ گوید ہر گاہ کہ  
خواہد کہ ذکر جلی کند نہایا بجماعت باید کہ اول رعایت شرائط و آداب  
ذکر معنی دارد و از جملہ شرائط اول صدق ارادت است باید کہ نخستین  
تخلص نیت کند از ثواب طلب اعراض و نیوی و آخر وی جو ثواب  
اعمال بر حسب نیت است چندان نیت کہ مقصود است از عمل خالص تو  
ثواب آن فاضل تر و کاملتر و شاک نیت ہر گاہ ہر کہ غیر از حق سبحانہ و تعالی  
در و کون مراد وی دیگر دارد تحقیق محض و حسب طریقت بود و او را از برای  
استعداد قرب حضرت قدس و شائستگی مناجات و ادکار و مکالمت  
بات حق تعالی طہارۃ از آن واجب و لازم پس باید کہ نیت او بر تقرب  
حضرت ربوبیت تحقیق مقام عبودیت مقصور بود و از طلب جاہ و ریاضت  
و مہر کرامات و کثف آیات دور و طائفہ کہ مطلوب و مرادات اینان

از باب اول

از ریاضت نشاء و اشتغال و افکار تسوعمه ظهور کرامات و خوارق عادات  
بوده قرب مولی غرضه اگر خبری از مظلوم برایشان ظاهر و منکشف شود  
عین کمرواستدراج بود و سبب بعد و حماقت و غرور چه کثرت شغل و تفلیل  
طعام و دوام شکر در تصفیه باطن و تنور دل و تاثیر در نفوس مدخل تمام دارد  
پس طالب کرامات چون بسبب اشتغال از کار و ریاضت اندر نش  
صافی در روشن کرد و در صورت بعضی علوم تا کتب نباید و در بعضی نفوس  
نصرف و تاثیر کند بذار و که مقصدا علی ازین سبب انیت و بفریب  
شیطان غرور مخور و کرد و بد بگیری لفظ حقارت مکر و نفوذ باسد و انیمه  
مکن بود که حرمت و وقار شریعت از دل رخت بر نهد و در ترک حدود  
احکام و بر فرض حلال و ارتکاب حرام مبالات نماید و از شیخ اسلام مودود کرد  
و اگر ظهور کرامات در طریق کسی افتد که در نیت مخلص بوده او را غرمت صادق  
سبب قوه یقین و نبات غرمت او کرد و رجحان الی المقصود و از جمله شرایط  
ذکر دیگر توبه و استغفار از معاصی و مناهب است و باید که توبه از صدق

و اخلاص از جمله ثنوب و اتمام بود و باندرون از التفات با سوی اله حساب  
نموده با حضرت غره انابت نماید چه اساس جمیع مقامات و مفتاح جمیع خیرات  
و اصل همه خیرات و منازلات و معاملات صوری و معنوی و قلبی و قلابی توبه  
است نقل است که حضرت امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه فرموده العجب من  
یقفط و معه النجات یرسیدند و ما النجات یا امیر المؤمنین فرمود التوبة و  
الاستغفار بسبب تهم و افعال از آن توبه ظلم بود بر نفس خود و من لم یتب  
فاولئک هم الظالمون و دیگر طهارت کبر اکبر و الا وضو تجدید کند و نماز تحیت و وضو  
بر وضعی که قبل ازین تطهیر یافته بگذار و دیگر تطهیر جامه است از نجاست و  
کراهیت صوری و معنوی چه از نجاست منقله و مخففه و چه از جامه حدیر و معصومه  
و دیگر حجره مختص تاریک لطیف و معطر از خوشبو و از بخور و دیگر استقبال  
قبله و گردن را حاضر و مراقب دارد و حیای تصور کند که حاضر حضرت غره است  
و رسول الله صلی الله علیه و آله و اصحابه و سلم اینجا حاضر است و بوقار و آداب  
و احترام مقید بود و پیوسته باندرون خوانان بود که ظاهر و باطن خود را در آن

عبادة و نصب عبودیت و کسوة موافقات و احکام الهی بر نظم حق سبحانه  
 و تعالی عرض کند تا بدان سبب متعرض نجات الهی و مستعد زور  
 فیض نامناسبی گردد و دیگر رابطه دل با پیر مرشد خصوصاً در وقت شغل  
 که تفصیل آن در بیان شغل باطن تریطه خواهد یافت بیان ذکر جهر قال  
 المغوث الاعظم و الفرو الاکل الذکر اولاً باللسان ثم تعدی الی القلب  
 فجاء بحب و الشوق الی اللسان او انفی العبد لمدغرجل من  
 اجمل علم من البعد قرب و من الصمت ذکر و من الوحشة انس  
 و من المظالم نور ما فی الطریق انا و نحن الالاست هو الاول و الآخر  
 و الظاهر و الباطن العارف یظفر بعین قلبه بجوهر عالمی فلیخلق مخلوق باس  
 فیحسبون فی العبد و عنده کل شیء سوی المخلق غر و جل فحید نقول هو الاول و  
 الآخر و الظاهر و الباطن تصیر المخلق طاهره و باطنه و اوله و آخره و صورته و معنی  
 لاشی غیره عنده فحید یدیم صحت منه و نیاً و آخره و ایضا قال رضی اللہ تعالی  
 عنه اللسان غلام القلب و یتبع له بدانکه روش از کار جهر در سلسله در و  
 نشان

که است نشان حقیقت فادیه متعدد است از جمله او که همه او را ذکر لایزالا  
الدر اختیار کرده اند صورت امر کب است از نفی و اثبات تا ذکر در وقت  
جریان این کلمه بر زبان حاضر و مطابقت میان دل و زبان نگاهدارد و  
در طرف نفی وجود جمله محرمات را بر نظر فناء مطالعه کند و در طرف اثبات  
وجود قدیم را بعین بقا مشاهده نماید بواسطه ملازمت و مداومت بر مکرار این  
این کلمه صورت توحید در دل قرار گیرد و در تعین نام ذکر ضمه لازم ذکر گردد و  
امداد آن علی التعاقب و التمسک التامی بنا کرد پس از آن بجای رسد  
که صفت ذکر در دل ذکر متجوهر گردد و حقیقت آن تجوهر در دل متحد گردد و در تعین  
ذکر در ذکر و ذکر در ذکر نمودن کرد و حقیقت آن در وجه باطن او مثبت  
بود و عبارة از خیالات آنچه این قوم گفته اند که ذکر و ذکر و ذکر و ذکر هر سه یک چیز  
شوند همین تواند بود و بیان روش و طریقی هر واحد الموفق و الهادی  
الی الرشاد سند ذکر کیفی بی یک اثبات باید که طلبه مریع نموده بندگی نماید  
بسرانگشت پانچ راست گرفته و محکم کرده دو دست بر دو نور است خود بطرف نشسته

مانند که از همان دانگستان لفظ آمدست تا و کرد و پیرمشت را حاضر وقت  
 خود تصور نموده از ولایت او مدد و تقویتی طلب رسد اجانب را نومی چپ  
 فرورد بخاری منجی شود که طبعه بخضر رسد از آنجا از نام کل لاله گویند سر از  
 زانور است بر آورده بکف راست رساند و اندکی سر و کف راست  
 بجانب پشت خم کند و آنجا لاله را صعود نموده با نانی الا الله مپیوست کند  
 باز بهیئت اصل خود آمده از سر آغاز کند در حالت نفی چشم را کشاده دارد و در  
 حالت اثبات چشم را پوشد وقتی که لاله گویند تصور نفی وجود سوی اتمی کند  
 در نظره از نیک و بد که در او گذرد نفی نماید و بکلمه الا الله اثبات وجودستی  
 حق تعالی نموده حضرت غرة را بمجوبی و مطلقبی و مقصودی تصور کند درین چهار منزل  
 است که از دست معلوم نماید چون ذکر بدین روش تدریج بر اول قرار گیرد و  
 بلاخط نفی و اثبات بجهت بر اول متوجه گردد و سلطان ذکر تر ولایت دل مستولی  
 گردد و هر چه خبر حق است بجان و تعالی از دل او بر آرد و اگر در نور ذکر مضمحل گردد درین  
 مرتبه و اگر از علایق و عوائق وجود منفرد گردد و اگر از خود فانی شود و حق باقی بود استند

ذکر و ضربی بیک اثبات جمله معروفه مرعیه داشته لارا از میان دوزانو بر آورده

کلمه لارا بر کف راست پشت رسانیده الا اند را جانب چپ ضرب کند باز از سر

آغاز کند سند ذکر و ضربی بدو اثبات جمله و دور که تطبیق یافته از ان منظور داشته

یک ضرب الا اند و بقاعده مذکور بر سر زانو چپ کند و ضربی دیگر کج گشته بر اینج

در تصویره و دو اثبات و دو گوید الا اند می شود باید که ذکر را بر وضعی شده کند که

حرارة ذکر تمام جسم رسد و دیگر ذکر سه ضربی بر اثبات رعایت جمله و دور را

کجا داشته ضربی را بر زانوی چپ و ضربی را بر زانوی راست و ضربی را در میان و دو

زانو بر دل کلمه الا اند گویند در حالت ذکر حرارتی و لذتی که روی دهد و ذکر

از وجدان معلوم کند سند ذکر سه ضربی بچهار اثبات جمله و دور معروفه مرعیه داشته

ضربی را بر زانوی راست و ضربی میان دوزانو بر دل رسانیده کلمه الا اند

گویند باز از سر گیرد و فائده ذکر از کتب معلوم خواهد کرد و سند ذکر چهار ضربی

بچهار اثبات جمله و دور که تخریب یافته مرعیه داشته ضربی زانوی چپ و

ضربی زانوی راست و ضربی میان دوزانو و ضربی برابر ناف

الا اند

الا اهدکوا ان کنتم سئو و کبر چاره ضری یک اثبات جله و دور محمود نکا هداشته  
 کلمه لا را از میان و زانو بر آورده و نمره اهد را بد کشیده از کف چپ گذرانیده  
 در خود ضرب کند و بائی اهد را جانب پشت خود ضرب نماید در صورت کلمه لا اله الا  
 اهد چهار جبار انصاف یا بد و در یک نفی و یک اثبات چهار ثابت میگرد و در روش  
 ذکر اثبات یعنی کلمه لا اله الا اهد سه ضری رکعی جله محمود نکا هداشته یک ضرب  
 الا اهد جانب راست و ضری دیگر طرف چپ و ضری برول روشن چهار ضری  
 و چهار رکعی جله که تسلط یافته معنی و است ضری الا اهد جانب راست و ضری  
 جانب چپ و ضری برول و ضری جانب پیش که ذکر پنج ضری و پنج رکعی  
 جله محمود رعایت نموده ضرب الا اهد جانب جانب چپ و ضری راست و ضری  
 برول و ضری جانب پیش ضری طرف آسمان روشن دیگر ذکر الا اهد نشیند مانند جله شد  
 پائی چپ را دو تا کرده پائی راست را ستاده و ارد ضرب الا اهد بر زانویی چپ ضری  
 دیگر برول پس زان برود زانو استاده ضرب بر سینه کند و ضری را برول باز از سر گیرد و انصاف را  
 روشن و کمالا اهد ستاده شده پائی راست را از یک پیش مانده مقدار رکوع منجی شده بر آورده ضرب الا اهد

کوزه پشت و پشت را خم  
 کرده ۱۲

بر اول کند روشن و بگوید که لا اله الا الله و در حالت نشستی در وقت برخواستن تا قبل از آنکه بگوید و در همان  
 قدم و می‌آید یا در هر قومی کلمه لا اله الا الله بگوید و بگوید یا الله قال سخنا و سیدنا حضرت  
 محی الدین ابی محمد عبدالقادر حسینی احمسی بجدایی ربی الله تعالی عنه اسم الله الاعظم هو الله  
 و اما استجاب لک اذا قلت الله و لیس فی قلبک غیره باید که بعد از کسب ذکر لا اله الا  
 الله و ذکر الله بکرا اسم ذات که یا اهد است بدین روش مشغول گردد و چون یا الله  
 بر زبان گوید یا الله احد یا الله صمد تصور نموده جانب چپ یا الله صمد و طرف راست یا الله  
 احد و بر اول یا الله ضرب کند و بجهت قضا حاجت یک اسمی از اسماء صفات مطابق مدعا  
 با اسم ذات ضم کرده مشغول گردد امید که حاجت مقصودش برود و عارضی بجهت مغفرت گناهان و  
 تقصیرات یا ای غفور غفار مشغول شود و در بعضی جهت شفا مرض یا الله شافی انت الشافی  
 مشغول شود و باید که حروف نذرا از اول بر آورده لغوی الله را بر اول ضرب کند و روش مشغول یا الله  
 بر قیاس آداب و روش مشغول یا الله است و بجهت کشف حقائق ذکر یا هم مؤثر است و از برای  
 بطلان ذات از اسم حرف الف و لام بجا آورده حرف بار بجز کلمات ثلاثه مشغول کند جانب راست همه مفتوحه  
 طرف چپ همه بالکسر گوید غیر است و بر اول همه بالضم و اگر طرف چپ بالضم گوید و بر اول بالکسر غیر است  
 مشغول است

اگر چه پنج باب و دفع بیات و برای و زاری عمر لفظ الهم در بر دل ضرب کند پس از آن کلمه  
 لا اله الا الله را روشن ذکر یک طبعی و حلقی که پیش ازین تطبیق یافته کردن بگرداند و تحریک داده کلمه لا اله الا الله را بر دل ضرب کند  
 پس از آن کلمه الحی را جانب راست و القیوم را طرف چپ ضرب کند شغل اسم یا احمد یا محمد یا رسول الله را  
 کشف ارواح بذرگیا احمد و یا محمد جانب راست یا محمد جانب چپ و یا رسول الله بر دل ضرب کند و در وقت  
 آنکه یا احمد جانب راست و یا محمد جانب چپ و مصطفی بر دل ضرب کند و وجه کشف ارواح یا احمد یا محمد  
 یا علی یا حسن یا حسین یا فاطمه این شش اسم را بطریق شش ضرب کند مشغول شود و شغل شیخ فرشته  
 هزار گره یا شیخ یا شیخ گوید باید که حرف ندارد از دل بر آورده جانب راست برود و لفظ شیخ را جانب  
 بر دل ضرب کند و باید که در وقت شغل اسماء ذات که مذکور شد و با اسم حضرت رسالت پناه صلوات  
 تعالی علیه و آله و اصحابه و سلم و نام حضرت دیگر که تطبیق یافته حرف ندارد از دل بر آورده بوضعی که نوشته  
 شده است انصراف رساند روش و طریق ذکر دل و ذکر خفی و پاس انفاس قال الله سبحانه و تعالی  
 ادعوا ربکم تضرعاً و خفیةً انه لا یحب المعتدین قال بعض اهل التبحر معناه ادعوه علانیه و  
 سراً فان التضرع من الضراعت و هی اظهار شده حاجت و خفیة منته که بین بهم  
 و السر و هی من الاضداد قوله معتدین ای المستعین الملطفین فی الفاظ الدعاء قال

قال رسول الله صلى عليه وآله واصحابه وسلم يقول الله عز وجل انا عبد ظن عبدي بي وانا منه  
اذا ذكرني في نَفْسٍ ذَكَرْتَهُ في نَفْسِي واذا ذكرني في مَلَأْتِمْ مِنْهُ اذ كان يوم القيمة وجمع  
اخلاق طيبا بهم وجاء اخفضه باخفظوا وكتبوا قال الله سبحانه وتعالى اللهم انظر و اجعل له  
من شئني فيقولون يا ربنا ه ماتر كنا شيا علكا و حفظناه الا وقد احصينا ه  
وكتبناه فيقول الله تعالى ان لك عذري كثر لا اعلم احد غيري وانا اجزيك  
به قال وهو الذكر اخفي قال النبي صلى الله تعالى عليه وعلى آله و  
اصحابه وسلم اذكر و اذكر و اذكر ا حلالا فيس و ما الذكر  
احال الذكر اخفي ويفصل الله اخفي على الذكر  
الذي بسمة اخفضة سبعين درجة قال  
الا امام القشيري رضي الله تعالى عنه  
الذكر اخفي لا يعرف اللك لابه لا اطلاع  
له عليه فهو سر بين العبد وبين ربه پوشيده  
نماذ كه كا هرا حاديت بر اين است كه ذكر نياني فاضله است

70  
ذکر اشکارا ایک اسم التعمیق برساند کہ ذکر خفی و رای ذکر با  
ذکر پاس القاس و ذکر و ام ذکر سرات و بدر کہ عقل مجاز  
و علم ظاہری معرّفہ ذکر خفی حاصل کرد و الا بشاہدہ ذوق و وجد  
بدان اید روش کہ آن محبوب حق شیخ محی الحق یعنی رسیدن آن  
رہی الدعۃ میفرماید اذ اقلت لا الہ الا الہ اولاً بقلبک  
ثم بلسانک و الفعل علیہ دون غیرہ اما شیخ ان یقول لا الہ  
الا الہ و لک الف مَعْبُودِ عِوَدٌ تَبَّ اِلی الدِغْرِ و جل فی جمیع  
ما فیہ من کان ذاکر الدِغْرِ و جل بقلبہ فهو الذکر و من لم یدکرہ بقلبہ  
فلیس بن اکر اذکر الحق غر و جل اولاً بقلبک ثم بلسانک ثانیاً اذکرہ  
بقلبک الف مرۃ و بلسانک مرۃ ثم ذکر اللسان بلا قلب لاکرامتہ

ولا عزازة لك الذکر هو الذکر القلب والیسر ثم ذکر اللسان  
 متنی ذکرته بلسانک فانک تائب فاذا ذکرته بقلبک فانک  
 سالک متنی ذکرته بلسانک فانک محب فاذا سمعت ذکره  
 فانک محبوب فاذا ذکرته بلسانک فانک عارف و بدانکه  
 از جمله شرط این راه اول شرط ربط دل بصورت پیرم  
 بستن و مستحکم کردنست باید که هر لحظه و لحظه صورت پیرم را  
 نصب العین نمود و کند خصوصا وقت شغل و هر شکیلی درین راه  
 که برنده پیش آید و سر راه او گردد و صورت پیرم را در  
 خیال متمثل کرده غرض حال خود کند و در استکشاف آن صمیمیت  
 استوار کند و فی الحال بر و کثوف و مبین گردد و وجه بمشابه

بانی

بابیست مفتوح بر عالم غیب که از هر لحظه امداد فیض حق  
 بدل میسر آید امید وائق است که آن مشکل از راه دور شود  
 و ولایت پیر مرشد مدد فرماید و اگر آن رابطه و واسطه محکم  
 نبود شیطان راه یابد و هلاکت برود اما ذناب الدجانه  
 و تعالی من اغوانه و جوده و بجا حبیب و خلیفه و نسیه صلوات تعالی  
 علیه و آله و اصحابه و سلم و چون رونده این راه از مرشد اسم  
 الله تعالی بوسیله که تظلم کرد و ماذون مجاز کرده باید که بعد طهارت  
 کبری یا صغری در مقام خالی و لطف و تارکاب مرتج نشسته  
 مشغول گردد و اسم الله تعالی را از زیر ناف بهر وقوه تمام  
 بر آورد و مهات صفات با ملاخط معنی در خیال تصور نمود و رعایت

عروج و صعود نموده نفس بوضعی که در بیان ذکر تسطیر یافته یاد داشته  
برین روش مشغول گردد و الله سميع شنوا بصیر نیا الله علیم وانا  
الله قدیر توانا الله علیم بصیر وانا بصیر نیا الله سميع شنوا بازار از  
اسم اول سوئی اسم اخیر صعود نماید هم بدین روش بزرگ مشغول  
بود تا ملامت که ذکر ملکه ذکر ورود ممکن شود درین مقام دل  
ذکر کرد پس از آن بقیه مشغول دیگر مشغول گردد و آن از نیت  
درین روش نیز رعایت عروج و صعود نفس و حضور را بطبیع  
و صورت ویرالضرب العین نمود کردن و نظر خیال بر آن صورت  
گذاشتن اصل کار این راه است چه محبت پیر و مرشد صورت و مومل  
محبت حق است عز اسمه الله حاضر فی الدنیا لفری الدنیا لفری الله

شایدی الدیمی بازار اسم اخیر سوئی اول اسم عروج  
کندهم بدین محیط مداومت کند روش دیگر باید که راعیه  
ملاحظه امهات صفات با اسم ذات کرده ملاحظه رابطه و واسطه  
و عروج و صعود نفس مرعید رشته لفظ الدر از ناف بقوه  
و شرة تام بر آورده این طرز مشغول گردد و اسمی بصیرت علم  
شنو اینها و نام دائم قائم حاضر ناظر حاضر باشد بازار اسم  
اخیر جانب دل اسم عروج کند بعد مداومت اشتغال نکند  
رعایه شرا که تطیر یافته مرعید رشته بدین روش مشغول  
گردد و اسم دائم الدائم الدائم الدائم بازار اسم اخیر سوئی  
اول اسم عروج کند رعایه اوقات را از دست ندید خصوصاً

وقت سحر و بعد گذارون نماز با مدا و شبانگاه بی مانع با دعا  
 مذکوره مشغول بود و باقی از ذکر یا پس انفاس غافل و سیه  
 نباشد و ذکر یا پس انفاس مرکب از نفی و اثبات است  
 در بیان مراقبه بدانکه اعمال و قسم اند ظاهراً و باطنی ظاهر چون  
 نماز و تلاوة و ذکر و غیره و باطنی چون محاضره و مراقبه  
 و محاسبه و ترتیب اعمال چنانست که ناممکن بود میان اعمال  
 ظاهراً و باطنی جمع کند اول صلوة را مقدم کند پس آن تلاوة بعد  
 ذکر شترط حضور دل مراقبه باطنی که طریقی در روش اولیا کبار  
 و اکابر این طبقه که کامل مکل اند این بوده است و انیت  
 و اگر بحسب ضعف استعاره جمع ممکن نبود از عمل ظاهراً بر علم باطنی

که در اقبه و محاضره و محاسبه است اکتفا نماید و همچنانکه در  
 ظاهر از افعال معاصی بر خرد بود و ششم وارد در باطن نیز  
 از خطرات مذمومه متخلف بود و ششم وارد در جمیع حرکات  
 و سکناات ظاهر و خطیرات و نیات باطن حق را بهانه و تیب  
 و مطلع بنید قال الله تعالی فاعلم انه لا اله الا هو الغنی العزیز الحکیم الاول  
 والآخر والظاهر والباطن وهو بكل شیء قذیر قال النبی صلی الله تعالی  
 علیه وآله وسلم ان بعد الدکانک نراه وان لم کن ترراه  
 فانک یراک ان محبوب حق شیخ محی الدین رضی الله تعالی عنه  
 میفرماید یا قبول اربکم عزوجل فی خلواتکم و جلواتکم اجعلوه نصب  
 عنکم حتی انکم ترونه فان لم کن ترونه فهو یرالم این است

والقوم الذين همهم بهم واحد يراقبون الدغرجل في كواطينهم  
كما يراقبونه في طواهرهم ان اردت الصلح فعليكم بالسكون بين  
يديه وسكونه الظاهر من اجركات وسكون الباطن من اجطارة  
الظاهر عنوان الباطن عليكم بالسكون بين يديه ان اردت الوصول  
اليه فان عليكم رقبه الملائكة يراقبون طواهركم واهق غروجل  
يراقب بواطنكم كل الائمة علاقه قلبك الدلائب في  
النيا والاني الاخرة ولطه اعمال القلب خير عن اعمال الظاهر الف  
مرة كل ما اشغلك عن الدغرجل فهو عليك ثوم وان كان الصوم  
والصلوة بعد اداء الفريضة والسنة عليك بالمرآة بعد غروجل  
والمطالبة نفسك باحتب عليها من حقوق احمق غروجل وحقوق

خلقه ان اردت انخر دنيا واخرة فراقب علم الله في الخلو  
 والجلوة المراقبة في ابلوة للناسقين وفي الخلو والجلوة للمخلصين  
 يا مجيب الخلق احمق غر وعل ورمح قدره كيف ما دار وطهر قلبك  
 الذي هو مسكن احمق اسمن السن غر وعل وانظر واطنواكم  
 اليه النس عما سواه واقعد على بابه ليس التوحيد والاخلاص و  
 الصدق فلا تفتحه لاحد غيره ولا تشغل زاوية من زوايا قلبك  
 بغيره باعلام لا تنظر الى الخلق بعين الصفاء لا تنظر اليهم بعين الضمير  
 النفع بل انظر اليهم بعين العجز والدلل اطل التعلق بالدينا والآخره  
 بالحق غر وعل المعصية وجود النفس الطاعة فقد امننا اعلم ان الاشياء  
 كلها متحركة بتحركه ومسكنة اشكيبه اطلب احمق القرب من

باب فائک الدربنا و غر بعل رقیب و لکل شیء شائبه فی کل شیء  
 حاضر علی کل شیء رقیب عن کل شیء قریب من کل شیء بدانکه  
 مراد از دوام مراقبه نسبت که همیشه بدل حاضر حضرت حق تعالی بودن  
 در تمام نیتی و فانی و نسیان و سر ماسوی الحق کشیدن است  
 و دوام مراقبه بی مخالفت نفس و جبر و دوام محاسبه سیر نکند و  
 و دوام محاسبه سیر وقت از خود و از اعمال خود ناامید و همتی و  
 بایکس شدن و تقصیر و نقصان خود دیدن کار از سر گرفتن  
 و واقف کار از کرک و واقف حال خود بودن است که  
 موجب شکر است یا موجب عذر و خود را از ریا و عجب دور  
 کردن ریا و عجب کوه آتشن است میانی که کوه دوزخ است

نور و دل جمیع داری دوست امروز که تا فردا نمانی در چه  
 سوزا کرت باید بهر دم تازه جانی، فرو کداری یا حق زمانی  
 چه هر دم می توانی یافت نوری، چرا هر دم نباشی در حضور  
 حضور، چون ترا همراه باشی ذات شناخته درگاه باشد  
 تا آنجهان حاصل کنی تو باید که این شغل با ملاحظه معنی و رعایت  
 جس و نفس و شرائط و دیگر که قبل ازین در فصل از کار حق تطبیق  
 یافته در جمیع اوقات و در همه حرکات و سکنت لازم گرداند  
 یا عالم بی و یا قریب منی یا شاهد علی همان اید رویش حاضر  
 باش حق سبحانه و تعالی همه جا حاضر است بظاہر و باطن  
 در همه وقت و همه حال ناظر زهی خسارت که دیده دل از لقا او

رداشته سوئی دیگر نگری و طریق رضای وی گذارشته  
دیگر روی دل از همه بر کن و در خدای بند و از همه یکدل و حق  
بموند که جمال و کمال که در جمیع اشیا، که ظاهراست از سیر و جمال  
و کمال اوست پس هر که دانا دانی اثر و انانی اوست هر کجا بینا  
بینی ثمره بنیانی اوست پس باید که از هر کجای راه بری و از تقیید حق  
تعالی روی آوری چه که آدمی بسبب سمایت در غایت گفت  
است اما بحسب لطافت روحانیت نهایت لطافت بهره توهم  
کنند رنگ آن گیرد و بهره روی آرد حکم آن پذیرد پس ایدوست  
بکوشش و خود را از نظر خود بپوشش و بر کاری اقبال کن که ترا  
برخصیت مشغول گرداند و ترا از تو براندازد چنان ما دوست آن مانس

که جان تو

که جان تو آمیزد و هستی تو از تو بر خیزد و این معنی عین ذکر ملک  
 حقیقت است در حدیث در بیان محبت و آداب چند چیز است  
 و مضمونی از آن سرور کائنات و خلاصه موجودات صلوات الله تعالی  
 علیه و علی آله و اصحابه و سلم نقل است که وقتی اعرابی در مدینه آمد  
 گفت یا رسول الله ترا سخت دوست میدارم و مسکن من از مدینه دور  
 است در این باب چه میفرمائی آن سرور از دلنوازی نمود و صلی الله علیه و  
 علی آله و اصحابه و سلم المرامع من احب یعنی هر که با دوست خود  
 است بکلم محبت هر چند ذرات و شخص دور است ایدر ویش  
 همه سوختگان آتش محبت او امروز زنده باین حدیث اندیشه  
 هر که این جای آشنای یافت او را از آن تجلی یافت روشنای یافت او

زان بجلی هر که در سحر محبت بند شد تا ابد هم محرم و هم زنده شد  
 از اینجا است لا بعد مع المحبة عیت صدره را ان شوی که سب است و اول  
 عرب شباک نبود چون دل لیلی است یا مخنون کی بد آنکه لفظ ادب  
 عبارة است از نخستین اقوال و تهذیب افعال و افعال و دست  
 افعال قلوب و انزانیات خوانند و افعال قوالی از اعمال  
 خوانند و اخلاق و نیات باطن تعلق دارد و اقوال و افعال ظاهر  
 نسبت دارد پس هر دو درت است که ظاهر و باطن و قول و فعل  
 و نیت بحسن اخلاق آراسته بود و چه خلقش مطابق قول وی  
 بود و نیتش موافق عملها که نماید باشد و چنانکه باشد نماید و اگر  
 بیان حالی و مقالی خلقی در زبانش رود و خود را بدان مرتصف نماید

از ابوی او ب خود دانسته تدارک آن نماید چه مناط  
 واصل این کار تہذیب اخلاق است، آن ایدر رویش آن خوب  
 حق شیخ محیی الدین میفرماید رضی اللہ تعالیٰ عنہ وکل من لیس له  
 فهو محفوظہ الخالق وخالق کل وقت لیس فیہ اوب فهو مقت للبد  
 من حسن الادب مع اللہ تعالیٰ لیس بیاکل حفظ آداب ہم شمره  
 محبت است ہم تخم محبت بر چند محبت کمال تر محبت را اہتمام بر  
 رعایہ حفظ آداب حضرت محبوب بیشتر بر محبوب و زیادہ بر سر  
 کہ در اول او محبت را نسخ ترا اہتمام او عبارات آداب آنحضرت  
 صلے اللہ علیہ وعلیٰ آلہ واصحابہ وسلم بیشترہ چہ نزد اہل ایمان و  
 ارباب عرفان مبین و مشخص است کہ حضرت رسالہ بناہ محمد مصطفیٰ صلے

غیر رعایہ آداب است

ہم محبوب الہ است وہم وسیلہ حضرت با و شاہ تعالیٰ و تقدس  
پس محبت الہی صدق محبت حضرت رسالت نبیہی کند صلے اللہ تعالیٰ  
علیہ و علی آلہ و اصحابہ وسلم پس چون گشت کہ ہر کجا محبت الہی دست  
و کمال بود رعایت آداب آنحضرت لازم باشد پس عموم اہل ایمان  
خصوصاً اہل کشف و عرفان رعایت آداب حضرت نبوت و جہت شام  
جناب رسالت لازم و واجب بود و آنسرور عالمیان علیہ الصلوٰت  
و السلام اگر چه بصورت جسمانیہ از نظر ظاهر نبیائمان غائب و پنهان است  
لکن بفقہ روحانیہ بنظر اہل بصیرت مکشوف و عیان چہ صورت شریعیہ  
آنحضرت قالب روحانیہ است صلے اللہ تعالیٰ علیہ و علی آلہ و اصحابہ وسلم  
مادام کہ او در عالم باقی صورت او با معنی حاضر و اما در حیات او

بار و احوال و نفوس امت مثل و متواتر و مصداق این کلام قدیم  
است که یا ایها الذین آمنوا استجبوا لربکم و لمرسول اذا دعاکم لما  
یحکم و صورت هر چند بدینوجه رابطه فیض حیوتت بوجهی دیگر واسطه  
حیوتت و معارف آداب لغز استقامت و رابطه محبت و در کمال  
شرائط دوام حضور ملاحظه آن محبوب و مراقبه قلوبت بدو  
صلی اللہ علیہ و علی آلہ و اصحابہ وسلم بدانکہ همچنانکہ حق سبحانه و تعالی  
بپوسته بر جمیع احوال ظاہر و باطن مطلع و مراقب وانی حضرت  
رسول را صل اللہ علیہ و آلہ و اصحابہ وسلم نیز ظاہراً و باطناً بر خود  
مطلع و حاضر وانی تا مطالعہ سورت تعظیم و وقار آنست و همیشه بر  
حفاظت آداب حضرتش دلیل بود و مصداق این کلام حضرت

باید که

غوث اعظم است رضی اللہ تعالیٰ عنہ طہر الی الحق غرور بن نجاشی  
 الکتاب والسنة اوغل علیہ ویدیک فی یدرسوال اللہ صلی اللہ  
 تعالیٰ علیہ وعلیٰ آلہ واصحابہ وسلم اجعلہ وزیرک وبعثک  
 فرغ فی یدہ نذیرک ومنتطک صنک علیہ ہوا حکم بین  
 الارواح المرئی المہین امیر الصالحین تمام الاحوال والمعانی  
 پنہم لان الحق فرض ذلک الیہ واجعلہ امیر الکمل الصیاقال فی  
 اللہ تعالیٰ عنہ یا قوم اقبلوا بنکم واحلبوا صدی قلوبکم بالواد  
 الذی قد وصفکم لو ان یاخذکم مرضائہ و فی الحقیقہ ہو  
 بکر انجست سدرق توجہ و حسن ادب جا داوند لا بد بر قدر  
 قابلیت واستعداد یابی از ایمان عیانی بر روی حال او

کن  
 ادب

کونما و ناز و نیر از مخالفت آن محب و محبوب صلوات اللہ تعالیٰ علیہ و علیٰ  
 آلہ و اصحابہ وسلم شرم داری و بهیج و قیقہ از و قائق آداب صحبت  
 او از تو کن داری مصحح ابن نیر کلام غوث اعظم است رضی اللہ تعالیٰ عنہ  
 الشریعۃ المحمیدیۃ ثمرۃ شجرۃ و الوجود الملتہ الاسلامیۃ شمس  
 اصابہ و نبورۃ ظلمۃ الکلون اتباع شرعہ تعطی سعادۃ الدارین فائدہ  
 ان تخرج من دائرۃ ایاک ان تفارق اجماع اہلک فی قلوب حساب  
 الشرح الاعظم و دائع حکم و فی اسرار صاحب القاموس اللاکبر خیرین  
 جواهر الغیب اجعلہ قبول امرہ طریقک الی اللہ تعالیٰ ضمیر کعبہ عقلمک  
 مہبط املاک کلمات احکامہ من کونہ ضدہ غمام اقوالہ شرب عکاشر  
 الارواح فی عیون حیات الفاظ و معظم ادب انشیت کہ در خاطر

خود راه ندی که هیچ آفریده را آن کمال منزلت و علم و تربیت  
 که او را بود ممکن باشد با هیچ سالکی بحضرت عزت جلیله را  
 تو اندر یافت الابدالات هایت او با ولایت هیچ ولی قوه  
 تکمیل و ایشاد و گیری بود الاقیاس از نور ولایت او با هیچ  
 واحد بقایار که از ما و او مستغنی گردد هر چند مرتبه کمالیت  
 رسیده بود چه نفس جمیع موجودات روح مطهره نبوی و  
 نفس مقدسه مصطفویست و بی واسطه هیچ مدد از حضرت حق  
 سبحانه و تعالی فائز نگردد و آنکه تقییر شیطان مقرر شد در  
 خاطر او استقلال و استغناء راه یابد ببنگ مکلور و مستبرج  
 و مردود و مطرود او بود و لغو و بالذمه الجور بعد الکلور و بیکر پس از

ارنایلی

۶۷

از تاسیس قاعده اعتقاد کمال متابعت است و طریقت اوصیاء  
تعالی علیه و علی آل و اصحابه و سلم بروام جد و جهد باید که در متابعت  
آن سرور غایت جهد مندرج و داری و احمال را جایز نداری مصداق  
این نیز کلام حضرت غوث اعظم است مناط هذا بطریق اقامت  
و طایف خدمت الشریع اقرب الطریق الی الله تعالی لزوم قانون  
العبودیه و الاسماک بعروة الشریع الاسلامیه و الاستقامه  
علی جاوده التقوی یا غلام علیک جد و دوشریع و المحاصصه للنفس  
یا غلام خذ الاقسام بید الشریع اذ اکت مریداً و کبره نسیه از  
سنتهای آن سرور بنابه عدولی باری از در باری و هو نبوی مشوب  
شده که از مرد و فیضان و جریان او در زمین قلوب امت محبوب

محبت و ریاضت یقین و بیکارگی که بدو نسبت صورتی و معنوی  
 دارد و چه از سادات عظام و علما و با صد تعالی و مثل نوح طریقه همه را از  
 محبت آن سرور صلی اللہ تعالیٰ علیہ و علیٰ آلہ و اصحابہ وسلم دوست و آری  
 فی العمل باید که در سایر حالات از اعتقاد و اقوال تعظیم و توقیر آن  
 جناب راصد اللہ تعالیٰ علیہ و علیٰ آلہ و اصحابہ وسلم با تعظیم الہی معارف  
 داری و طاعت او را با طاعت حق سبحانه لازم انگاری چه ایمان بجا آید  
 و کفایتی او بی معارف ایمان بان جمیع احوال بر رسالت او درست  
 و مقبول نیست و بیکرسانی که او ای و ائیس بی نیست و راتب بخصرت  
 عزت طریق و حصول نسبت بلکه تعظیم و طاعت و ریاضت تعظیم و طاعت  
 حق تعالیٰ دانی و دیگر از مشکوٰۃ نبوت از انوار قرب الہی و اجمال با کمال

حضرت رسالت نبی صلی اللہ تعالیٰ علیہ وعلیٰ آلہ واصحابہ وسلم بر تو  
 لامع و طاہر گرد و باید کہ تو انی قدم بر بساط انبساط نبی بلکه خدمت  
 جاہ و جلال آنحضرت را لمحوط و منطورو استہ از دائرہ ظاہرہ  
 شرفیہ قدم بیرون نبی مصدر حق این نیز قول حضرت غوث اعظم  
 است فاحذرہ ان ینخرج من دائرہ ایاک ان تفارق اہل علیک  
 بحدود الشرح فی قلوب صاحب الشرح الا اعظم و دواعی بدائع احکام و فی  
 امر اس صاحب القاموس الا کبر خزانہ جو ابر العیب اجعل قبول امرہ  
 طریقت الی اللہ تعالیٰ یا قوم اعلو اہذا الظاہر ہذا السواد علی  
 البیاض مع حکم العن باطن الامر او اعلت بہذا الظاہر اراک الی  
 فہم الباطن و یکثر غیب از ادنی افادوی آداب است کہ تبر غیب

و تہیب و وعید بادشاہ و مکتبیں و مجال سخن و بار یافتن  
 در حضرت اوم تہیب التہم و در رعایت آداب حقوق اطفال و غیرہ  
 و آثار و اخبار فراموشی نکتنی و از حد رسوخ عبودیت و اظهار  
 مسکت تجاوز نکتنی تا در زمرہ ملاحین نمویں مکر وی اللہم صل  
 علی محمد و علی آلہ و صحبہ اجمعین فصل پنجم در آداب مرید  
 باشیخ بدانکہ مرید را رعایت آداب صحبت شیخ لازم و واجب  
 طریقت است چہ حفظ آن سبب جلب دلہا است ازین روی کہ  
 جمال شاہدہ روح و کمال عقل جز در صورت محالین آداب کہ عبارت  
 از تہذیب اخلاق نتوان کرد ہر گاہ مرید در صحبت سہج شیخ  
 مودوب بود و در دل شیخ نیز محبت جائی گیرد و منظور نظر رحمت

الہی کردہ و بواسطہ استقرار و مکن در ذل شیخ برکات و آثار حجت  
 الہی فی حق ما تمنا ہی علی سبیل التواتر و التعاقب شامل حال وی شو  
 بر قبول شیخ ویرا علامتی صحیح و دلیل صریح بر قبول حضرت سبحانہ و تعالی  
 و حضرت رسول صلی اللہ تعالی علیہ و علی آلہ و اصحابہ وسلم مکافات  
 بعضی حقوق ترزیب شیخ جز مجراعات حسن ادب او اوتوان کرد  
 پس تو قیصر و تجلیل شیخ کہ نسبت ابوت مغوی دادند او آن جمع بود  
 از حقوق بزرگ و اہمال آن عین تقصیر و حقوق در خبر است  
 مَنْ لَمْ يَخْلُ كَيْبَرًا وَلَمْ يَرْحَمْ صَغِيرًا وَلَيْسَ مَنَّا يَعْرِفُ عَالِمًا حَقًّا  
 ہر کہ با دل حقوق شیخ کہ سببی از اسباب قرب ربوبیت سزاوار  
 است قیام نماید از او حقوق الہی فاصلہ دین من ضعیف الرب الاوئی



و مِرَاةِ اَعْمَالِكِ اِحْيُوْبِنِي فَاِنِّي وَاِعْيِ الدُّعَا وَجَلَّ اَوْعُو كَلِمَ اِلَى بَابِهِ وَطَلَعَتْ  
 وَاَلَا اَوْعُو كَلِمَ اِلَى الْفَيْسِ وَكَبُرُو وَاَمَّ اَثَبَاتِ غَرْمِيَةِ مَلَا زَمْتِ شَيْخٍ بَايِدُ كِهْ جَبَانِ  
 تَقْوَمُ مَعْرُودِ اَرُو كِهْ فَتَحْ بَابِ مَعْنَى اَز مَلَا زَمْتِ وَخَدَمْتِ شَيْخِ نُو اَهْدُ بُو دُو و  
 پَسْ جَبَانِ الْكَا رُو و بَرُو وَهَمْتِ بَدُو كِهْ يَا بَرِغْبَتِ اَوْ جَانِ سَبَا رَمِ  
 يَا مَبْعُودِ رَسْمِ وَ مَصْدَاقِ اِيْنِ قَوْلِ بَرْدَانِ اَنْتَ كِهْ بَرُو و قَبُو لِ شَيْخِ  
 بَرِ كَرُو و جِهْ مَشَايِخِ رَا و تَقْفُصِ اَز اَحْوَالِ مَرِيْدَانِ اِمْتَحَانَاتِ مَحَلِّهٔ سَبَا رَا  
 كِهْ مَصْدَاقِ اِيْنِ نِيْزِ كَلَامِ اَنْ مَجْهُوبِ هُو شَيْخِ مَحِي اَهْمَقِ وَاَلْدِيْنِ اَسْتِ كِهْ  
 اَنْتُو اَعْلَى خَشُوْنَةِ كَلَامِي وَ قَدْرِ اَلْحَمْدِ يَا اَعْلَامُ تَهْ تَهْ كِهْ سَمَاعِ هَذَا الْكَلَامِ و  
 وَ لَقَدْ نَسِيتُ فِي صَوْمِ مَعَكُمْ مَوْعُظَكَ وَ هُوَا كِهْ يَا اَعْلَامُ سَا فِرَا لِفِ عَامِ  
 تَسْمَعُ مَعِي كَلِمَةً يَا اَعْلَامُ الْوَلَايَةِ مِيْنَا الدَّرَجَاتِ مِيْنَا وَ فِي مَجْلِسِ تَمْلُوعِ

انخلع دیگر تسلیم کردن مرید در تصرفات شیخ نسیب تصرفات او در نفس  
و کمال خود کشوده دار و هر چه فرماید متقا و تسلیم و راضی بود کما قال  
المحبوب رضی الله تعالی عنه کُنْ اَبْرًا مَعَ الدَّيْلِ اِلَى اِن يُوَسِّلَكَ اِلَى  
الْمَنْزِلِ لِاتَّخِذَ مِنْ رَأْيِهِ لِاتَّخَالَفِ قَوْلِهِ فَاِنَّكَ تَصِلُ اِلَى مَقْصُودِكَ دِيْكَر  
ترک اعتراض است ظاهراً و باطناً و در خود چه مجال اعتراض بر تصرفات  
شیخ ندهد در هر گاه از احوال و اقوال شیخ بروی مکتل آید و وجه صحت  
آن بروی مکتوف نکود و علم را بدان راه بود و حالت با تصور فهم و  
قلته علم خود کند نه فساد تصرف او مصداق این نیز کلام آن محبوب  
حق است رضی الله تعالی عنه ان اهتمت شئک فذل تصبی فانه لا تصح  
لک صحبة و الا راوة المرئض او الهم الطیب لم یسیر بدار و انه هتمة

۴۵

فی حاله و لامقاله و لا افعال صحتک کصحة التباع احمیات لا تنظر الی  
فقرة و نقصان نسبة و اختلاف حاله و طریقه و تصور عبادتہ فان فی باطنه لا  
فی ظاہره و انتظره تا یکر سلب اختیار مرید است در تصرفات و  
اختیارات شیخ چه از امور دنیا و دین از کلی و جزئی چه از خوردن و امید  
و پوشیدن و بخشیدن و حسیدن و در گرفتن و دادن و از قسم  
عبادات چه از روزه و نماز و افطار و اکتان و نوافل و اختصار بر فرقی  
و ذکر و تلاوة و مراقبه بی اجازه و اذن و تعیین شیخ نکند مصداق  
این کلام غوث اعظم است رضی اللہ تعالی عنہ لا تخرق حده کن غلام  
الدلیل تبعه انکر رحلک بین یدیه و شہد عمارة من یمینہ و  
تارة عن شمالہ و تارة ورائی ظہرہ و تارة عن امامہ لا تخرج عنہ رایة

لا تخالف قوله فانك يسأل الى مقصودك يا غلام دِع النفس والهوى  
 كن ايضا تحت اقرام هؤلاء القوم ترايا بين ايديهم ديكر مراعات خبليات  
 نيحيت بايد كه هر كاري كه اكر اه شيخ بران بود اقرام نمايد و سبب  
 اعتقاد حسن خلق و جمال علم و مدارات و عفو شيخ آنرا اندك و حقير  
 نشمارد چه نظرات ضميمه كبرامت و رضا در نفوس مریدان انبياء  
 تام دارد كما قال العرش الاعظم رضي الله تعالى عنه ارضا ه كنيد كنيم ستم  
 سباعه لا و يا كنيم و سبب لذت و كنيم و اخر كنيم ديكر رجوع كردن  
 است با علم شيخ در كرتف و موقلوع بايد كه در كرتف واقعات كه در  
 خواب بود يا در بيداري با استقلال در آن نصيحت جازم نشود بلكه  
 بعلم شيخ تفويض كنند چه تواند بود كه منشا دان واقعه ارادتي بود كه

در نفس میرد و علم او بدان نرسیده باشد و از اصدق دانشواران  
 خلفها، متمول که در و کوشش عرض کند هر چه شیخ از روی وسعت علم و  
 یقین فرماید و تنفیذ آن سعی نماید که مصحح این کلام آن محبوب حق  
 است رضی الله تعالی عنه و ارضاه لا تخج عن رایة لا تخالف قوله  
 وهو المعبر والعبارة بغيره فقبل ما نفتح الله على لسانه ویده دیگر صفاء  
 سمع سمع است یا کلام شیخ پیوسته منظره بود که از زبان شیخ چه  
 بر آید و زبان ویرا وسطه کلام حق است و انسته یقین دانند که او  
 بخدای کویاست نه بهواد و دایم مترصد و حاضر باشد تا از فوائد کلام  
 شیخ محروم و بی نصیب نماند و مصداق این کلام حضرت غوث است  
 نبی الله تعالی عنه و ارضاه انما الکلم عن یقین لا شبهة فیه او مفاخر

والدیہ علی العاقلة بقرب ربی و جلالة سبائكک حتی یدری بحقیقہ علیک  
یا عبدالقادر تکلم فانتک من الودو باید کہ میان کلام شیخ و حال خود  
و هم مناسبت و مطابقت جوید و چنان اظہار کہ بر ورق زبان استعداد  
صلاح خود میجویم و مناسبت استعداد از بطون غیب خطاب وارو  
میشود و هنگام مکالمت با شیخ از ہوا نفس برآید از اظہار دانش و  
معرفت خود و حرکت نیارد و در صورت حسن کلام عرض کند چیزی بان  
آرائی حضرت او از تمام ارادہ و وراعت و صداق این کلام حضرت  
عونت اعظم است ربی اللہ تعالی عنہ و انشاء حسن او یک بینید  
مسلک و لکن بہمتک اکثر من لظاک فان ذلک سبب تعطلک  
و قراب الہ فایہ و گیر عرض صوت است باید کہ حضور شیخ آواز

بنا کند چه برقع صوت نرود اکابر نوعی از ترک او است و رفع و  
ارت تعلقت که روزی میان حضرت ابابکر صدیق و عمر فاروق  
رضی اللہ تعالیٰ عنہما و حضور حضرت رسالت پناه صلی اللہ تعالیٰ علیہ  
و علیٰ آلہ و اصحابہ وسلم بر قضیہ تازیان روی داد حضرت با آواز بلند  
فرموده اند آیت کریمہ تاجریا نازل شد کہ یا ایہا الذین آمنوا لاترفعوا  
اصواتکم فوق صوت البیئیس از زوال آیت کریمہ این دو روز چشم  
چندان غضب صوت میگردند کہ این مجلس بد شواری فهم میگردند  
از آن برای تسلی این و وزیر گوار رضی اللہ تعالیٰ عنہما آیت نازل  
شد کہ ان الذین یغضون اصواتهم عند رسول اللہ اولئک  
الذین امتحن اللہ قلوبہم للتقویٰ و ویکر منہم نفس است از مباحثه

باشنخ قولاً وفعلاً چه بسبب انبساط انتشام و وقار بر بنشیند و طریقی  
فیض مبرور و کرد و باید که هنگام مکالمت یا سیب یا یا مولد  
کوید و طریقی تعظیم و احترام مرعید و نقل است که در استبائی اسلام  
صحابه کرام رضوان الله تعالی عنهم اجمعین یا احمد یا محمد گفتند تا  
خطاب آبی تا و یا و تعلیماً و رو یافت که تجر و اله بالقول کتبه  
بعض کم بعض ان تحط اعمالکم وانتم لا تشعرون پس از نزول آیه  
کریمه یا رسول الله یا نبی الله گفتند و بیجا که مراعات آداب  
کلام مقرر است و غایت آداب آداب فعلی نیز لازم است اول آنکه  
حضور شنخ سجاوه نیندازد الا در وقت نماز و در مجلس سماع از  
حرکات و زرعفات خود را نگاهدارد و تا تواند و ممکن بود حضور شنخ حرکت

بگذرد و خنده نیز ترک نماید و بیکر معرفت اوقات کلام است  
 از چهار است یعنی و دنیوی که بعضی شیخ رساند اول مخصوص حال  
 شیخ شود که در وقت او کنجائش سخن است یا نه بطریق استعمال  
 مکالمت با و نماید و پیش از سخن کردن با حضرت غرت تقدیس  
 و ثغالی انابت نموده آداب مکالمت با شیخ است و از حق تعالی  
 کند تا در تقرب بحضرت مثل و مانند آن صدقه کند که اصحاب کریم  
 رضوان الله تعالی علیهم اجمعین در تقدیم آداب مکالمت این  
 سرور انبیا صلی الله تعالی علیه و علی آله و اصحابه و سلم بابت کریمه  
 مامور شدند که یا ایها الذین آمنوا اذنا ما حکیم الرسول فقد موافقین  
 یدی بخویم صدقه نقل است ابن عباس رضی الله تعالی عنه میفرماید

که سبب نزول آیه این بود که مردم حضرت سرور کائنات علیه و آله  
 افضل الصلوة واکمل التحیات بکثرت سؤال و الجاح در آن مبالغه  
 می نمودند و خاطر مبارک آنحضرت صلی الله علیه و علی آله و سلم از آن  
 مکره می شد که این خطاب نازل شد موافق از مشافق متمیز  
 غیر از حضرت امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه بدین آیه و بکار از اصحاب  
 کرام عمل نکرد و نیازی بخش آنحضرت آورده و به آن جمیب  
 سخن گفت آنست امیر المؤمنین علی رضی الله تعالی عنه فرموده  
 فی کتاب الله تعالی آیه ما عمل بها عمل قلیل و لا یعن بها احد لعبری و بکر  
 کتمان اسرار شیخ است به جای که از کرامات و واقعات و غیره که در تفسیر  
 آن رؤساء شیخ است و مرید را بر آن اطلاعی هست در افتشای مبارک

نمایند

نمایر چه شاید که شیخ را در تحت افتخار آن مصلحتی دینی یا دنیوی  
 باشد و علم مرید بدان نرسد و از اظهار آن من و متولد کرد  
 دیگر اظهار اسرار خود است که اسرار خود را از شیخ نبوتد و هر وار و  
 و اگر ای که روزه را در راه رسد تقریباً یا کثرتی برای شیخ  
 عرضدار و چه اظهار او بدو روی و سببی از اسرار خود که بعلم  
 آن منفر و بود سبب عقده راه او شود و در باطن که بدان عقده قوی  
 استمداد از شیخ مسدود کرد و چون با شیخ عرض کند بوجه شیخ نقد  
 و در اندک حال نریزد و معظم و مهم ترین ادب مرید با شیخ اینست که  
 حضرت قطب الاقطاب نورالاجاب العوث الاعظم شیخ الشیخ العالم  
 شیخ محی الدین سید عبدالقادر حسینی حسینی حیدری رضی اللہ تعالی عنہ

فلا تعجب

وإنما ضل علياً من موافقه بجاه جسمه وخيلته ونبيه صلى الله تعالى عليه  
وعلى آله واصحابه وسلم سيما كثيراً كثيراً به نياز من الله أن هو لم يجر  
لسان بيان فرموده که موافقانی و قد آیتهم احرق بنا صدق  
انرا و سنا تحرق بحجب الالبواب فلو سبى بنينا و بنك حجاب نراه  
کاترانا يا اعلام اجعلني امرأة قلبك و سرک و امرأة اعمالک يا اعلام  
اوامت ترانی و نحن فنی ترانی عن بینک و شماک و اماک قال  
رضی الله تعالى عنه فی قصیدته ذکر بی حلا و الابصار بعد انا ما و احی فواد  
الصب القطیعة ایضاً قال رضی الله تعالى عنه ان لم یکن مریدی جید  
فانا جید و من استغاث بی فی کره کثفت عنه و من نادانی باسمی فی  
تشفیه فوجت عنه و من توسل بے الی الله فی حاجه قضیت له و اذ

سالتما

سالتما الدفا سالوا بی مان ایدر ویش اگر وقتی در واقعہ مشاهده  
 بتعاویہ جمال با کمال آنحضرت مشرف شدہ باشی همان صورت جمال  
 بر آثار را علی سبیل دوام و التواتر در دیدہ خیال خود در وقت نصب  
 العین خود کردانی و دیدہ نصیرت را در آن خیال بدوزی و بیان  
 مستغرق مت آن تھا و باشی و در نش این کار نمایی کہ  
 ہستی خود را کم کنی و در خیال آن جمال از خود فانی گردی و چون این  
 نسبت درست گردی پس از آن بدانی و بہ نبی انمار النوار جمال کہ در  
 ہنال حال تو بر آرد چہ با بود و چہ باشد و اگر منہوز نسبتہ کہ تسلیم یافتہ  
 نبودہ است ندادہ باشد باید کہ علیہ آن محبوب حق کہ تخریر کرد و نصب  
 العین خود کردانی تا مابری از بند ولت کہ خوب و سعادت و وہان است

محرورم بنایستی که انفقیر نیز صورتی دارد و همین نسبت بری مقصود و مطلوب  
کیر و کان ضی الد تعالی عنه یخف البرن ریح القامیه عر لعین العنبر  
وعرض اللجیه و طولیها اسم اللون مقرون الحاجین یا غوث الاخر منا  
من منة برة جبالک و لا تفقدنا من مطاعة لقاک و لا تفسر علينا  
من مجتک و اوجس الیانا من مواهب عنایتک و فر ما یجبت لقاک  
اگر چه من کنا به کار بدار سبب مساوۀ کنان و تقصیر ایست که دارم  
قابل و مسخنی این نعمت نیتیم فیسیرنا قابل انت قلت و ان لم کن مرید  
جید فان جید انت قلت بغزت ربی و جلالی ان یرتبی علی یدی کاسماء  
علی الارض یا غوث اعظم انت قلت ان السعداء تعرض علی بس از  
نشاط و تی که دارم و بدان هم بگردان مرا سعید یا متعرف فی الوجود و تعرف

بنا ایلین بجا بک یا غوث انت قلت من ناوانی با سبی فی شدہ کشف  
 عنہ و عشر توصل بی الی اللہ تعالیٰ فی حاجتہ قضیت حاجتہ پس من کبهار  
 بدر کاه حضرت تو توصل کروم در دنیا و آخرت تو سل من در جہاد من منجصر  
 است بر غایت و لطف و کرم تو پس مرا از رحمت مایوس و نا امید گردان  
 که از غیر غایت تو هیچ بنیابی و التجانی و کبر ندارم و پیش که روم درو  
 بکہ آرم و لجا و ما و امی و پناه ما توئی پس حاشا ہ ان یحرم الراجی  
 مکارمہ او یرجع اجار منہ غیر محترم ای جللت و سعی یوم اللقا <sup>و لفظ</sup>  
 عبد القادر اجلا فی اللہ صل علی سیدنا و طبیب قلوبنا و جبینا و شفیعنا  
 محمد و آلہ و عشرتہ و اہل بیتہ و صحبہ و سلم تسلیما کثیرا کثیرا و اما ابا افضل  
 شش در بیان ادعیہ و اذکار مفرقہ من دعاه نبی اللہ تعالیٰ عنہ احمد

لدررب العالين عدو خلقه ورنه عرشه ورضاء نفسه ويداو كل مائة  
 ومنتهى علمه بجميع ماشاء وخلق ووزر وبرد عالم الغيب والشهادة  
 الرحمن الرحيم الملك القدوس الغزير الحكيم والشهيد ان لا اله الا الله  
 وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت بيده الخير وهو على كل شئ  
 قدير والشهيدان محمد وعبده ورسوله ارسله بالهدى ودين الحق ليطهر  
 على الدين كله ولو كره المشركون اللهم اصلح الامام والامة والراي و  
 الرعية والقبين قلوبهم في اخيراتهم وادفع شر بعضهم عن بعض اللهم  
 اصلح الرعات والرعية والعامه والنصبة صلاحا يقربهم الى معرفتك  
 ورضوانك واعصمهم من معصيتك وكفرانك واعظم بذاتك جمهور  
 عبادك في جميع بلادك انك جواد كريم بر روف الرحيم اللهم انت

٤٦  
العالم سرّاً فاصلي وانت العالم بعوينا فاسرِّ وانت  
العالم بجوارحنا فاقضها وانت العالم مبهتنا فاكفنا يا قاضي الحاجات  
ويا كافي المهمات اللهم لا ترنا حيث نبتنا ولا تقعدنا من حيث امرنا  
اغرنا بالطاعة ولا تد لنا بالمعصية اشغلنا بك عن سواك اقطع  
عنا كل قاطع يقطعنا عنك الهمنا وذكرك وشكرك حسن عبادتك  
لا اله الا الله ما شاء الله كان وما لم يشأ لم يكن ولا حول ولا قوة الا بالله  
العلي العظيم لا تخيبنا في عهدة ولا تأخذنا على عثرة ربنا لا تؤاخذنا بديننا  
او خطانا ربنا ولا تحمل علينا اصراراً كما حملته على الدين من قبلنا ربنا ولا تحملنا  
بالاطاعة لنا به وارعف عنا وارعف لنا وارحمنا انت مولانا فانصرنا على  
القوم الكافرين به انصر رب من مننته رضي الله تعالى عنه والنعمان

ويعلمون حقايقه اللهم اني اسالك بموضعات في قلوب المؤمنين وبنينا  
كمال جمال سرك في سر الر المقربين وابد قائق وحقائق طرائق السادات  
الفائزين وخبثات خضوع ودموع عيون الباكين ورحمات جفيف قلوب  
الخالقين وشمس غم خواطر الواصلين وثرين حنين انين المرارين وبتوحيد  
تمهيد السنة الكريمة ورسائل وسائل الطالبين ومبانيخات لمحات  
نظرات اعين عيون اليقين ووجود وجودهم بك وغوامض سر  
المجيبين اسالك اللهم بحرمه الرسائل والوسائل والمسائل ان تفرس  
في حدائق بيان قلوبنا اشجار توحيدك وتجييدك وتسطف منها نمار  
تسبيحك وتقدريك بانامل الكف اجزاء لطفك واحسانك اللهم الكشف  
عن لباير البصائر ما يحجب الاجتهاب واجعلنا ممن دعيت جوارح اركانك

طردك

في منك فاجاب واجعلنا اللهم من خواص اهل العناية والاجاب  
 من سبحك اللهم ان ارض قلوبنا مجذبة يا رب عابث فاسقيا  
 اللهم من سبحك ابطال الولاية تصح محضرة جميع رياض القبول و  
 الايمان متحقق من كاتم انوار طقبات الهدى الروية والاعيان مترنم  
 لب بلبال ترجمتها كبديل البديل في افان الاعضان شاكرة ذكرة  
 على ما اوليتها من فراء النعم والاحسان اللهم من الاعاء ومنك  
 الاجابة ومن الرحي بسهم الرجاء ومنك الاجابة صاجا فاجعلنا منك  
 اللهم يا مولانا من دعا محبوبه فاجابه واعطاه ما تمنى عليه وما اجابه اللهم  
 ونحن عبيدك الفقراء المساكين والافيين على عبته باب جاك ساحت  
 الطافك منتظرين لشركته من حما خذريس رحمتي غاية شرايك

تصبح بآثاء، ووالها ابنا من سكره لحظه خمارك اللهم اجنا من  
جذب به اليك خطاء الهمم من الله متعلقه باذبال المعروف والكرم  
وقد حطت الاجال اجالها على ساحة جناب قوك معطرة بنام  
سلمات تريك وانك مشجرة بك ابا الملك الديان من مبر  
علمان العظيمة والهجوان اللهم فاسمع سهليا اليك فقد توكلنا في جميع  
امورنا عليك لا نلجأ، ومنجا عنك الا اليك يا ارحم الراحمين وصلى الله  
تعالى على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه وسلم كلما كثرة اللهم اننا لك  
ايانا يصلح للفرض عليك وايضا انفض به في النعمة بين يديك وعصمة  
ينفدنا بايمان وطلايت الذنوب ورحمة تظهرنا بايمان ونس  
العيوب وعلما نفض به او امرك ونوابك وبقها نعلم به كيف تبارك

واجلنا في الدنيا والآخرة من اهل ولايتك واولاد قلوبنا بنور منك  
وفا كل عيون عطفونا بآعد هدايتك واجرس اقام اوخارنا من  
الف مواطى الشبهات وامنع طيور نفوسنا من الوقوع في  
شباك موبقات الشهوات راعنا في اقام الصلوة على ترك  
الشهوات وامنع سطور سيناعنا عن جرائ اعمالنا بايدي اوصيات  
كن لنا حيث ينقطع الرجا منا اذا اعرض اهل الوجود لوجودهم عنا  
حين تحصيل في ظلم اللغو وبران افعالنا الى يوم الشهود واجبر عبد  
الضعيف على بالف من العصمة من الدليل ووقفه حاضرين لصالح  
القول والعمل واجبر على لسانه ما ينفع به السامع وندرف له الدر المع  
وتلف له القلب انما شاع واعف له المحاضرين برجميع المسلمين اللهم انا

نغز و یک نغزک من صدک و بقر یک من طردک . بقر یک  
من روک فاجعلنا من اهل طاعتک و روک و اهلنا الشاکر  
و حدک نقل است حضرت غوث اعظم فرمود رضی اللہ تعالیٰ عنہ  
چون آواز و اصوات مردم فراهم شود و خلایق بخواب روند  
نیم شب هر که بفرود و تجرید وضو کند و دو رکعت نماز بکند و بگوید  
یا ربُّ اللّٰہِ علیَّ عبیدُ عبدک المتقرِّبِ منیَّ الیَّ ربِّ علیَّ  
طرقک السببُ الالابنه اللّٰہِ الی ویرایگی از دوستان برساند  
تا سوی حق ویرا بنمون کند چہ کشف امور معب و کفایت مهمات اہم این  
دو بیت را بعد از اوصاف ذکر و عود کند با رعایت آداب شراطی کہ  
اول آن درود بر آن محبوب است صلِّ اللّٰہُ علیہ و علیٰ آلہ و صحابہ وسلم



کرة هو العلي المحمدي و بعد از نماز عشا هزار بار بسم اللطيف انجیر بايد که  
 هر روز بدین اذکار سوره را و مرت کند سوره جمعه یکبار و سوره  
 اخلاص و فاتحه و سبحان الله و الحمد لله الی اخره و در روزان مخصوصه  
 صلوات الله تعالی علیه و علی آله و اسما بیه و سلم هر که را می از سوره و کلمات  
 مذکوره دعا کرة در خود سازد و تعالی متبه که وقتی با دوشاه عصر لازم  
 حضرت غوث اعظم رضی الله تعالی عنه آمده زمین بوسید و عرض  
 نمود که عمر بنده بکبر سن رسید و فرزند خود رسال دارم و دشمن بر  
 ما غالب اند دنیا به بدرگاه شما آورده ام آنحضرت سر بر اقبه فرورده  
 بعد از زمانی سر بر آورد و فرمودند که بیا ای سائیل و نبولیس و بخوان  
 این دعا را که از پروردگار بطلبم که دشمن بر تو و بفرزندان تو

اللهم انزل بری

ظفر نخواهد یافت همین حکم است هر که در صبح و مسا این دعا را  
 در روز و سازد پس از آن شیخ علی مہدی کہ اجلہ و منیلح وقت بود  
 ہمین شیخ نکاشف شد بر عت در ملازمت آن محبوب حق  
 رضی اللہ تعالی عنہ آمدہ عرض حال نمود خلیفہ وقت دعا را آورد خود  
 ساخت مراد بی کہ داشت بی فوت خصم نہا بود شد بی مرادت  
 اغیار بعد و بی ملک بفرزدان او ماند دعا و نیست بسم  
 الرحمن الرحیم یا حی یا قیوم یا علی یا ولی یا وئی یا علی یا حسن الذی  
 والاخرۃ ورحیمہا سالک ان تعطیني منها ماشاء وترزق منها  
 ماشاء یا الہ الا انت جل جلالہ ربی فقار غر بی فقہر معین کن  
 حصہ و ذکر الہ ذکر الاکبر و الاحول علی اللہ تعالی علی صیر خلقہ محمد و آلہ اصغر

از برای کفایت مهمات و دفع اعداء و توسیع رزق و وقت صبح  
و روز خود سازد و از روز بخشنه شروع خواندن کند بسم الله الرحمن الرحیم  
سبحان الله القادر القاهر القوی الکافی یا حی یا قیوم لا حول ولا قوة الا  
بالله العلی العظیم و صلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین جبه نصرت و  
دفع اعداء العباد بر نماز فرض چهل کرة بخواند اول و آخر درود بر آن  
سرور کائنات فرستد بعد از این دعا بخواند یا من لفر و بنصره  
الضعفاء و المظلومین و اخلص کلهم عجزوا عن ذکاک اللهم اسر  
لسان اعدای و لا تنس بی الا اعدای عدوی و لا حاسدی اظفر  
لی علی جمیع اعدای بر حماک یا ارحم الراحمین بعد از خفتن چون خواب  
که بخواب رود این مناجات و روز خود سازد بسم الله الرحمن الرحیم

لکھا خداوند ابا و شاہ حقیقہ اگر از من کنایہ یا خطائی و کفری و باشد کہ  
 و بار یابی کنایہ کبری یا کنایہ ضعیفی یا نیمستی یا زانی یا غیبی یا طبی یا غیبی  
 یا بہتانی یا کذب یا الہوی یا سہوی یا حسرتی یا حسدی یا حسرتی یا عجیبی یا  
 کبری یا ناطقی یا ناطقی یا حرامی یا کرامتی یا تحریمی یا ترک انامتی یا خانی یا  
 ظلمی یا تعدی در حق آدمی یا جانوری یا ترک حق استادی یا پیری یا  
 مادری یا پدری یا بریکی را کہ ایشان بفرمان خداوند تعالی و خبر رسول صل  
 اللہ تعالی علیہ و علی آلہ و اصحابہ وسلم می شاید یا فسقی یا فجوری یا بدعتی  
 یا ناکردنی یا غلطی یا تقصیری یا آنچه غیر فرمان خدا تعالی است و آنچه خبر  
 فرمان شہ عسرت علی یا بفراموشی کردہ باشم یا در خاطر آن گذشتہ  
 باش۔ یا بر زبان رفتہ باشد قولاً و فعلاً حاضرًا و غائبًا و ناظرًا و ناظرًا و ناظرًا

و سراً و جہراً بدستیک کردیم از بجز کلمات آن باز آمدیم و پشیمان و  
تائب شدیم و توبه نفعو حاز تو طلب میکنیم که بار دیگر این در وجود من  
در نیاید و عجز دوام ناکر و دیده نکنم و از سر مسلمان شدم و ایمان آوردم  
بحق و صمیمیت جن جلاله و آنچه خدا تعالی فرموده است از آن نیز ارم و ایمان  
آوردم بدینچه آورده محمد الرسول الله صلی الله تعالی علیه و علی آله و اصحابه  
و سلم یقین و صدق دل بگویم لا اله الا الله محمد الرسول الله استشهد  
ان لا اله الا الله و حده لا شریک له و انشبه ان محمدا عبده و رسوله  
سبحان الله و احمد له و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله  
العلی العظیم امنت بالله و ملائکته و کتبه و رسوله و الیوم الآخر و القدر خیر  
و شره من الله تعالی و النعت بعد الموت امنت بالله كما هو باسما

وصفاته و قبلت جميع أحكامه الهی بهم بن اقرار و تصدیق و بر جمع عثمان  
 دار بختی محبت حبیب خود محمد الرسول الصلی الله تعالی علیه و علی آله و  
 اصحابه وسلم خراوند کارهای دینی و دنیاوی تو سپردم و تو  
 بنام نیام و از تو سوال میکنم اللهم انما سالك العفو والعافية والمعافاة  
 فی الدنيا والآخرة واختم لنا بالخير بحرمة النبي وآله اجمعین بر جنتک یا  
 ارحم الراحمین پس از آن این مناجات که از انشاء حضرت عونت اعظم  
 است بخواند ربنا لا تؤاخذنا ولا تعزبنا من الذنوب السمع والبصر والقول  
 والبدن والقلمین عمداً اولئنا لیکلاً ونهاراً ابراهیم او جهرراً او  
 علانیه و التوب الیه من هذا الذنوب کلها واقول اشهد ان لا اله الا  
 الله و اشهد ان محمداً عبده و رسوله اللهم لا تجعلنا من مجرمین و تهاک

فَقَامَ مِنْ شَرِّهِ وَالْأَرْبَعِينَ بِبِرَّةِ الْقُرْآنِ وَبِئْسَ الزَّمَانُ وَبَلِغْ رُوحَهُ مِنْ  
 تَحِيَّةٍ وَسَلَامًا يَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَنْ صَلَّى عَلَيْهِ وَصَلَّ عَلَى  
 مُحَمَّدٍ لَعِبَ وَمَنْ لَمْ يَسَلِّ عَلَيْهِ وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَأَنْتَ تَرْضَى أَنْ تَقْبَلَ عَلَيْهِ وَ  
 صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَأَنْتَ تَأْتِي بِالسَّلَاةِ وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَأَنْتَ تَبْعِي السَّلَاةَ عَلَيْهِ بِرَحْمَتِكَ  
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنَا مَجْهُوبِينَ عَنِ الْقَائِمِ فَقَامَ مِنْ شَرِّهِ وَالْأَرْبَعِينَ  
 بِبِرَّةِ الْقُرْآنِ وَبِئْسَ الزَّمَانُ وَبَلِغْ رُوحَهُ مِنْ تَحِيَّةٍ وَسَلَامًا أَلْفَ  
 أَلْفٍ فِي جَهَنَّمَ وَفِعْ بَلِيَّاتٍ وَكُرُوءَاتٍ وَوَصُولَ بَرَكَاتٍ وَخَيْرَاتٍ  
 وَرُوقَ بَرَاهِمٍ لَوْ بَرَّيْنَا أَوْ كَارِ مَوَاطِلَتِ نَمَائِدِ نَيْسِ كَرَةِ سُوْرَةِ فَاتِحَةٍ وَجَلْبَابِ  
 رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ لِنَأْكُلَ مِنْهَا لَأَوَّلَ مَا دَخَلْنَا وَأَيُّهَا  
 مَلَكُ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَبِسْمِ اللَّهِ وَكَيْلَارُوفِي تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ

به جعل انحراف ویزقہ من حیث لا یحب ومن یتوکل علی اللہ فهو حسبه  
 ان اللہ بالغ امره قد جعل اللہ لكل شیء قدرا وده کره یا غنی یا مضعفی  
 یا باسط یا وءاب یا زواق یا فتاح وده کره یا حافظ یا مھبط یا قریب  
 یا وکیل یا اللہ یا اللہ وده باری فالمدخیر حافظا وهو الرحم الرحیمین از  
 برای دفع وصول حوادث شب یکشنبه که از اول غره ماه در آید  
 ده رکعت بعد فاتحه ده کره ایتہ کریم و نجاه بار سوره اخلاص  
 پس از سلام بیت یکبار استغفر اللہ ربی من کل ذنب و التوب الیہ  
 تا نھت شب در ہر شب یکشنبہ نماز بوضعی کہ تھیر شدہ بگذار و حاجت  
 مقصود شود مطلب دوکانہ و تعداد اسماء و القاب کہ اولیا ما تقدم  
 و کبار مشایخ عصر بدان القاب و اسماء حضرت غوث اعظم راضی

الله تعالى عنه خوانده ووصف کرده اند که از کتاب بیحتمه الاسرار  
 و مرتبه الفاخرة للامام الياضي ملفت شده و دو کانه و القاب و اسماء  
 و عبادات بر روشن و بکر که نیازندان سلسله قادریه در عمل در  
 آورده اند بر آن توسل کرده از تجرید بیان جناب عرش مآب میماند  
 قال النعت الاعظم والفقير الالکل شیخ شیوخ العالم شیخ محی الدین مسید  
 عبدالقادر الجیلانی رضی الله تعالی عنه وارضاه من نادانی باری فی  
 شدرة فرجت عنه ومن توسل لی فی شدرة فرجت عنه من توسل  
 لی الی الله تعالی فی حاجته قضیت له اذ اسألتموا الله فاسئلوه  
 و من صل رکعتین یقرأ فی کل رکعة بعد الفاتحة سورة الاخلاص احدی عشر مرة  
 فلیصل علی رسول الله تعالی صلوات الله علیه و علی آله و اصحابه بعد السلام و سلم

علیه و نیز گره <sup>۶۹</sup> نم <sup>۷۰</sup> خطوا لی جه العراق احدی عشر خطوة و نیز که رسمه  
 و نیز که حاجت فانی تفضی بهجه الاسرار و خلاصه المفاحرة و روش دیگر  
 که محرر این سطور از آباء و اجداد دست بدست یاد بر رسیده و بدان  
 مستفیض و مجاز است انبیت باید که اول حفظ آداب شرائط نگاهدارد  
 که یکی از آن شب یکشنبه بعد از آرام و آسایش خواب خلق فصل کردن  
 است برای خود بی استغاثه و معاونت دیگر می دیگر سواک و تنطیف  
 جامه و خوشبو و حلوه تنطیف دیگر و حانیت حضرت سرور کائنات  
 خلاصه موجودات علیه افضل الصلوة و اکمل التیمات بر خود لازم دانستن و  
 ناظر تصور کردن و حلیه حلیه آن محبوب حق را رضی الله تعالی عنه نصب  
 العین خود دانستن و تصور کردن و از باطن سپهر و مرشد را که از روی

ملحق باشد مجاز شده باشد بر وقت خود حاضر و التماس و از وی استمداد  
 در خواست پس ازین دو گانه را بوصف که تحریر کرده و شروع کند و در  
 رکعت باین عبارت تحمیه نوبت ان استی لدی تعالی رکعتین صلوة  
 الاسرا بدیه حضرت شیخ محی الدین سید عبدالقادر جیلانی احسن  
 احسن اندا کبر بخواند در رکعت اول بعد فاتحه قل یا ایها الکافرون یا ز  
 کرة و در رکعت دوم بعد از فاتحه سوره اخلاص یا زده کرة پس از  
 سلام نماز نشسته و فارغ شده یا زده کرة آیس بخواند اللهم صل  
 محمد و علی آل محمد و بارک و سلم بعد معلوم کک اگر بعد یا زده  
 بار نام التمس و کائنات بدین عبارت بگوید الی بجزمة شیخ التقلین محی الدین  
 ابو محمد سید عبدالقادر حسین احسن جیلانی رضی اللہ تعالی عنہ قدر الدرس التمس

اَقْبَسْ جَاهِجِي يَا قَانِي الْحَاجَاتِ آمِينَ لَيْسَ زَرَانٌ دَر سَجْدَه رُووسَه بَارَه  
 اَنْبَرْد عَا جُو اَنْدَا لِهْم لَكَ الْكُلُّ وَمَنْكَ الْكُلُّ وَبِكَ الْكُلُّ وَالْبِكُ الْكُلُّ  
 وَكَفَّ الْكُلُّ وَانْتَ الْكُلُّ وَكَذَرَا الْكُلُّ لَعْنَةُ سِرِّ سَجْدَه بَرَا وِرْوَه جَانِبِ  
 عِرَاقِ يَزْرَه قَرِيمِ زَمْتَه بَاسَنْدَه وَبَايْدِ كَه دَر بَرَابَرِ تَرَقِيمِ لَعْنَةُ دَر رَا  
 اَز مَبْلُغِ دَر قَدْرَه وَبِي بَاشَد بَكْدَارِ وِ سِرِّ اَزَانِ كَلْوِيْدَا الصَّلَوَه وَالسَّلَام  
 عَلَيْكَ يَا قُتْبَ الزَّمَانِي الصَّلَوَه وَالسَّلَام عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ الرَّحْمَانِي  
 الصَّلَوَه وَالسَّلَام عَلَيْكَ يَا غَوْثَ صَمْرَانِي الصَّلَوَه وَالسَّلَام عَلَيْكَ يَا  
 مَضْرُوتَ حَضْرَتِ رَبَانِي الصَّلَوَه وَالسَّلَام عَلَيْكَ يَا وَاوِيَّتَ رَسُوْلِ اللهِ  
 الصَّلَوَه وَالسَّلَام عَلَيْكَ يَا نَاسِبَ رَسُوْلِ اللهِ الصَّلَوَه وَالسَّلَام عَلَيْكَ  
 يَا مَارَادَ الْمَوْفُورَةِ الصَّلَوَه وَالسَّلَام عَلَيْكَ يَا قَوْسَ اللهِ الصَّلَوَه

الصلوة والسلام یا شیخ نجیب <sup>والله اعلم</sup> واللائس الصلوة والسلام علیک یا شیخ  
 السموات والارضین شیخ نجیب الدین ابو محمد سید عبدالقادر عسکری جزا  
 اللہ تعالیٰ عنہ خیراً یا زودہ بار الغیث دوازده بار اغثنی کوید و کبوید کہند  
 درین کار عاجز و حیران و نام آن مهم کبوید پس از آن با دست خفته بانه و عرض  
 حال یا دیگر کرده باشد که گوید هر قدر شریف استاده عرض حال خود میکند  
 پس از آن درود و سوره فاتحه یکبار و آیه الکرسی سه کلمه و سوره  
 اخلاص یا زودہ نوبت بخواند و بار تکرار نماید عاود خود را کبوید و بر زبان  
 تکرار کند پس قهراً برگشته و منتهی که بر هر قدم گذارشته بود از آن  
 بجزمت داشته برجائی نماز آمده صد و یا زودہ کرة کبوید یا عباد اللہ  
 اغثننا یا ذن اللہ یا شیخ عبدالقادر صلی فی رضی اللہ تعالیٰ عنہ چون حاجت

او متذنب نبود و از آن مبلغ مذکور طعام نفیس نخبه مردم صلاح را بخوراند  
 و در روزی که بپوشش دیگر بعد از وضو تجرید و دو رکعت تحمیه  
 و صد بار سه خضوع و خشوع دل کلمه استغفار و کلمه طیب و یا اهدیا محمد و  
 محی الدین هر یک را یازده کمره کمباید و نیز یازده بار العیاش اغشی تکرار  
 کند پس از آن دو رکعت نماز ایت صبر کند تا نیت آن اصلی شد  
 صلوة التطوع بدین شیخ المشایخ شیخ محی الدین عسبیه القاهره اجمالی  
 ترجمهها الی جنبه اللبته المدکبر در هر رکعت بعد از فاتحه آیه الکرسی یکبار  
 و سورة اخلاص یازده کمره بخواند پس فراغ نماز از سه خضوع و خشوع  
 دل استغفار و درود بر آن سرور کائنات خلاصه موجودات صلوة  
 تعالی علیه و علی آله و اصحابه و سلم و کلمه طیب و سبحان الله تعالی یا  
 اللهم

صحیح استغفار  
 و در کتاب  
 صحیح استغفار

ويا محمد و شيخ محي الدين بركير يا زده كره نجواند وكلمه العياض اعشي بنز  
يا زده كره بكويد و كبر كفته جانب نجواند كه ما بين قبل و ش ما هست  
يا زده قدم رفقه از سه حضور دل اسناده يا زده كره نجواند الصلوة و  
السلام عليك يا قطب الزماني الصلوة والسلام عليك يا حبيب  
الزماني الصلوة والسلام عليك يا بيت الزماني الصلوة والسلام  
عليك يا دليل الرحاني الصلوة والسلام عليك يا متصرف حضرت  
زماني الصلوة والسلام عليك يا نائب رسول الله الصلوة والسلام  
عليك يا وارث رسول الله الصلوة والسلام عليك يا توسل الله  
الصلوة والسلام عليك يا شيخ الثقلين بركة القرآن و مني آخر الزمان  
محمد الرسول الله صلى الله تعالى عليه وعلى آله واصحابه وسلم سدد و كانه

اولي دعا

بر روی پیش و کبر بطریق و روز نماز مغرب دو رکعت نیت هدیه حضرت  
 عذرت اعظم بگذارد و بخواند در هر رکعت بعد فاتحه یازده کرة سورة اخلاص  
 پس از آن یازده نام که تسلیم کرد و بر زبان راند شیخ محی الدین  
 سید محی الدین با و شاه محی الدین سلطان محی الدین محمد و محی  
 الدین مولانا محی الدین خواجہ محی الدین درویش محی الدین فقیر محی  
 الدین غریب محی الدین با عبد الفنا و رحیلانی رضی اللہ تعالیٰ عنہ پس  
 از آن بگوید یا شیخ المشائخ و الاولیاء قطب العالم شیخ محی الدین سید  
 عبد الفنا و رحیلانی رضی اللہ تعالیٰ عنہ درین قضیہ و در نمینا مله که بندہ  
 عاجز و حیرانست بتو حال که کردم و چنگ خود را بدامن شما اونحیة ام  
 پس از آن قہقراً باز کردیدہ بر جانی نماز آمدہ در سجده رفته

چند بار درود بر آن محبوب صلی اللہ تعالیٰ علیہ وعلیٰ آلہ و اصحابہ وسلم  
 کفایت حاجتی که دارد عرض نموده مسألت نماید پس از آن این نامها  
 حضرت غوث اعظم بخواند بسم اللہ الرحمن الرحیم الہی بجرمتہ شیخ  
 محی الدین خواجہ سید عبدالقادر جیلانی الہی بجرمتہ شیخ محی الدین  
 قطب المشفقین والمعزین سید عبدالقادر جیلانی الہی بجرمتہ شیخ محی الدین  
 قطب العرش والکریخ شیخ عبدالقادر جیلانی الہی بجرمتہ شیخ محی الدین  
 قطب امین والانس سید عبدالقادر جیلانی الہی بجرمتہ شیخ محی الدین  
 قطب الکواکب سید عبدالقادر جیلانی الہی بجرمتہ شیخ محی الدین  
 قطب الحجر والشجر سید عبدالقادر جیلانی الہی بجرمتہ شیخ محی الدین  
 قطب کائنات سید عبدالقادر جیلانی الہی بجرمتہ شیخ محی الدین

باران سبز

بآراء شہب سید عبدالقادر جیلانی الہی بخدمت شیخ محی الدین  
 قطب الجنوب والنمال سید عبدالقادر جیلانی الہی بخدمت شیخ محی الدین  
 رضی اللہ تعالیٰ عنہ وارضاه یا ابن ابی صالح موسیٰ خلگی دوست  
 حق یا غوث صمدانی یا محبوب سبحانی یا سلطان محی الدین یا ابا محمد یا ابا  
 عبداللہ یا عبداللہ یا عبدالقادر یا جیلانی یا حسین یا حسینہ یا غنی  
 واددی فی قضاء حاجتی یا شیخ عبدالقادر جیلانی سید سید بدہ  
 القاب شیخ محی الدین الامام عبدالقادر جیلانی و اوصافہ علیہ السلام  
 من کتاب سیرۃ الاسرار و جمیع بعض اصحابنا الازال کا اسمہ عبدالقادر اللہ تعالیٰ  
 و تقدس و دعا بہا اولیاء عصرہ و من تقدم منہم او تاخر لہا اولیاء و ما تقیم  
 منہم انحضرتین علیہما السلام و شیخ ابو بکر ہزار و شیخ ابو محمد سید

و الشيخ تاج العارفين ابو الوفاء و الشيخ عرار بطايجي و الشيخ عقيق منجي  
 و الشيخ ابو عمر ان موسى بن باهن وغيرهم و اما اوليا عصره منهم الشيخ مصير دورا  
 و الشيخ عبد الرحمن تغزنجي و الشيخ ابو الحسن جوئسي و الشيخ ابو البركات و الشيخ  
 ابو محمد بن عبد بصري و الشيخ ابو نصير المغربي و الشيخ عدي بن مسافر و الشيخ  
 علي ابن الياسبي و الشيخ يوسف ابن ايوب الهدائي مرجع السنة الثقنبندي و  
 الشيخ ابي الحسن البرقاني و الشيخ ابو نجيب السهروردي و الشيخ حيوة بن مس  
 اجداني و الشيخ ابو مدين المغربي و الشيخ محمد قليبي و الشيخ الشهاب الدين  
 سهروردي و الشيخ قتيب البان الموصلی که تفصيل احوال فخرزلات  
 و خوارق عادات هر يك اين اكابر طه قهرا امام عبد الله با فعي در كتاب  
 خلاصة المناظرة مبسوط کرده است رضي الله تعالى عنه و عنهم اجمعين .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا شَيْخَ الْعَبْدِ الْقَادِرِ يَا مُحَمَّدِي الدِّينِ يَا شَيْخَ الْإِسْلَامِ  
 يَا دَلِيَّ الدَّرِّ يَا قُطْبَ الْبُوقِ يَا غَوْثَ الزَّمَانِ يَا فِرْدَوْسَ الْوَقْتِ يَا مَعْنَةَ  
 قَدَمِهِ عَلَى رِقَابِ كُلِّ وَدِيٍّ يَا مَنْ شَرَفَ بَدْرَ زَمَانِهِ يَا عَلِيَّ الْمُرْتَلَةَ  
 يَا فَتْحِي يَا عَجْرِي يَا مُتَقَرِّفِي يَا شَرَفِي يَا مَنِّي يَا مُفْتَقِرًا إِلَيْهِ الْفَخْرُ وَالْعَامُّ يَا مَنْ  
 انْتَفَعَ بِرِسَالَتِهِ النَّاسُ يَا مُنْقِذِي يَا مَنْ بَدَأَ الْأَكْمَدَ وَالْأَبْرَصَ وَيُحْيِي الْمَوْتَى  
 يَا ذَا الدَّرِّ يَا مَنْ تَوَاضَعَ لَهُ جَمِيعُ الْأَوْلِيَاءِ يَا صَادِقَ يَا عَبْدَ الدَّرِّ يَا مَنْ  
 لَهُ الشَّرَفُ الْعَامُّ يَا مَنْ لَهُ الْعِزُّ وَالنُّعْبُ يَا مَنْ شَرِبَ مِنْ بَحَارِهِ  
 الْقُدْسُ يَا عِزَّ حَلَسَ عَلَى بَاطِ الْمَعْرُوقَةِ يَا مَنْ شَاهَدَ سِرَّ اللَّهِ تَعَالَى  
 يَا مُسْكِرًا فِي سَهْوِ الْكِبَرِيَاءِ وَالْيَأْسَى مَعَانِيَةَ الْهَيْبَةِ يَا مَنْ نَشَرَ عَلَيْهِ رُؤُوسَ  
 الْأَرْضِ يَا مَنْ سَمَّى فِي حُرِّهَا مِنْ بِلْغِ مَقَامِ الْقَدَرِ يَا مَنْ نَطَقَ بِالْحُكْمِ مِنْ مَعَادِ

اللؤلؤ يا من استبح سويد سره مكنون الاسرار يا من في المحضور يا ضحا  
 في الصحو يا حيا يا واقف بالحيا يا من مستبط بالادب يا متمكنا بالتواضع  
 يا دليل بالافتقار يا مقربا بالتحفيص يا محاببا بالاكرام يا سيد الاولياء  
 يا قطب العالي يا فؤاد السامي يا رئيس علوم المعارف يا من سلمت امرته  
 احتفائين يا سيد البركات اشهب يا قائد ركب المجيبين يا من نطقه  
 تحصل ما في القبور يا من رحمته الله متبعيه ومحبة يا مالك الزمان يا ايام  
 المكان يا قائم باحر انديا وارث كتاب الهند يا نائب رسول الله يا من  
 السماء والارض بائدة واهل بوقه كلهم عائلته يا من نذر الفطه بدعوته ويدر  
 النفع ببركة يا من كنس رؤوس الاولياء كلها كهيته يا مومن يا صدر الاولياء  
 يا صدر الاقطاب يا عالي المقربين يا اجل المكاشفين يا من تقديري بافعال

يا من بي

يا من يباهي الله بالامم يوم القيامة يا من يبرزني بمهية المقامات  
ويظهرني بجلاله الكرامات يا من يسطو بعبدة احوال ويعلو في رفعة المحبة  
يا من ساءم الله الكون يا من له قدم راسخ في الكئين تقدم بها  
في الازل يا من له لسان بين يدي الله في حضرت القدس يا من  
احب الناس الى الله ورسوله في وقته يا من نصب له من الهوى  
الاسفل في الملكوت الاعلى يا جبل الراح يا طر و الميقن يا سيد  
العارفين يا من دعى في الملكوت بالبار الا شهب يا بحر المحيطة  
يا مالک الازمة الاولياء يا من يفيض به المشرق على المغرب يا سيد  
اهل زمانة يا اعلى الاولياء والكليم يا افزع العلماء وازيدهم يا علم  
المعرفة واهمهم ويا امكن المناسخ واقدرهم يا من اليه انتهى الرياسة

يا من عنده بحيط رحال حلاله انسان يا من اليه يلقى امر الكون واهله  
 يا من قدر الامر في الاولياء والابدال ومن دونهم تعقلا ثم اجابهم  
 واسمهم يا من يري جو الناس الريادة من بركة نظره ويخافون  
 سلب احوالهم من بسطه هيبه يا من اخذ العهد على كل ولي في زمانه ان  
 لا يتصرف الا باذنه يا من له السلام في حضرة القدس باذنه يا من  
 اعطى في الاكوان التصريف لعمومه يا فرد يا قطب الاولياء ما وصل  
 الله تعالى يقرب حللا الاوانت اجله يا من تادب معه كل ولي كان  
 او يكون في سره مع الله الى يوم القيمة يا امام الصديقين يا حجة العارفين  
 يا روحاني المعروفة يا من شان القربة بين الاولياء يا من لم يظفر الله ولا  
 يظفر الى الوجود من الاولياء مثله يا من كانت كراماته كالعهد المنفضة

يا من علمي

يا من لم يكن في احوال من مثله  
 يا اقرب الاولياء الى  
 النبي يا افضل المتأخرين يا من يده فوق ايدي رجال الغيب وقدمه على  
 رقباتهم يا من به كفة يحرس المد الارض بربها وجزءها يا من بدعوته برحم  
 انجيلته برؤا جبرئيل يا من كان سر الاولياء في خفاوة الفاس وظل  
 قدمه ودايره امر يا من له الوجود ويا من صرف في الوجود يا من يوتي  
 به وجود الكفوة يا من صرفه الله تعالى في قلوب الاولياء وواحا لهم  
 انشاء وارسالها امسكها يا خير الناس في زمانته يا سلطان الاولياء يا  
 سيد العارفين يا من تبارك معه ملائكة السماء يا من يحجر قلبه عن الله  
 تعالى يا سلطان اللاتفة والمتصرف في الوجود على التحقيق يا نجت الوجود يا  
 هاديته الله تعالى الى الكون يا من له اليد المعبولة عن الله تعالى في الصفة

والفضل نهارق الدائم يا من رفع الاولياء العاشية بين جدار  
يديه يا امير الوجود يا من نطق بحكمة يا من سلمت اليه احكام التصريف في  
كل قريب وبعيد يا خليفة الاولياء يا سلطان الوجود ويا شيخ الاولياء  
واما هم يا من اعطى مواهب الاولياء كلهم على يديه ومواهبه كلها على يدي  
رسول الله يا من ليس لاحد منه عليه سوى الله تعالى ورسول يا امام اهل  
الطريقة يا شيخ الشيوخ يا من نبوه يستضي اهل القلوب في احوالهم و  
بهجة سرية يستح اسرار اهل الحقائق في معانيهم يا من نوره مضي من النور  
النبوة في به قوته وبهجة وسموه من الاصل النبوي وبه توامه وعليه عماده  
يا من هو على قدم جده المصطفى يا من دعاه النبي يا من له صيت وصورة  
وسمعت يا من له سمت بهي وقدر علي وعلي وفي يا فائق يا من اوقع الله

وبالقول التام

وبالجملة التام عند الخاص والعام يا من أظهر الله الحكمة من قلبه على  
لسانه يا من ظهرت علامات قدرته وبهرت امارات حقيقته ثابت شواهد  
تخصيصه ياراسخا في المجاهدة يا خالصا من دواعي الهوى ومقاطعا لمج  
اخلاق يا من له صبر جميل في طلب مولاه يا من قصد اليه طلبة العلم من  
الافاق وابتهت اليه تولية المردين بالعراق يا من اوتى اليه الهدى  
اوصافك وسلمت اليه ازمنة المعارف يا من اتمت اليه الرياسة  
علما وعلما وحالا يا قطب الوقت حكما وعلما يا مبهيا على العلم فراغوا  
يا من العلوم فضلا وعقلا يا غير المتكلمين قولا وفعلنا من اشرفت  
في الافاق والنوت احدا نحوه الاغواق يا من نزهت في اخلاقك تحب  
الاعين واخلفك بدرانغ اوصافه الاسن يا ذا البابين واللسانين

يا كريم اجدين والطرفين يا صاحب البرهانين والسلطانين يا امام القميين  
 والطرفيين يا قطب العالمين يا من اقمه اليه في علم الشريعة والطهارة و  
 علم الحال وفعل الحال يا من قدمه والموافقة والواقعة مع اليسرى من  
 احوال والقوة يا من طهقه تجريد التوحيد الفريد مع الحضور في موقف  
 الجبوتية يا من كانت عبودية مستمدة من لحظة كما الروبوتية يا من بصحة  
 الفرعية الى مطالع اجمع يا ذائل تحت مجاري الاقرار يا من وقف  
 عليه وروحه ونفسه وانحل باطنه وطاهره يا من نجا من صفات النفس  
 يا غابا من روبة انحل النفع والضرر والقرب والبعد يا من اجد قوله  
 وفعله يا من كان طريقته ومعرفته الاخلاص والتسليم وكلمة الكتاب  
 والسنن في كل نفس ودار وياتيا بما مع الدتالي في كل خطوة ولحظة

يا فانها

يا فارغ القلب ويا خالي السر يا من لا يطيق مثل قوته احد يا من فاق  
قوته اهل الطهري غداً ولزوماً يا من وصفه قلب فارغ وكون غائب  
وحالته شهادة رب حاضر بسيرة الايجار بها الشكوك يا من له سر  
لا يشاركه الا لا يفترقه البقايا من جعل الكثرة الاكبر من ورائه والملك  
الا اعظم تحت قدمه يا من حماه المدح والثناءات الى الدنيا وزخارفها  
يا من نصره الله تعالى على النفس وشهواتها يا من آمن له الشيطان  
بخرقه بمن هو ادواً اسكن شيطانه يا متوكل يا شاكر يا فاني يا مقرب  
يا شامد يا فقير يا من اعطى العز الا اعظم واحمدية اخلاصة يا من محقت  
بغاياها ونسخت صفاتها يا من لا يقعد عليه زبانية يا من لم يكن لاحد من  
العظام ولا الم باب ذي سلطان يا من لم يكس علبا ط السلاطين

ولم يأكل من طعامهم يا صادق الأقوال وثابت الحال يا من انفتحت  
لك كل ولي في الارض يا من ازوهم الاولياء واللائكة في مجلسه يا من  
يفرق الخلق على اهل بيته يا من يتعلم منه لطائف الملك خواصه يا  
خير اهل الارض في وقته يا من سبقه مشهور يا من قوسه ممتدور يا من  
سبه صائب يا من رحمه مصحوب يا من فرجه مسروح يا نار  
اليد الموقدة يا سلاب الاحوال يا بحر الاسائل يا وليد الوقت يا مفضل  
في الغير يا محفوظ بالمحوظ يا امر امد يا من بعرض عليه السعداء والاشقياء  
يا ناظراً في اللوح المحفوظ يا غائصاً في بحار علم الله تعالى ومشاهدته  
يا حجة الله تعالى على الحق يا شيخ الكل يا شيخ الانس يا شيخ اللائكة  
يا من لا يقاس على احد ولا يقاس احد عليه يا من هو منزه ورا عقول

اَخْتَقُوا مَوْرِهِمْ يَأْمَنْ يُقَالُ لِمِنْ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سَبْعِينَ مَرَّةً وَانَا خَرْتُكَ  
 وَاتَّصَحَّ عَلَى عَيْنِي يَأْمَنْ يُقَالُ تَقَلَّمَ نَسَمَكَ يَأْمَنْ لِفِعْلِ شَيْءٍ مَعْنَى أَمَرَ  
 بِهِ يَأْمَنْ آمَنَ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ الرَّوِّ يَأْمَنْ كَمَا عَنِ الْيَقِينِ لِأَنَّ فِيهِ يَأْمَنْ انْطَقَ  
 فَسَطَقَ يَأْمَنْ عَطَى فَنَفَرَ يَأْمَنْ أَمَرَ فَعَلَّ يَأْمَنْ تَكَزَّبَ  
 وَسَبَّكَ لَدَيْكَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ يَأْمَنْ يَأْمَنْ يَأْمَنْ يَأْمَنْ يَأْمَنْ يَأْمَنْ  
 ظَاهِرُ النَّاسِ وَبَاطِنُهُمْ وَالنَّاسُ كَالْقَوَارِيرِ فِي نَظَرِ يَأْمَنْ عَافَى أَوْدَارَ  
 أَحَقَّ بِالْحَقِّ لِمَنْ يَأْمَنْ يَأْمَنْ يَأْمَنْ يَأْمَنْ يَأْمَنْ يَأْمَنْ يَأْمَنْ يَأْمَنْ  
 يَأْمَنْ يَأْمَنْ يَأْمَنْ يَأْمَنْ يَأْمَنْ يَأْمَنْ يَأْمَنْ يَأْمَنْ يَأْمَنْ يَأْمَنْ  
 وَالسَّنَاتِ وَتَجْبِرُهُ بِأَفِيهِ يَأْمَنْ لَانْطَلَعَ الشَّمْسُ حَتَّى تَسْمُ عَلَيْهِ يَأْمَنْ مَشِيئَةً  
 فِي الْهَوَادِ عَلَى رُؤْسِ الْأَشْهَادِ يَأْمَنْ أَمْرًا لِلنَّاسِ مِنْ عَطَا رَبِّهِ

كل من شاءه يا ما حي يا منبت يا محبي يا محبت يا من ادتعالى يا من بيده  
قلوب الناس انشاء صرّفها عنه والشاء اقبلها عليه يا ولي الهدى في الدنيا  
والآخرة يا من لا تنازع احد في حاله الا ضرب عمقه في حضرة الدتعالى  
يا احسن خلقا يا واسع المد الكرم نفا يا اعطف قلبا يا اخف عهدا  
يا من يقض مع الصبر يا من يوقر الكبير يا من بيده بالسلام يا من يجالس  
لضعفاء يا من تروا ضع الفقراء يا رضى الاطلاق يا زكي الاوصاف  
يا اولى النفس يا سخي الكف يا من يحفظ الود ويعفو عن مآوي الخلق  
يا حاجي الحقيقة يا نفاع يا ضرار يا من لا يرفع الطرف الا عند مكرمة يا ظاهر  
الوضاءة يا دائم البشر يا كثير البها يا شريدا محيا يا رجب اجناب  
يا سهل القياو يا كريم الاطلاق يا طيب الاغراق يا عطف يا روف يا شرف

يا من كريم الاخلاق يا طبيب الاغراق يا عطف الجلسر ولسيط  
المهزم يا امن لنا يا اظهر لفظا يا سريع الدعوة يا شديد الخشية  
يا كثر الهيبة يا مجاب الدعوة يا بعد الناس فحشا و اقربهم الى  
الحق يا شديد الناس اذا انتهكت محارم الله تعالى يا من لا يحرم  
ولا يتغير بغير ربه يا من لا ير والسائل يا من توفيق زادة  
والتائب معاضده والعلم مهذب والقرب به وخطاب مشبه  
واللوط صغيره والانس نديمه والبسط السيمه والصدق راتبه والفتح  
بضاعته والحلم ضاعته والذكر وزيره والفكر سميته والمكانفة عداؤه  
والمشاهدة شفاؤه يا من اواب الشريعة طاهره يا من اوصاف  
الحقيقة سريره يا من اخذ عهد امن الله تعالى لم يديه بالتوبة يا من

وعدہ اللہ تعالیٰ ان یدخل مجسمہ نجتہ یا من بقیۃ الباقی والقرآن العظیم  
 یا سائر عورات المریدین یا من وہب لہ مریدوہ الی غیرہ الخیرات  
 یا من یدہ علی مریدہ کالسماء علی الارض یا من عاہد اللہ تعالیٰ  
 ان تمسک بذلیہ نجی یا من یخفف عنہ الغراب عن مشہر  
 یا قائم الکرسی الی المنزل توجب یا من لہ عبد کل الطوائف وونہ یا  
 من منہل غیب المشرب یا من لہ عمۃ امضی منہ الصارم یا من لہ منہ  
 کل عوبیہ فحل لا یتاوم و فی کل ارض خیل لا یسابق یا من لہ فی کل صعب  
 خلقۃ لا یعزل یا کاشف الکلمۃ یا فارج الشرۃ یا قاضی الحاجات  
 بفضل اللہ تعالیٰ و کریمہ اقض حاجاتی باذن اللہ تعالیٰ و بحبہ اللہ تعالیٰ  
 و بفضل اللہ تعالیٰ و امدولی فی قضاء حاجاتی کلہ بجرۃ رسول اللہ صلی

الخالین والاکم جمیعین اللهم صل علی محمد و آل محمد بعدو کلما ذکره الذکر و  
 ذکره غفر عن ذکوره الغافلون اللهم صل علی محمد اللهم صل علیه وسلم  
 علیه برحمتک یا ارحم الراحمین اما اسماء و القاب حضرت پیر غوث اعظم  
 رضی اللہ تعالیٰ عنہ کہ بعضیے نیاز مند ان سلسلہ علیا درود خود ساختہ اند  
 و بدان توسل کردہ اند جبہ قضا حاجت و کتابت ہمت بعد نماز فجر  
 و پس از نماز عشا ہفت کرات درود خود بستر طآن یصلی اولاً و آخراً علی  
 سائرہ بالموجودات صل اللہ تعالیٰ علیہ وآلہ واصحابہ وسلم بہ الناکرین  
 الریم یا شیخ الملک و ہجن والانس بالاتفاق یا قطب الاقطاب  
 بالاشفاق یا صاحب المنزلۃ و اجاہ عنانہ یا من قدمہ علی رقاب  
 جمیع الاولیا یا حاجی الحرمین یا صحیح النسبین یا کریم الطرفین یا فرزند

امیر المؤمنین احسن و احسین الشہیدین یا غوث الاعظم العالم یا قطب  
 ربانی یا محبت السہانی یا شفیع الصدیقی میران سید محمد الدین سید  
 عبدالقادر جیلانی برہنہ برہنی را از خطوطات نفسانی و اوصاف کدو  
 ذمیرہ براری ای انکہ ماہ ولایت تو خوف نیکہ و وای انکہ آقاب کرمت  
 تو کوف نہ پذیرد وای و سیکہ وای فریاد رس بر بنامیدہ اغثنی  
 و امدونی فی قضاء حاجاتی یا قاضی الحاجاتی یا قاضی الاموری یا ذون  
 الدتعالی آمین یعنی از برکت کفایت بہات بدین القاب توسل

کند الہی بحرہ قطب الاقطاب سید عبدالقادر جیلانی احسنہ احسنی  
 الہی بحرہ شیخ محمد الدین خواجہ عبدالقادر جیلانی الہی بحرہ شیخ محمد الدین  
 غوث الثقلین سید عبدالقادر جیلانی الہی بحرہ شیخ محمد الدین قطب الاقطاب

الملائي سيد عبدالقادر جيلاني الہي بحرمۃ شیخ محي الدين قطب امين  
واللائس سيد عبدالقادر جيلاني الہي بحرمۃ شیخ محي الدين قطب المتوفين  
والمعزبين سيد عبدالقادر جيلاني الہي بحرمۃ شیخ محي الدين قطب الشجر  
والحجر سيد عبدالقادر جيلاني الہي بحرمۃ شیخ محي الدين بابر اشہب قطب  
البر والبحر محي الدين كلام ملاکان سيد عبدالقادر جيلاني الہي بحرمۃ  
شیخ محي الدين قطب الكواكب سيد عبدالقادر جيلاني الہي بحرمۃ شیخ  
محي الدين قطب الكمل شیخ ابو محمد سيد عبدالقادر جيلاني افضل حاجتي يا  
قاضي الحاجات آمين از براي كفايت مہمات ہر روز ہزار كرتہ واكرتواند  
صد بار والاد يازودہ كرتہ بخواند بسم اللہ الرحمن الرحيم الہي بحرمۃ سيد  
القادر جيلاني الہي بحرمۃ سيد محي الدين مخدوم عبدالقادر جيلاني الہي

بحرمة مولانا عبدالقادر جیلانی الہی بحرمة سلطان عبدالقادر جیلانی الہی  
 بحرمة شاہ عبدالقادر جیلانی الہی بحرمة مرشد عبدالقادر جیلانی الہی  
 بحرمة قطب الربانی عبدالقادر جیلانی الہی بحرمة مسکین عبدالقادر  
 جیلانی الہی بحرمة درویش عبدالقادر جیلانی الہی بحرمة شاہ زمان  
 عبدالقادر جیلانی الہی بحرمة این نامہا معظمت حاجت منسکین و سبکس  
 روا کردان و باید کہ بذریعہ یازدہ عدد از ہر قسم کہ قدرتہ و بی  
 باشت بروح بر فتوح حضرت قبول کنہ چہ کفایتہ ہمت و آمدن حاجات  
 بدین اسماء توسل کند ہر روز یازدہ کرۃ بخواند یا شیخ محی الدین یا  
 سید محی الدین یا ولی محی الدین یا سلطان محی الدین یا بادشاہ  
 محی الدین یا محمود محی الدین یا مولانا محی الدین یا خواجہ محی الدین یا

درویشی

مهر و شمس محی الدین یا فقیر محی الدین یا مسکین محی الدین یا عرب  
 محی الدین یا غوث الثقلین اعثمی و امدونی فی قضای حاجاتی  
 اشتریح یا علی السدکن و ارسطه بینی و بنک و بین الدتعالی  
 بس از آن یازده کره بگویند یا سیدی محی الدین اعثمی پیش  
 از آن فاتحه بروج بر فتوح السید غوث الثقلین شیرینی که مطور  
 کرد و بخواند هفت بار سورة فاتحه و یازده بار سورة اخلاص و کره  
 در دو بر آن محبوب صلوات تعالی علیه و علی آله و اصحابه و سلم بگوید  
 و بوضع قدره نیاز صنعت و دو عدد و یا یازده عدد از هر قسم سلخ  
 قبول کند برای کفایت جهات بشرط رعایت حفظ شرائط جا و اوقات  
 که باجمال کمال حضرت غوث الثقلین مشرف کرد و از جمله شرائط یکی چهل روز زود

داشتن و از روجه حلال افطار کردن و تطیف جامه و بدن کردن و  
 از فضول کلام ترک کردن است و یک چهل کرة در روز چهار چهل بار  
 در شب این اسمها خواندن و بدان توسل کردن فاما اول و آخر  
 یازده کرة در روز خواندن است اگر چهل تنوا نهدت روز صائم بودن  
 و در شب خلوة رفتن است و چهل یکبار اسمها خواندن و بدان  
 توسل گرفتن است و اول و آخر یازده کرة در روز بر آن محبوب صلوات  
 تعالی علیه و علی آله و اصحابه و سلم خواندن است و یک شراط از جهات لفظ  
 انبت بغیر آن شد که بی ادون فابده نهد بسم الله الرحمن الرحیم یا  
 یشیح السموات والارضین یا یشیح الشمس والقمر والنجوم یا یشیح الليل والنهار  
 یا یشیح البر والبحر والسهن و اجمل یا یشیح الوحوش والطيور یا یشیح الدین و



عبدالقادر جیلانی سید سالار عبدالقادر جیلانی سہنکہ لاہور  
 عبدالقادر جیلانی شاہ میران عبدالقادر جیلانی بازار شاہ بہار  
 القادر جیلانی مولانا عبدالقادر جیلانی فقیر عبدالقادر جیلانی غریب عبدالقادر  
 القادر جیلانی مخدوم عبدالقادر جیلانی مولانا عبدالقادر جیلانی درویش  
 عبدالقادر جیلانی مسکن عبدالقادر جیلانی ولی عبدالقادر جیلانی شیخ  
 عبدالقادر جیلانی خواجہ عبدالقادر جیلانی اجاب عبدالقادر جیلانی  
 شاہ شاہان عبدالقادر جیلانی ابن ابی موسیٰ جنگی دوست خفی  
 عبدالقادر جیلانی پاک ازہو امی نفسانی مرصاف از کرد ورتان  
 خالص از مظلومات مکر شیطانی ای بہر دستگیر باجری بانہی یا مرشد  
 یا مخدومی یا ولی یا بابا و شاہ عرب و عجم و جاہلسا جاہلیقا و شرق و غرب

و شوال و ذی قعد و ذی الحجه و غیرت و ایام یا شیخ التعلین یا طلب  
 ربانی ثروت صحرانی یا ابو محمد یا حسینه یا سید یا عبد العا و جلالی  
 قدس مندره العزیز اقص حاجتی یا قاضی الحاجات برکت الایم  
 الراضین مطلب اما مولده و وفاته رضی اللہ تعالیٰ عنہ و ولادت  
 عوٹ اعظم سنہ سبعین و بروایتی سنہ اربعی و سبعین و  
 اربعمائة و عمر آنحضرت نو و سال و وفات او سنہ اربعستین و خمسین  
 یا زوہم شہر ربیع الثانی و آنکہ بعض مردم بی تحقیق درین زمانہ عمر  
 حضرت عوٹ التعلین عوٹ اعظم را در تاریخ ہندیم شہر ربیع الثانی  
 اخبار نموده شہرہ داده اند و تنگ خود نقل از کتاب مفتاح  
 الاخلاص جلدانی میکند برین حدیث و وارو می شود یکی آنکہ ناظم و

مؤلف کتاب مصباح الاخلاص شیخنا محمد و منسا و جدنا شیخ محمد حادری  
 و ایشان صد حکایات از خلاصه مفاخره فی مناقب الشیخ عبدالقادر  
 تکمل کتاب وجه الریاض فی حکایات الصالحین از تالیف امام  
 احمدین شیخ عبدالقادر یافعی است بی تفاوت زیاتی و نقصان  
 بزبان نظم ترجمان کرده و امام عبدالقادر یافعی در کتاب خلاصه  
 المفاخره نوشته که مات الشیخ عبدالقادر رضی اللہ تعالیٰ عنہ فی  
 شبہ ربیع الآخر من السنۃ و تاریخ در روز در آنجا ذکر کرده و روشن  
 که عدم تعیین است سبب عدم علم وی باشد و از کثرت شہدہ و نب  
 زمانہ پوشیده ماند کہ در تصویرۃ نص صریح بر عدم وی حاجت  
 نیست در جہت عدم ہا مقصود و منقول عنہ دیگر شیخ و مولای و سند

و بعد بی حضرت قطب عالم شیخ عبدالقادر ثانی که در زمان خود  
 ثانی نداشت فرزند صوری و معنوی و هم سجاده نشین و قائم  
 مقام شیخ محمد قادریست در کتاب او را وقایع خود بخط تالیف  
 نوشته و در آنجا نقل کرده که فوت حضرت غوث اعظم یا زویم  
 ششہر بیج الثانی و بعد وی شیخ درشت ری و ابوسید حامد  
 کہ ہم سجاده نشین و قائم مقام و ہم خلیفہ مطلق کامل مکمل جبر خود سلسلہ  
 قادریہ را بخط خود نوشته کہ عرس حضرت غوث اعظم تاریخ یا زویم  
 ششہر بیج الثانی است پس فرزند کہ حضور پر خود و کتاب کالات  
 علوم ظاہر و باطن کرده و ہم سجاده نشین و قائم مقام وی شد  
 و بعد از وفات والد خود مراسم صوری و معنوی ظاہری و باطنی

از و در وجود آمده از بس کرامات و خوارق که از او ظاهر و باهر باشد  
و معلم کامل حضور که ویرایش عجب القادر ثانی میگفت از محقق تاریخ  
عروس آنحضرت از والد خود ندانسته و یک حضرت محارمی ز سیدی  
وسندی و ابوی شیخ حاتم که هم سجاده نشین و قائم مقام دی  
بود از کجا که تحقیق او بکجه خود تشخیص تاریخ عروس آنحضرت ندانسته  
حالا بر این تاریخ بنفهم سه کتاب است با کسی در آنجا بنشته  
بجای یازدهم لفظ بنفهم درج کرده و الله اعلم بحقیقه الحال رکورد  
بلاد عرب و عجم سند و نیز تاریخ یازدهم شهر ربیع الثانی عرس  
حضرت غوث اعظم مکنند و درین روز اطعمه و مجالس و انواع انجرات  
و تبرعات می نمایند و اجماع و انعقاد عرب و عجم برین تاریخ منعقد شده

و بقواعد اصول مقرر است که روایت ضعیف از کثرت عمل قوی و  
مفسد هم بیشتر و بخلاف او جائز نه طلب فی سبب رضی اللہ تعالیٰ عنہ  
شیخ نجفی الدین ابو محمد سید عبدالمد موسی جگنی دوست حق بن ابی  
عبدالمد بن یحیی زاهد بن محمد بن اوود بن موسی بن عبدالمد بن  
موسی ابوان بن سید عبدالمد المحض بن حسن مشی بن امام حسن  
بن علی بن ابی طالب کرم اللہ وجہہ رضی اللہ تعالیٰ عنہم بدانکہ ارباب  
تحقیق گفته اند کہ آنحضرت منسوبت بحیل کبیر اجیم و سکون باہ المناساة التی تبت  
و این منسوبت و رانی طبرستان کہ جیلان و کیلان و گیل کونید و بعضی از  
تحقیق بر آنکہ منسوبت بحد خود کہ وی گیلان الوطن بوده و چون اسم  
از اسما اضداد هم برابرین اطلاق کنند و ہم بر اسود و در اینجا مرد و جد ما کی

چہ کثرۃ استعمال موسیٰ چون کند کم کون و از پنجمہ چون خواند عبدالمصن  
 بعضی خالص است از ہر شی و ملقب بود با این لقب از چہ آنکہ بد روی حسن  
 منشی است بن امام حسن بن علی کرم اللہ وجہہ و ما در او فاطمہ بیات  
 و آن دو خواند مصلح ہر ہفت      کہ از روز مرغ باید رفت  
 چون مشرق لیلی و شنبہ راہ      برج امینہ نظر بکشی  
 کردہ از شنبہ و طرف مذکور      آنچه در چار بہت شد مشہور  
 سوی مشرق دو شنبہ و شنبہ      بزوی ای برادر من بہ  
 آنکہ از مغرب آورد کینہ      روز یکشنبہ شب آونہ  
 پنجشنبہ چوسہ برآرد فور      رخسار خوب بہ  
 روز شنبہ چار شنبہ بفال      زوی زینبار سوی شمال

در کئی غوم مشرق در شب	در دهن جبهه بریک بنه
سوی مشرق شوی بچو شنبه	برک تمبول در دهانت نم
در بحبیه کنی مغرب دباب	خزول در دهان بکول شتاب
بچشبنده چون خبی بکوب	قند باشد غذا تو مطلوب
چار شنبه اگر روی بشمال	سخوری ماست ای خجسته
در شنبه سفر شمالی شد	در دهن سکون شالی شد

آن امام جهانیان جعفر	گفت دیدم حدیث پیغمبر
که شنبه بگیر موی ز سر	سبز ناخن که غم شود در بر
باز یک شنبه است بدتر از آن	در دو شنبه سنگی است از آن

در کشته نشایدت ای بخار چار کشته بود سعادت یار  
بچشیده خوشش است و اوینم که برون مکنی غم از سینه

تمام شد از دست فقیر

محمد در رس خانه الله تعالی

عاشق و مستور القیس

امین (م) نویسنده

امین

www.usapakshaheed.com